ژوندون

اطلاعات وکلتور

شماره ـ ۳۲

سال ـ ۲۷

پنجشنبه ۸ عقرب ۱۳۵۴
۲۵ شوال ۱۳۹۵ ـ ۳۰ اکتوبر ۱۹۷۵
قیمت یک شماره ۱۳ـ افغانی

اختصار وقایع مهم هفته

باپیام بناغلی محمد داود رئیس دولت و صدراعظم که شام اول عقرب ازرادیوافغانستان پخش شد، تجلیل ازسالگرد موسسه ملل متحد درسراسر کشور آغاز گردید .

* * *

بناغلی محمد داود رئیس دولت وصدراعظم ازمسابقات بزرگ بزکشی تیم های ولایات ر‌چمن منطقه جشن دیدن فر موده چپ اندازان رابحضور پذیرفتند .

* * *

بناغلی محمدداود رئیس دولت و صدراعظم ساعت ۱۲ ظهر روز چار شنبه بناغلی چاوان وزیر امور خارجه هند را درقصر ریاست جمهوری پذیرفته باوی ملاقات ومذاکره نمودند.

* * *

وزیر امور خارجه هند بناغلی چاوان بابناغلی محمدنعیم قبل ازظهر روز چارشنبه دروزارت خارجه ملاقات کرد .

* * *

معین سیاسی وزارت امور خارجه بناغلی وحیدعبدالله ساعت سه بعدازظهر روز چار شنبه بابناغلی چاوان وزیر امور خارجه هند درهوتل انترکانتی ننتال ملاقات کرد .

بناغلی وای . بی . چاوان وزیر امورخارجه هندکه ریاست هیات هندی رادر کمیسیو ن مشترك اقتصادی افغان وهنددارد. برای بازدید رسمی ودوستانه وارد کابل شد .

* * *

درباره خط آهن افغانستان ، مذاکراتی بین بناغلی علی احمد خرم وزیرپلان وهیات کمپنی ترایل فرانسه صورت گرفت .

* * *

سیمینار سالانه مدیران معارف ولایات کشور که بتاریخ ۲ میزان در ادیتوریم مکتب تخنیك ثانوی دایر شده بود ختم گردید .

* * *

جلسات علمی سیمینار حکیم ابونصرفارابی معلم ثانی پایان یافت .

* * *

به تاسی ازمشی دولت جمهوری ، تدابیر جدیدی برای تشویق صادرات کشور در مورد اقلام صادراتی کشور اتخاذ گردید .

شورای امنیت موسسه ملل متحد، دوکتور کوروالدهایم سرمنشی آن موسسه را موظف ساخت تابرای حل بحران صحرای غربی فوراً دست بکار شده ومداخله کند.

* * *

مذاکرات دکتور هانری کیسنجر وزیرامور خارجه ایالات متحده امریکابرای تهیه مقدمات مسافرت جرالد فوردبه پیکنگ خاتمه یافت .

* * *

فعالیت وسیع برای پیدا کردن قاتل سفیر ترکیه درویانا ازطرف پولیس اطریش جریان یافت .

* * *

وضع صحی جنرال فرانکو زمامدار اسپانیا وخیم است . خوان کارلوس جانشین فرانکو درمحل کار فرانکو بسر میبرد .

* * *

کابینهٔ بیروت جلسهٔ فوق العاده ای دایر ودرآن متارکه اعلام شد .

* * *

انور السادات رئیس جمهوریت عربی مصر باجرالد فورد رئیس جمهورامریکادر واشنگتن مذاکراتی نموده اعلام نمودکه پلا ن جدیدی برای صلح شرقمیانه دارد .

* * *

باوصف متارکه جنگ های شدیدی بین دسته های متخاصم لبنان ادامه داشته ودرآنجا فقط بازرهپوش ممکن است رفت وآمدکرد.

* * *

جمهوریت مردم چین، هفدهمین بمب اتمی زیرزمینی اش راشام دوشنبه ۵عقرب آزمایش نمود .

* * *

رشید کرامی صدراعظم لبنان از رهبرا ن تمام دسته های سیاسی ومذ هبی کشورش دعوت نمود تادریك مجلس فوری وعاجل اشتراك نمایند .

* * *

هلموت شمیت صدراعظم جمهوریت اتحادی آلمان، مذاکرات خودرا باتینگ هسیاوپنگ معاون صدراعظم جمهوریت مردم چین بعد از ظهر روز چارشنبه درپیکنگ آغاز نمود .







شرح عکس هاازبالابه پائین :

ـ هنگامیکه بناغلی رئیس دولت وصدراعظم، بناغلی چاوان وزیر امور خارجه هندرا درقصر ریاست جمهوری پذیرفتند .

ـ بناغلی رئیس دولت وصدراعظم موقعیکه رئیس تیم بزکشی سمنگان راپذیرفتند باوی مصافحه میفرمایند .

ـ بناغلی وحیدعبدالله معین سیاسی وزارت امورخارجه روزملی ترکیه رابه سفیر آنکشور وخانمش تبریك میگوید .

پیک ژوندون

دولت جمهوری افغانستان بر پروگرامهای معارف تجدید نظر نموده وآنهارا اصلاح خواهد کرد .

دولت زمینه های تعلیمات متوسطوعالی رابمنظور پرورش کادر علمی آماده خواهد ساخت .

ازبیانات رئیس‌دولت و صدراعظم

پنجشنبه ۸عقرب ۱۳۵۴– ۲۵ شوال ۱۳۹۵–۳۰ اکتوبر۱۹۷۵

امتحان کانکور پو هنتون

بااعلام امتحان کانکور ،برای فارغان صنوف دواز دهم لیسه‌های ولایات، جهت شمول در پو هنتو ن برای سال ۱۳۵۵، متعلمان لیسه های مر کز وولا یات کشور ،در برابر دو آزمایش تعیین کننده‌قرار میگر ند .امتحان‌آمادگی جهت‌سپری نمودن امتحان صنف دواز دهم که‌آخرین امتحان دوره مکتب است وشاگردان باگذ شتا ندن این‌امتحان واخذنتیجه مثبت ثمره دوازده‌سال کار شانرا بدست می آورند ودو- دیگر،امتحان کانکور برای شمولیت درپوهنتون. این امتحا ن برای شا گردان نقش تعیین کننده داشته نقطه عطف وفصل جدیدی درحیات تعلیمی جوانان بحسا ب میرود .

ازینرو ،تما م متعلما ن مکا تب درین مر حله ازدوره تعلیمی تلاش بسیار بخرج مید هند تا شا مل دومین دوره تعلیمی شده ودا نش شانرا در محیط پو هنتون که یک مرجع آموزش برای تعلیمات عا لی میبا شد بیش از پیش تو سعه وگستر ش دهند.

متعلمان صنف دوازدهم که‌اکنون درآستانه امتحا نات سا لا نه قرار دارند، برای سپری نمودن کانکور پوهنتون چانس بیشتری در دست دارند. زیرا متعلمان اکنون این چانس را دراختیار دارند که یك بار دیگر تمام کتب درسی واز جمله درس های صنف دواز دهم را مطالعه نمایند واستفاده بیشتری ازدرسهای‌گرفته وهنگام امتحان کانکور نیز از آن استفاده ببرند..

بهمین ترتیب چانس دیگر یکه در امتحان امسال کانکور برای شمو- لیت‌درپوهنتون موجوداست، اینست که پوهنتون کابل تجویز گر فته است تمام پوهنځی های مربوط را به‌دوبخش ساینس واجتما عا ت تقسیم نماید تاتسهیلا ت بیشتری برای فارغان بوجود بیاید. بدینگونه فارغان میتوانند رشتهٔ مورد علاقه شانرا که عبارت ازاجتما عیات ویا ساینس‌است، حسب دلخواه انتخاب نمایند. از جمله سوالات که برای کانکور انتخاب گردیده در امتحان رشته اجتما عیات پنجاه سوال از مضا مین ساینس ودر امتحان رشته ساینس پنجاه سوال‌اجتما عی‌گنجا- نیده شده است ، که در نتیجه هر شر کت کننده ایکه نمره اختصاصی یکی ازپو هنځی هارا پوره نماید شامل همان فاکولته میگردد.

امتحا نات‌گذشته کانکورپوهنتون کابل طوری بود که‌یک امتحان عمومی ازتمام مضا مین مر بوط پوهنځی های‌مختلف اخذمیگر دیدو شا ملین کانکور ناگزیر بودند تاهم سوا لات ساینس وهم اجتما عیات راجواب بگویند.که‌درینصورت چانس کمتری برای‌شمولیت‌دررشته‌اختصاصی داشتند. با تجویز تازه‌پوهنتون‌کابل درمورد امتحانات کانکور امکا نا ت بیشتر برای شا گردان بوجودآمده است.

بدینترتیب متعلمان لیسه ها ی مرکز و ولا یا ت‌کشور باید در جریان امتحانات سا لانه ،امتحا ن کانکور راز نظر دور نداشته ودر ضمن آمادگی برای سپری نمودن امتحان سالانه برای کانکورپوهنتون که فرق بسیار از سایر امتحا نا ت دارد آمادگی بگیرند . بخصوص که اکنون امتحان از دورشته مشخص ساینس و اجتما عات اخذ میگردد، متعلمان امکان زیاد تری دارند تا نتیجه مثبت ودلخواه‌شانرا ازامتحان کانکور پوهنتون برای سال ۱۳۵۵ گرفته وشامل پو هنځی مورد نظر شان کردند.

خبر هفته

به اساس پیشنهاد وزارت معادن وصنایع، مجلس عالی وزراء اعطای کریدت ۲۷۲۵ملیون افغانی رابرای خریداری ۱۸۰ هزار تن پخته دانه دار حاصلات سال جاری منظور نموده است .

یك منبع وزارت معادن وصنایع گفت : خریداری پخته درولایات کندز، تخار، بغلان، بلخ، جوزجان ، فاریاب، سمنگان، کندهار ، هلمند، فراه، هرات، بادغیس سر از پنج عقرب آغاز می گردد .

منبع اضافه نمود با اعطای کریدت دوهزار وهفتصدوبیست وپنج ملیون افغانی یکصد و هشتاد هزار تن پخته دانه دار توسط موسسات سپین زر جن وپرس پنبه وروغن نباتی هلمند شرکت سهامی پخته هرات اززارعان خریداری می‌گردد . (ب)

* * *

امتحانات سالانه شاگردان مکاتب ابتدایی سردسیر کشور بتاریخ ۲۰ عقرب واز مکاتب ثانوی‌ولیسه هابتاریخ اول قوس آغازمی‌گردد.

یك منبع پوهنتون کابل گفت: امتحانات کانکور بغرض شمول در پوهنتون برای سال تعلیمی ۱۳۵۵ از عموم فارغان سال ۱۳۵٤ لیسه های ولایات کندهار، هلمند، فراه ، نیمروز، بامیان، غور، بادغیس، لغمان ولیسه های گرمسیر ولایت ننگرهار بساعت ۹ قبل ازظهر روز جمعه ۲۳ عقرب در مراکز آتی اخذ میگردد :

امتحان کانکور فارغان لیسه های ولایات کندهار وهلمند در شهر کند هار ، امتحان کانکور فارغان لیسه های ولایات فراه، نیمروز درفراه ، امتحان کانکور فارغان لیسه های ولایات بامیان ، غور وبادغیس درمراکزولایات مذکور .

امتحان کانکور فارغان لیسه های ولایت لغمان درشهر میترلام وامتحان کانکور فارغان لیسه های گرمسیر ولایت ننگرهار در شهر جلال آباد اخذ می گردد .

منبع گفت: پروگرام ثبت نام ورهنمایی امتحان کانکور برای فارغان سال ۱۳۵٤لیسه های ولایات کندهار هلمند ، فراه، نیمروز ، ننگرهار ولغمان بروزهای هفدهم وهجد هم عقرب وبرای فارغان سال ۱۳۵٤ لیسه های ولایات بامیان، غور وبادغیس بروز های بیست ویکم وبیست ودوم عقرب در مراکز ولایات شان صورت میگیرد .

پوهنتون کابل ازعموم داوطلبان تقا ضا میکند تادر روز های ثبت نام وامتحان د ر مدیریت های معارف ولایات متذکره حاضر گردند .

امتحان کانکور فارغان سال ۱۳۵٤ سایر لیسه ها بعدا اعلان خواهد شد . (ب)

بناغلی رئیس دولت وصدراعظم بمناسبت روز جهانی ملل متحد گفتند:

تاسیس یک نظم اقتصادی بین المللی برای تقلیل تفاوت ها یک امر ضروری میباشد

آرزو مندیم مردمانیکه در راه احقاق حقوق حقه شان در مبارزه اند به آرزوی شان نایل گردند .

بناغلی رئیس دولت وصدراعظم پیام آتی‌را بمناسبت روزملل متحد صادر فرمودند :

مسرت دارم درین فرصتی‌که سیومین‌سالگرد ملل متحد راتجلیل میکنیم ازطرف حکومت و مردم افغانستان روزملل متحد را بکافه مردمان صلح دوست جهان تهنیت گویم .

افغانستان ازبدوشمولیت آن به عضویت سازمان ملل متحد همواره به اصول منشور ملل متحد به نظراحترام نگریسته ودر راه تطبیق اساسات وتامین اهداف عالی آن که حفظ صلح وامنیت بین المللی میباشد مجدانه همکاری نموده ودرراه نیل به این مامول سهم خودرا بنوع احسن ایفا نموده است .

ماتیقینم که ضرورت غیرقابل انکاربه‌صلح ورفاه بین المللی نقش موسسه ملل متحد را درتامین این امر ازهمه بیشتر مبرم تر ساخته است .

درطول یکسال گذشته کشور های دیگرنیز ازیوغ استعمار وتسلط بیگانه رها گردیده وعضویت سازمان ملل متحد راحاصل کرده‌اند که این امربذات خوددر تحکیم پرنسیپ جهان شمول سازمان ملل متحد ودر پیشبرداهداف آن سازمان نقش موثری راایفا خواهد نمود .

آرزومندیم تاکشور هاومردمان دیگری که هنوزهم درراه احقاق حقوق حقه شان در مبارزه‌اند نیزهرچه زودتر به این آرزوی شان نایل گردند .

تاسیس یك نظم بین المللی جدیداقتصادی برای ازبین بردن عدم مساوات همچنان تقلیل تفاوت بین کشور های انکشاف یافته وروبه انکشاف یك امر ضروری بشمار میرود، این نظم جدیدفقط میتواندازطریق مشوره‌واتحادنظر بین جوانب ذینفع ازطریق این موسسه جهانی تامین گردد .

نظام جدید اقتصادی بایست متکی به پرنسیپی‌باشدکه همه‌کشورهای جهان ازروابط بین المللی اقتصادی بصورت عادلانه بهره‌مند شوند ، چنین وضع اقتصادی زمانی رویکار خواهد آمدکه‌انتقال وسایل تکنالوژی ازکشور های انکشاف یافته به‌کشور های روبانکشاف جریان یافته ودرسازمانهای مربوطه بین‌المللی ریفورم های لازم مطابق به تصاویب سازمان ملل متحد عملی گردد .

بااعلام سال ۱۹۷۵ بحیث سال بین المللی زن یك سلسله‌فعالیت های بیشتر وسریعتری درمورد انکشاف سویه ذهنی وحیاتی زنان جهان صورت گرفت که یقین داریم دیری نخواهد گذشت بامساعی ملل متحد همه زنان جهان بتوانند در جهت تامین حقوق حقه شان وسهمگیری درامور انکشافی وتحکیم صلح بین المللی بموفقیتی نایل آیند.

موسسه ملل متحد مرجع مهم آمال بشریت برای نجات ازجنگ ، فقر، بیسوادی ، بیماری وسایر مشکلات دیگر بشمار میرود، امیداست این موسسه جهانی بتواند قدم های موثری دراین راه بردارد .

حکومت افغانستان باساس‌گذشته وباپیروی ازتصمیم جهانی برای رسیدن باهداف منشور ملل متحد صرف مساعی نموده واز امکانات موجوده به نحو مطلوب استفاده خواهد کرد .

در خاتمه یکبار دیگر آرزومندی خود، مردم وحکومت افغانستان رابرای پیشرفت هرچه بیشتر اهداف سازمان ملل متحد ابرازنموده وامید داریم مساعی ملل متحد درراه بسط وتحکیم صلح ورفاه بین المللی قرین موفقیت باشد .

متن پیام بناغلی رئیس دولت و صدراعظم عنوانی دکتور کورت والدهایم

باابراز تبریکات صمیما نه وقلبی مردم وحکومت جمهوری افغانستان به مناسبت روز فرخنده ملل متحدازاین فرصت استفاده نموده میخواهم یکبار دیگر اعتقاد مارابه پرنسیب های مندرجه درمنشور موسسه ملل متحد واهداف عالی موسسه ای‌که جناب شما درآن خدمت می‌کنید تائید نمائیم .

افغانستان بحیث یك ملت صلحدوست‌بااعتقاد راسخ باینکه پیشرفت وسعادت بشر تنها فضای صلح وتفاهم بین المللی تامین شده می تواند ازهرنوع مساعی در یـن راه استقبال وپشتیبانی خواهد کرد .

ماازنقش مهمی که موسسه ملل متحد درایجاد روحیه تفاهم وهمکاری بین جامعهٔ بشری‌ایفا نموده است تقدیر نموده وموفقیت مزید آن موسسه رادر سالهای آینده آرزومندیم .

تمنیات نیك مارا برای صحت شما وموفقیت‌های مزید موسسه ملل متحد بپذیرید .

پیغام سرمنشی ملل متحد

به مناسبت تجلیل روز ملل متحد(۲٤) اکتوبر ۱۹۷۵ :



دوکتور کورت والد هایم سرمنشی ملل متحد

هرسال به تاریخ ۲٤ـاکتوبر (۲ عقرب) ماسالگرد روزی راتجلیل میکنیم که درسال ۱۹٤۵ منشور ملل متحد نافذ گردید .

امسال سال سی‌ام موسسه خودرا تجلیل میکنیم که در اوایل تشکیلی ساده داشت ولی به تدریج به یك سازمان تقریبا عالم شمول ومرکز چنان همکاری همگا نی مبدل گردیدکه درتاریخ نظیر آن به مشاهده نرسیده است . ملل متحد دربه میان آوردن یك جهان بهتر برای همه جداکار میکند ملل متحد در عملیهٔ مبارزه ،بااستعمارنقش اساسی بازی‌کرده که‌هنوز هم ادامه دارد. این موسسه در مرکز جدوجهد تشکیل یك همکاری عالم شمو ل اقتصادی، اجتماعی وبشری قرار دارد .

ملل متحد کماقی السابق در حفظ صلح وامنیت بین المللی دلچسپی مبرم دارد . درچنین یك جهان خطرناك ومملو از کشیدگی هابه منظور صلح، بایست به تولید وانباشته شدن سلاح جنگ لگام زده شود .

بلای عظیم غربت، گرسنگی، مرض و بیسوادی هنوز مهار نگردیده است اگر قرار باشدکه تمام مردم گیتی ازنعمات دنیای ما مساویانه بهره ببرند باید دانش ودارایی که درجهان موجود است درراه اعمار یك نظم نوین اقتصادی بکار انداخته شود .

در مقابله باین چلنج ضرورت به ملل‌متحد ازهر زمان دیگر بیشتر محسوس است . چنانچه جلسهٔ خاص هفتم اسامبلهٔ عمومی به اتفاق آراء موافقه کرد کامیابی درین راه مستلزم تصمیم واراده تمام ممالك عضواست براینکه به صورت همه جانبه اشتراك مساعی نمایند .

هرفرد این جهان اعم ازمردوزن با آیندهٔ موسسه ملل متحد علایق شخصی دارد. اگر مابهمین روحیهٔ دوستی وتفاهم کارکنیم دیگر نباید ازچیزی هراسید .

بیائید دراین فرصت که سی امین سا ل موسسه ملل متحدراتجلیل میکنیم همین‌وجیبه رابحیث تعهد شخص قبول نمائیم .







درین شماره

عکس روی جلد مهوش وژیـلا عکاسی‌ستار جفایی

پیام بخوانندگـان

جهت کشف وتثبیت ذخایر معادن بخصوص معادنیکه استخراج آن دارای اهمیت تجارتی میباشد مطالعات به شدت صورت گـرفـت . تفحصات درساحهٔ معادن طـلا، سیماب، مس کرومیت وابرك ادامه یافته وپروگرام تفحصات درساحهٔ معادن مس لوگر که آیندهٔ خوبی را نوید میدهد، تشدید گردید . نقشهٔ جیالوجی افغانستان به مقیاس یك بر ۵۰۰۰۰۰ تکمیـل گردید. اموراکتشافی طلای سمتی خاتمه‌یافت واقدامات جـدی جهت استخراج آن رویدست گرفته شد .

پروگرام تفحصات نفت وگازبه منظورتثبیت ذخایر بیشتر آن ادامه وتوسعه یافت وبـه اندازه تقریبا دوهزار متر برمه‌کاری اکتشافی واستخراجی مازادبرپلان پیشبینی شده صورت گرفت. باافزایش درذخیره گـاز سلفردار به اندازهٔ (۱۵) ملیارد مترمکعب واستفاده‌ازذخیره سابقه قرارداد پروژه سازی فابریکه تجرید سلفر ازگاز امضاء وکارآن عنقریـب آغـاز میگردد . همچنان باکشف ذخیرهٔ جدید نفت وتوسعهٔ فعالیت درین ساحه پروژه سـازی فابریکه تصفیه نفت‌که در گذشته به ظرفیت ۱۰۰ هزار تن درنظر گرفته شده بود بظرفیت بیشتر درساحهٔ تطبیق گذاشته خواهد شد .

پایپ لاین هوایی گاز بطول ششصدوشصت متربالای دریای آمو تکمیل وافتتاح گردید ، ازمعدن بیرایت که درماه اخیر سـال ۱۳۵۲ افتتاح گردید به اندازهٔ بیشتر از هفت هزار تن بیرایت استخراج گردید .

در ساحهٔ صنایع درنتیجهٔ افزیش مـواد زراعتی بخصوص‌پخته واستفاده‌اعظمی ازظرفیت تاسیسات صنعتی موجوده وتثبیت ساعات کار وحداقل مزدکارگران درمیزان تولیدات صنعتی بمقایسهٔ سال ۱۳۵۱ افزایش قابل مـلاحظـه نمود .

جهت رفع قسمت بیشترحوایج عامه‌درساحهٔ منسوجات نخی تجویزگرفته شدکه فابریکه‌های نساجی افغان، بلخ وبگرامی بجای دوشفـت درسه شفت فعالیت نمایند. این امر طوریکه گفته شد نه تنها دررفع نیازمندی‌مردم‌بصورت قابل ملاحظه کمك خواهد نمود بلکه زمینـهٔ استخدام رابرای بیشتر ازیك هزارنفر کارگر مهیا خواهد ساخت .

فابریکهٔ کودوبرق حرارتی بعدازتکمیل امور ساختمانی وتولید دورهٔ امتحانی اخیرا افتتاح گردید .

تاسیس بانك صنعتی افغانستان از طـرف حکومت جمهوری افغانستان به سرمایهٔ مجوزهٔ ۲٤۰ ملیون افغانی تائید گردید . پروگرام مرحلهٔ اول پارك صنعتی‌بشمول‌تامین تسهیلات مشترك ازقبیل ورکشاپ ها وغیره بیشتر از شصت فیصد تکمیل گردید .

وقایع مهم سیاسی هفته

بقلم :شفیع راحل

شمیت در پیکنگ

سفر هیلموت‌شمیت صدرا عظم آلمان غربی به‌پیکنگ که‌روز چهار شنبه آغاز گردید، از چند ین نقطه نظر در خور توجه بوده و ناظر ین سیاسی آنرا که او لین سفر یک صدراعظم آن مملکت به جمهو ریت مردم چین‌است،خیلی مهم‌میخوانند.
هیلموت شمیت که‌صرف دو هفته‌بعد از ختم سفر دوکتور هنری کینسنجر وزیر خارجه امریکا وارد چین شده در حقیقت به مذاکراتی بازعمای‌چین خواهد پرداخت که از نقطه نظر رو حیه و متن موازی با نظریات کیسنجر خواهد بود .
هیلموت شمیت که عضو کا بینه (ویلی برانت) سازنده سیا ست اوست پولتیك بود و در ماه می (۱۹۷٤) جانشین وی شد یکی از چهره های برازنده جهان سیا ست بشمار میرود. آلمان غرب تحت صدارت وی یگانه مملکتی است که توانسته از تاثیرات انفلا سیون و تور مات پولی جلوگیر ی نماید و با وجود پرداخت مبالغ هنگفت برای نفت بیشر از(۳۵)ملیون دالر ذخیره اسعاری تجمع نماید. باوجود یکه همسایگان غربی‌آلمان غرب ودیگر اعضای بازار مشترك اروپابامشکلات عدیدهٔ مالی دچار اند آلمان غرب نه تنها دارای وضع مالی قوی است بلکه با ایتالیا ودیگر ممالك بازار- کمکهای متعدد مالی نموده است.
مبصر ین سیاسی‌در موردآجندای مذاکرات شمیت با ماوتسی تو نگ معاون صدراعظم(تنگ شیاو پینگ) ووزیر خارجه (چیاو کوان هـوا) معتقدند که همه جانبه بوده ومحتوی آن شباهت کامل باآجندای مذاکرات با کیسنجر خواهد داشت یگا نه فرق بارز اینست که دراین تماسها روابط ذات البینی دو مملکت مورد توجه بیشتر قرار خوا هد گر فت.
پنکنگ دربین تمام مما لك سوسیا لیستی یگانه دو لتی است که بازار مشترك اروپا را بر سمیت شنا خته وباآن روابطسیا سی قایم کرده. شمیت وحد ت بازار مشترك ووحدت پکت ناتورااز زمره دوستون مهم سیاست خارجی خود میداند روی این اصل ،شمیت خواستار همکاری بیشتر وهمه جانبه بین بازار مشترك اروپا وجمهوزیت‌مردم چین خواهد گردید. هر نوع توافق سیاسی دراین زمینه به‌نفع اروپا ی غربی وخود چین تمام خواهد شد.
پیکنگ پکت نظامی ناتـو را در اوضاع فعلی یك ضرورت سیاسی میداند اگرچه‌توقع هیچنوع همکاری بین این پکت وچین دیده نمیشود یقینا دول غربی ارزش آنرا برای اروپابه‌زعمای چین‌شرح‌داده‌وخواهان همدردی برای بقای‌آن‌خواهند گردید
یك تخفیف سیاسی که چین همیشه واز ۱۹٤۹ باینطرف خواهان آنست‌قطع روابط سیاسی دول غربی باتایـوان وشنا ختـن آن بحیث جزء لاینفك جمهو ریت مرم چین میباشد جای شك نیست که‌از زمان سفر ریچارد نیکسن به‌پیکینگ در ۱۹۷۲ تااینندم دول متعدد حاضر شده باتایوان قطع روابط نمایند اما امریکا ودول بازار مشترك بصورت قطع روابط شانرا بافار موسا نبریده اند توقع نمیرود که شمیت در سفر فعلی خود که قبل ازسفرفورد رئیس‌جمهورامریکا به‌پیکینگ‌صورت میگیرد دست به ابتکاری بزنـد که ارزش سفر ویرا تقلیل بخشد.
دیتانت بحیث‌یك پالیسی قوه‌های بزرگ مو ضوع دیگری است که‌در مذاکرات شمیت بازعمای چین طرح خواهد گردید. طوریکه ازمذاکرات دوکتور کیسنجر بازعمای چین واضح گردید دیتانت سیاستی‌نیست که‌رهبران چین آنرا پسند نمایند طوریکه بارهادرنشرات روزنامه‌مردم منطبعه پیکینگ دیده شده‌جمهوریت مردم چین دیتانت را وسیله برا ی (هی‌جی مونی) یاکنترول سیاسی‌در مناسبات بین الدول میداند و بر امریکا تاخت وتاز های متوا تر در این حصه نموده است .
راجع به‌نتایج سفر شمیت بیشتر ازاین پیشگو یی شده نمیتوا نـد عکس العمل‌اولی‌که‌عبارت ازاستقبال شمیت باشد فوق العاده صمیمی‌بود چنانچه هزاران نفر ازوی وخا نمش درمیدان‌هوایی پیکنگ‌باگل‌های‌کاغذی استقبال کردند.
شیوهٔ استقبال ازیك زعیم‌خارجی توسط زعمای چین نزد ناظرین سیاسی شباهت به بارو میتری دارد که توسط آن درجهٔ اهمیت سفر ، توقعات ا زمذاکرات، ارزش روابط ذات البینی‌وآیندهٔ این روابط قضاوت میشود .

نفت یا طلای سیاه

ازگ ، ز (سراب)

* ذخایر نفت ساحهٔ انگوت و آق دریا به پنج ملیون تن می رسد .
* در بیشتر و لایـــات کشور موجودیت نفت تثبیت گردیده‌است.
* نتیجهٔ بر مه کاری‌های اکتشافی نفت وگاز امید بخش خوانده شده است .

نفت در جهان امروز غو غا بر پا کرده ، چرخهای اقتصاد کشور های بزرگ جهان بر محور نفت می ـ چرخد ، نفت کشور ها را بسو ی انکشاف و تر قی میراند ، نـــفت بحیث موثر ترین حربهٔ سیاسی‌مورد استفاده قرار می گیرد ...

افغانستان کشور غنی یی است، غنی از مواد معدنی گو نه گو نی ، که طی سالهای دراز ، دست‌ناخورده برجای مانده است . دولت‌جمهوری همز مان باسایر فعالیت هـــا ی اقتصادی و انـکشافـــی کشف و استخراج معادن و ذخایر زیر زمینی را نیز از نظر دور نداشت و کشف واستخراج نفت نیز از ا قدا مات سود مند دو لت بشمار میرود .

يك منبع وزارت معادن و صنایع در برابراین پر سش که :

ـ در کدام نقاط افغانستان‌ذخایر کشف شده است و مقدار آن هابه چه پیمانه میرسد ؟

گفت :

ـ نتیجهٔ مطالعات نشان میدهد که مو جودیت پترول در صفحا ت شمال کشور از ولایت تخار تـــا سرحد ایران و در غرب کشور از: مناطق شمالی هندو کش وسلسله های‌تیربند تر کستان تا در یـای آمو ، تثبیت گردیده است .

منبع علاوه کرد :

ـ نواحی قلعهٔ نو ، هــــرات ، شبرغان ، میمنه ، کندز ، تا لقا ن و مزار شریف نیز شا مل ا یـــن حوزه است .

همچنان ذخایر پترول در ساحهٔ وادی هلمند نیز پیش بینی گردیده است .

منبع افزود :

ـ ذخایر این مادهٔ پر ارزش در ساحه «انگوت» و « آق‌دریا» مهـم خوانده شده، که حجم مجموعی نفت قابل استخراج محلات مذکور، چهار الی پنج ملیون تن ، تخمین‌گردیده است . همچنان درین نواحی امکان موجودیت معادن دیگر نفت و گـاز نیز متصور است .

منبع در بارهٔ نو عیت نفت ا یـن ساحات گفت :

ـ هنگام بر مه کاری های ساحهٔ جدید آق دریـــا ، مـجرای نـــفت استحصالی از طبقات تحتانی‌دارای سلفر کم (صفر اعشاریه نود وسه فیصد) و متحرك بوده ، لیکن نفت طبقات گتریف سنگین ، یعنی صفر اعشاریه نهصد و بیست و پـــنج ودارای دو اعشاریه نه فیصد سلفر غلیظ می باشد .

پرسش دیگرم پیرا مون کمپنی هایی است ، که در ساحهٔ استخراج نفت با افغانستان همکاری میکنند .

منبع درین مورد میگوید :

ـ دافغانستان د تیلوملی‌موسسه مذاکرات مقد ماتی با کمپنی ها ی مختلف نفتی به عمل آورد وازجمله مذاکرات با کمپنی تو تال فرانسوی به نتیجه رسید و موافقتنا مـــهٔ استخراج نفت بین د افغا نستان دتیلو ملی مو سسه و کمپنی مذکور در ماه ثور امسال ، بـــه ا مضا ء رسید .

منبع‌افزود :

ـ به اساس این قرار داد کمپنی مذکور به مصرف خود و تـــحت مراقبت دافغانستان د تیلو مـــلی موسسه به تفحص نفت و گاز در ساحهٔ بیست کیلو متر مربع ، د ر منطقهٔ کتواز پر داخته وهنگام‌کشف تجارتی آن ، به اشتراك مو سسه ملی نفت افغانستان ، به‌استخراج وانتقال آن اقدام میکند .

همچنان کمپنی مذکور متعهدشده تا یکتعداد متخصصین فنی ا فغا نی را درین ساحه به مصرف خـود ، در فرانسه تربیه نموده واز همکاری جوانان افغانی استفاده نماید .

فعلا سروی امور جیو لو ژ یـکی منطقهٔ مذکور آغاز گردیده و البته بروی آن پلان های تفحصا تی آ ن تر تیب میگردد .

می پرسم :

ـ سروی نقاط نفت خیز، چگونه پیش می رود ؟

منبع میگوید :

ـ فعالیت در مورد نفت و گـاز در مناطق شمال کشور ، از سا ل ۱۳۳٤ـ آغاز گردید و با ا ستقرار نظام جمهوری در کشور ، دو لت به این مو ضوع تو جه جدی‌معطوف کرد . علاوه بر بر مه کاری ساحهٔ ۲٤۵ هزار متر مـربـع بمنظـو ر اکتشاف و استخراجی ، کو شیـده میشود تا امور مربوط به نفت وگاز به طور منسجم و سیستما تیك‌پیش برده شود ، مخصو صاً درساحاتیکه امکان تجمع نفت و گاز بیشترمیسر است ، پلانگذاری د قیق صو ر ت گیرد. در اثر همین تلاش هـــا ، تثبیت ساختمان ها و نقا طیکه د ر آن ها بر مه کاری صورت گـیر د تعیین گردید که بالنتیجه در تثبیت بیشتر ذخایر نفت و گاز کمك‌کرد.

منبع علاوه کرد :

ـ از آغاز بر مه کاری تـا ختم سال ۱۳۵۳ طبق راپور های بد ست آمده ۳۲۸٤٦۷ متر بر مه کا ر ی صورت گرفته ، که شکل‌اکتشا فی تفحصاتی واستخراجی داشته‌است.

ساحاتیکه در آن ها بر مه کا ر ی شده است مشتمل بر جر قدوغ ، سر پل ، سنگچارك ، گل تـپه ، عرب پای ، ده ملك ، سوزمه‌قلعه ، قراول تپه ، آق دریا ، خان آباد و خواجه گوگردك می باشد .

منبع نـتایج حـا صله را مثبت خوانده افزود :

ـ این تفحصات در پهلوی‌نفت، به منظور کشف واستخراج ذ خایر گاز نیز بوده است .



عده ای از کار گران که به رهنمایی‌متخصصین کار خود را در جنگل دنبال می کنند

انبوه جنگل ها

از گل احمد زهاب نوری

- در افغانستان ۹۰۰۰۰۰۰ هکتارزمین از جنگل پوشیده است .
- تك درخت ٤۰۰ ساله دشت‌اندخوی . . .
- از نظر علمی دو نوع جنگل درشرق وشمال غرب و جود دارد .

در پهن دشت های افغانستان، در دامنهٔ کوهسار ها، در میان‌دره‌ها ودر جلگه ها و قریه ها ، در ساحه شرق و غرب سایهٔ درختان تنومند و کهنسال ، جنگل های انبوهی را تشکیل کرده است ، که بر زیبایی وگوارایی کشور از یکسو وبر اقتصاد مملکت ازطرف‌دیگر ارزشمند است .

سر زمین ما از لحاظ طبیعی ،برای رشد ونموی جنگل ها ودرخت های باثمر و زینتی مساعد بوده و با توسعهٔ پرو گرام های جنگل داری بر این سرمایه‌ملی نیز ، سال به‌سال افزون میگردد .

همین حالا سه فیصد اراضی افغانستان پوشیده از درختان‌است، که ساحهٔ مجموعی آن به نه ملیون هکتار زمین میرسد . با مقایسه این رقم وبا در نظر داشت نوعیت خاك ، آب و هوا، به این نتیجه می رسیم ، که از یکسو ضرورت‌های ابتدایی مملکت از راه جنگل های موجود تا مین شده می تواند واز سوی دیگر با تطبیق پلان های حفاظوی و توسعوی دو لت ،برپهنای جنگل ها ، افزوده می گردد .

ښاغلی سید آقا زمام رئیس جنگلات و علفچر های وزارت زراعت در برابر ۱۸ سشی ، پیرامو ن جنگل های کشور گفت :

ـ وقتی به گذشته های دورتاریخ نظر اندازیم ، پی می‌بریم که صفحات شمال افغانستان پوشیده از جنگل های پسته بوده که به مرور زمان ، از بین رفته است ، تك درخت ٤۰۰ ساله که هنوز در دشت خشك اند خوی موجود است ، شاهد خوب این ادعا بشمار میرود ، به همین





محصولات جنگل همیشه مـوردِاحتیاج انسانهاست در عکس مقدار چوب را می بینید که برای عرضـه ببازار آماده شده .



همچو درختان بسیاری از نقـاطکشور ما را پوشانیده بود

ترتیب از هرات تا بدخشان اراضی جنگل زار بوده ، که امروز متاسفانه کمتر اثری از آن باقی مانده است. وی علت اساسی امحای جنگلات را ، اینطور وانمود میکند:

– عدم تمرکز قوای بشری در دشت های قریب جنگلزار ها. نبودن ذهنیت حفاظوی و بالاخره استفاده ازراطی از جنگل ها ، بدون تکثیـر نسل آن ، سبب شده بود . تـا در هر دوره ، پهنای جنگلات کاهش یابد و البته اگر دو لت متوجه این مسئله مهم نمی شد، جنگل هـای موجوده نیز تاده یا بیست سال‌آینده ازبین میرفت .

وی می افزاید :

– وزارت زراعت برای جنگل ها در افغانستان ، پروگرام های خاصی مدنظر دارد ، که با تطبیق آن ها. بر توسعه و حفاظت جنگل هـای طبیعی و مصنوعـی تأثیـر بارزی خواهد انداخت . نخستین قدم این پروگرام مطالعه وسروی جنگل هـا است . تا از نگاه موقعیت، نوعیت وسایر مشخصات علمی تفکیك‌شوند وهمچنان عوامل طبیعی تخریب‌جنگل ها نیز معلوم گردد .

بناغلی زمام میگوید :

– تا سال های اخیر قطع جنگل های کشور ، بمنظور تهیه مـواد تعمیراتی و محرو قاتی آزاد بود واز

بقیه درصفحه ۵۱





این تابلو را میرمن شکور ولی «لیوتال» نام گذاشته است.

از: عزیز اورمر

بزرگترین نمایشگای رسامی

چهار شنبه گذشته یعنی روز ۳۰ میزا ن بزرگترین نمایش آثار رسامی «سیمون شکور ولی» به منا سبت سال بین‌المللی زن در قرائت خانه لیسه امانی برگزار گردید درین نمایشگاه که ۱۱۰ تابلو و۱٤ پارچه تابه کاریهای سیمون شکورولی در معرض نمایش قرار گرفته شده است درنوع خود بزرگترین نمایشگاهی است که ازآثار نقاشان کشورما تاکنون درکابل برگزار میگردد.

درین نمایش که آثار تازه وتابلو های زمان قبل سیمون شکورولی بنمایش گذاشته شده. برای تماشاگر ازآنچه درکاراین هنرمند جبره دست پدید آمده میتوان دید.

میرمن شکورولی که در فرانسه تولد یافته ودرآنجا تحصیل نموده است گرچه پدرومادر وزادگاهش همه فرانسوی است ولی او خودرا افغان میگوید خویش راافغان میداند وهرگز خودرا غیرازیک فردافغان چیز دیگر نمیپندارد.

سیمون شکور ولی بانزدیك شدن وآگاهی به‌کلتور وفرهنگ غني کشور ما افغانستان منحیث یك هنرمند ورزیده ومتکي بواقعیت هنر، بزیبایی های طبیعت وروحیه متین و استوار افغان ها زود معرفت حاصل کردواین آشنایی دیرپا گردید وامروز درهمه آثار این هنرمند طبیعت زیبای کشور ما، سنت های نیك وباستانی ما چهره های متین وبا وقار افغان ها، برد باری وثبات آنهارا درمیدان زندگی وگوشه های دلفریب طبیعت باعظمت وسربفلك کشیده این سرزمین نمودار است.

سیمون شکورولی بااستاد فقید (برشنا) از نزدیك همکار بود موصوف با وجود آنکه تربیه اش درکشور غیر صورت گرفته ولی منحیث یك میرمن افغان ووفادار به افغانیت بُرودی خودرا باکلتور افغانی تطابق داده همه آثار خودرا طوری بوجود آورده که گو یای روحیات وخصوصیات محیط افغاندیار است

میرمن شکور ولی به سبك های مختلف نقاشی اعم ازکلاسیك ومدرن آشناست و در آثارش بااستفاده از روحیه شر قی از آرت دیکوراتیف وآرت فیکوراتیف مایه گرفته وبا تموجی ازرنگ های روشن و زنده شکل انتوپیتیك عرضه شده است.

سمون شکور ولی میگوید: به مکتب قدیم وجدید بهزاد آشنایی کامل دارم وگاهگاهی درتابلو هایم میناتوری رانیز میتوان دید، اومیگوید، تاحال ازنقاشی هایم دردیزاین تکه هاودرصنعت‌کلالی استالف ودردیکوریشن تعمیرات استفاده بعمل آمده است.

آثار این هنرمند بدفعات درکابل وهمچنین درکشور های خارج چون هند، اتحادشوروی فرانسه، چین، ترکیه، انگلستان وبسیاری از کشور های اروپای شرقي به معرض نمایش گذاشته شده موصوف چندین بار در نمایشگاه های بین المللی رسامی ونقا شی منحیث آرتیست افغانی برنده جایزه اول گردیده است.

سیمون شکور ولی منحیث یك هنرمند معروف کشوردرنقاشی عضو اتحادیه‌بین‌المللی فرهنگی وهنری زنان است که مرکزآن در (ویشی) فرانسه میباشد.

این اتحادیه به منظور همکاری وایجاد یك تفاهم نزدیك وهمبستگی هنری در بین زنان آرتیست، شاعر، موسیقی دان، نقاش، هیکل

تراش، نویسنده ، ادیب ودیکوراتور درسال ۱۹٤۸ بدون درنظر گرفتن اهداف سیا سی تاسیس گردید .

این هنر مند چیره دست که عمری به تربیه اولاد کشور صرف کرده ودر لیسه ملالی به تدریس پیداکوژی ودیگر مضامین میپرداخت‌کنون مصمم است باهمکاری میرمنوتولنه که آرزوی تاسیس انجمن را در پرتو آرزو های اتحادیه متذکره تاسیس‌خواهد کرد دست به عملی زند تاشاگردانی را که خود میخواهد دردست پرورش گیرد واز خود آنطوریکه آثار زیادی گذاشته بازهم بگذارد.

درینجا بی لزوم نمیدانم تبصره‌ای یکی از هنردوستانراکه دربارهٔ این هنر مند نموده خدمت خوانندگان ارجمند تقدیم نمایم .

(اسم شکوروولی‌ازبرای جمله صنعت‌آفرینان ودوستداران هنراین سرزمین مفهوم پرارزشی است . این نقاش هنرمند درنمایشگاه های ملی بدفعات نمونه هایی ازآثار هنری وافرو کثیرالانواع خویش را ارائه نموده است ...

هنر مختص بخودش این هنرمند را منحیث انتو پتیك در نظر ها معر فی‌میدارد. وی بمو جب حسا سیتی که دارد احساس تعالی روحی وبینایی باطنی خویش رابارنگ های تیز ارائه میدارد .

ازمیرمن شکورولی پرسیدم که ازچه وقت به نقاشی پرداختی به جواب گفت: من اصلا نمیدانم. تنها بخاطر دارم آن هنگامی راکه خیلی خورد بودم ودر بشقاب غذای که مادرم تهیه میکرد رسم میکردم تاآنکه این ذوق و علاقه مرابه مکتب آورد واز آنجا به پوهنتون رفتم ودورهٔ شش سالهٔ پوهنتون رادر هنر نقاشی درظرف سه سال بپایان رسانیدم وبعد ازآن ذوق خویش رانه تنها با استعداد بلکه باتجربه وتمرین دنبال کردم .

پرسیدم‌که تاحال چند تابلو رسم کرده اید وخوبترین وپرخاطره ترین تابلوی تان کدام است ؟

سیمون شکورولی خنده ای کرد وبعدگفت : من اصلاگفته‌ای درین‌مورد ندارم زیرا هریك ازتابلو هایم نزدمن ارزش دارد که نمیتوانم یکی رابردیگرش ترجیح بدهم ودر موردسوال دیگر باید گفت‌که تابحال در حد ود هشت هزار تابلو رسم کرده ام درمورد خاطرات خویش باید بگویم که وقتی من می خواهم تابلویی رابکشم اصلا نکته ای که من خیلی به آن توجه دارم این است تااز چیزی مثل طبیعت ویایك قطعه شعر ویاکمپوز موسیقی یاداستان وغیره الهام گرفته وبعد مطابق ذوق خویش به ترسیم تابلو بپردازم زیرامن از کاپی حتی اگر از طبیعت هم باشد خیلی بدم می آید باوجود آنکه درسبك ریالیزم اکثرا آنچه است درتابلوی نقاش بوجود می آید . من تنها الهام از طبیعت می گیرم‌ولی آنرا کاپی نمیکنم زیرا کاپی آنچه راکه باید برای تابلو ارزش گفت آنرا ازبین میبرد .

بقیه درصفحه ۵۷



ازبالا به‌پائین :

۱ـ تابلوی (زن روشنی می آورد.)

۲ـ تابلوی (گلستان)



سوار کاران مشهور با آخرین قدرت‌خویش مانع پیروزی حریف میگردند

از: ع ـ بلیکا

سوار کاران بر پشت یکصد و بیست اسپ

در هیجان انگیز ترین مسابقات بزکشی

درنخستین روز مسابقات بزکشی ده تیـم ازولایات دربرابر هم قرار گرفتند . تیم‌های وزیده با اسپ های تندرو وقوی درین مسابقه‌که تیم هاهرکدام تپ وتلاش می نمودند تـا برنده شوند تیم سمنگان گوی سبقت را بردوآنروز این تیم‌برنده اعلام گردید.
ولی مسابقات بزکشی به سیستم (دبـل‌ناك اوت) صورت میگیرد تادیده شود کـه در فرجامین کدام یك ازین تیم هامیدان رامیبرندوباکپ قهرمانی به ولایت شان برمی گردند.

هدف از تدویر مسابقات بزکشی که طبق پروگرام مرتبه کمیته ملی المپیك همه ساله بروز اول عقرب برگزار میگردد .

بناغلی وحیداعتمادی سرپرست المپیك‌درمورد چنین توضیح‌کرد: از بدوتاسیس جمهوریت درکشور دولت متوجه ورزش گردیده تعمیم ورونق همه انواع سپورت هارا در کشور جزء پروگرام ملـی المپیـك قرارداده‌که انکشاف‌و پیشرفت بزکشی نیزجزء آن است، ازآنجائیکه انکشاف ورزش بداير شد ن تورنمنت هـا ضرورت مبرم دارد کمیته ای که به اشتراك نمایندگان ریاست المپیك ـ گر خنـدوی سره میاشت وغیره به همین مناسبت ترتیب شده بود چنین تجویز گر فت تاسالانه یـك سلسله مسابقات بزکشی در مرکز وولایـات بخاطر معرفی آن داير شود. تااز یکطـرف هم آهنگی وپیشرفت درین ورزش رونما گردد وازجانبی چو ن عـلاقمندان زیادی در جهان خارج دارد بمنظورمعرفی ورفع عطش آنعده از سیاحینیکه آرزوی دیدن این ورزش باستانی مردمان‌مارادارندبعداز مفاهمه ومذاکره باسابقه داران وصاحبان اسپ وچاپ اندازان ولایات تجویز گرفته شد تاهمه ساله از اول عقرب الی ختم مسابقات وهم ازاول حمل الی ختـم مسابقات درکابل دوالی سه بار هم در ولایات کندز وبلخ که دارای ستدیوم بهتر بـرای تماشاچیان رادارا میباشند داير گردد، وهـم چون همه بازی هامستلزم یك عده قوانیـن ومقررات است لازم دیده شد تامشوره بااهل بزکشی این بازی راکه روزگاری فاقد مقررات بود واز چند سال قبل داخل یك سلسـلـه مقررات آمـده بیشتر آنـرا اصلاح وتحـت مقررات ودسپلین آورد تااز یکطرف برهیجان وزیبایی بازی افزوده شده وازجانبی هماهنگی رامیان همه چاپ اندازان کشور مرعی دارند تاباشد روزی این بازی درجمله بهترین بازی هاقرار گیرد .

بناغلی وحید اعتمادی در مورد تیم هـای که امسال درین مسابقات اشتراك دارندگفت: تادوسال قبل هشت تیم ازولایات بدخشـان، تخار، کندز، بغلان، سمنگان، بلخ، جوزجـان وفاریاب اشتراك داشتند که سال قبل بـرای اولین بار تیم بامیان نیز برآنها افزودگردید. وامسال برای اولین بار ازولایت پروان نیـز تیمی اشتراك نمود که به این اساس تعـداد تیم های اشتراك کنندگان برده رسید که هر تیم دارای لباس های دارای رنگ های‌مختلف وسمبول هاوبیرق های مختلف میباشند تا در وقت مسابقه ازهم تفریق گردند . ناگفته‌نماند که این همه سمبول هاو رنگ های پیراهـن های آنها از طرف المپیك تثبیت گـردیـده واکنون قابل تبدیل وتغییر نمیباشند ولی در آینده امکانات آن میسر است البته باتصمیمی که ازطرف کمیته موظف در مورد اتخاذ خواهد شد درین جابی لزوم نمیدانم اگر از سمبول های هریك ازولایات یادآوری نمایم به این شرح‌که از بلخ (گل لاله) از کندز (گل غوزه) ازبغلان (گل آفتاب پرست) از بـدخشا ن (مارکوپولو) از سمنگـا ن (یك درخت) از جوزجان (نقش قالین) از فاریاب (گوسفـنـد قره قلی) ازتخار (رکاب اسپ) از بامیـان (بندامیر) واز پروان (پلخمان) تثبیت‌گردیده است .



وقتی بز بدست چاپ اندازی مـی افتـاد باشطارت نام بسوی هدف می شتافت.

یك دور مسابقه را بناغلی وحید اعتمادی سی دقیقه گفت وهم اظهار داشت که باراول این مسابقات به اشتراك سی اسپ یعنی از هرولایت سه سه اسپ باهم به مسا بقـه پرداخته وبعداز آن مسابقات بشکلی دایـر خواهد شد که دودو ولایت باهم مسابقه داده وقهرمان کسی خواهد بود که بیشترین نمره رادرمجموع مسابقات بدست آرد .

امسال ازهرولایت ۱۲ـاسپ ده چاپ انداز وده میتر وده نفر مالك اسپ ها ازطـر ف ریاست المپیك دعوت گردیده‌که ازروز حرکت ازولایات تاآخیر مهمان ریاست المپیك بـوده ودوازده اسپ برای این است تایك اسـپ برای رئیس هرتیم ویك یك هم برای‌معاونین تیم هادر روزمسابقات در نظر گرفته‌شده‌است.

ازسرپرست المپیك پرسیدم که چه تعدیلی در مقررات گذشته بزکشی وارد شده که در جواب گفت: در قسمت ابعاد میدان که سال گذشته چهار صد متر در چهار صد متربشکل مربع بود امسال ۲۵۰ متر بر ۲۵۰متر تعدیل کرده زیرااز یکطرف هوا هنوز کاملا سـرد نگردیده واز جانبی از تعداد اسپ ها کاسته شده ازینرو اگر ازیکطرف میدان کـلان واز جانبی تعداد اسپ هازیاد با شد نه تنهـا جزابیت بازی راازبین میبرد از جانبی بـرای اسپ هاکه بعداز یك استراحت شش یاهفت ماهه دوباره به مسابقه پرداخته اند نیزگران تمام خواهد شد روی همین منظور تصمیم‌خورد ساختن میدان مسابقه گرفته شد همچنان‌فول هاکه سابقا یك عدهٔ زیادش در مقـررا ت گنجانیده شده بود آنها نیز تنظیم وترتیـب گردیده تاازبی‌نظمی وپراگندگی وبی بندوباری مسابقه چیان کاسته شده باشد .

یکی ازین مقررات رامیتوان درمورد محاسبه نمرات دانست وآنهم طوریست که درگذشته یك چاپ انداز باهزار زحمت‌بزرا برداشته‌و بدور بیرق چرخ خورده وخودرا در نزدیـك ترین قسمت دایره حلال میرسانید ولی بخت باایاری نمیکرد وبز ازدستش می افتاددرین فرصت حریفش خودرا بربز رسانیده و آنرا (حلال) میکردکه به این اساس یك نمره برای شخص اولی ودونمره‌برای شخص دومی داده میشدکه این چندان منصفانه نبود ازینروچنین تصمیم اتخاذ گردید تادرین فرصت وقتی بز راطرف مقابل میگیرد دوباره از بیرق‌گذشتانده وبعدبه دایرهٔ حلال برساند تابازی روی شانس نبوده همانطوریکه تهور قدرت وتجربه‌اساس این بازی راتشکیل میدهد باز هم زور خـود قضاوت کند وآنکه نیروی زیادتر داردمستحق به‌گرفتن نمره باشد .

بناغلی اعتمادی درحالیکه از همکاری هـای قوماندانی قوایمرکز در مورد تدارك اعاشـه واباطه مهمانان المپیك یادآوری میکرد توقـع مینمود تاهموطنان عزیزرا دربهتر نگهداشتن وزنده داشتن ونگهداری نسل اسپ هـا ی خوب وتربیه آن برای بزکشی تاکید مینمود و توجه همه ای هموطنان را برای آن میخواست تاباشد بافدراسیون های بزکشي کـه ممکن است درآینده نزدیك درکشور تاسیس گردد بهترین اسپ هادر اختیار هموطنان عزیز ما قرار گیرد .

قبل ازآنکه راپور ترتیب شده ای خبرنگار ورزشی ژوندون راتقدیم شـما دو ستداران ورزش نمایم لازم میدانم اگـر چند نکته ای پیرامون این ورزش باستانی سرزمین کشو ر مابشما بنویسیم .

بزکشی که اساسا یك نوع مبارزه جنگی است برای اولین بار در میان مردمان سرزمین مادر آن آوانیکه کشور شان بنام آریانانامیده

«لطفا ورق بزنید»



میشد رواج پیدا نمود آنهم روی تصادف نبوده بلکه درموقع لشکر کشی سکندر مقدونی درین سرزمین که مبارزهٔ مردمان آن ومقاومت با شهامت آنها دردل تاریخ ثبت است موقعیکه میخواستند درجنگ هاترس ووحشت را بردل لشکریان سکندر بیندازند وآنها را مجبور به عقب نشینی سازند تکتیکی بکار بردند تاباسرعت هرچه تمامتر درمیان آنها حمله‌برند وسپاهیان سکندر رابا زور بازو وتوانایی و چابکی‌که ازخواسته های سوارکاری مخصوصا بزکشی است گروگان بگیرند وباخود بیاورند عده‌ای هم عقیده برآن دارند که باوجود اینکه سوارکاری وعلاقه به اسپ میان مردمان آریانا خیلی زیادبودکه حتی نام های خانواده هارابه آن مسما میکردند ولی این ورزش با آمدن مغل وحمله لشکریان چنگیزخان در میان مبارزین این سرزمین آغازگردیده به هر صورت چون اساسش گذاشته شده چون مردم مانمیخواستند غفلت نمایند وتنبلی رابخودراه دهند ودرین اندیشه بودند نادر صورت حمله ازکدام طرف آماده هرگونه مجادله باشنداین تاکتیك جنگی رابالاخره رنگ ورزش دادند تاهم اسپ هاهمیشه آماده پیکار باشند وهم جوانان واین ورزش بالاخره یك ورزش مردمی درمیان مردمان صفحات شمال کشور ما که بهترین محل برای تربیه اسپ هااست باقی ماند زمانی تنها مردم درروز های عید ومحافل عروسی مسابقات آنرا برپا میکردند وازدیدن آن لذت میبردند تاآنکه آوازه اش بلند شد که نه تنها مردمان داخل کشور بلکه خارجی هاخیلی به‌آن علاقه مند شدند وآرزوی دیدن آنراکردند و نویسندگانی رومانهای در مورد بزکشی نوشتند وقهرمان های داستانهای‌خود راچاپ انداز هاانتخاب کردند تابالاخره کمپنی های فلمبرداری متوجه آن شده وفلمی هم ازآن تهیه کردند .

ازآنجائیکه امروز مردمان زیادی درسراسر جهان مشتاق تماشای این ورزش هستندودولت جمهوری هم برای رونق‌آن توجه نموده ازاینرو برگزاری مسابقات آنرا مخصوصا همه ساله دراول عقرب درکابل تصمیم گرفت .

درکشورما دونوع اسپ برای بز کشی گماشته میشود که یکی تاتاراست و یکی هم اسپ‌خالص افغانی که‌اولی دارای‌اندام‌مناسب ولی تیز بوده درولایات بدخشان، ، تخار ، کندز، بغلان وسمنگان یافت‌شده‌ونسل‌دومی‌در ولایات بلخ، جوزجان وفاریاب پیدا میشود که دارای هیکل خیلی قوی بوده وخیلی نیرومند است . خوراك اسپ های بزکش جو، علف ، بیده، مالیده وتخم مرغ است یك اسپ بز کشی ازاوایل بهار الی اوایل خزان جای بند بوده تنها میخورد ومیخوابد وتنهادر ایام زمستان ازآنها برای بزکشی استفاده‌می‌کنند، اسب ها آنقدر در بزکشی اهمیت داردکه

سپورت بزکشی برای اولین بار بعد از حملات سکندر کبیر بر آریانا بوجود آمد

چاپ انداز دارا میباشدیعنی اگر اسپ‌خوب نباشد چاپ انداز کدام کاری کرده نمیتواند بازهم اگر چاپ اندازدارای نیروی کافی و تجارب زیاد نباشد اسپ نمیتواند اورا به مقصدش برساند یعنی اسپ وچاپ انداز در بزکشی لازم وملزوم یك دیگر میباشند .

روزاول عقرب چند دقیقه به دومانده بود که وارد منطقه جشن شدم هزاران نفر از هموطنان که عده‌ای زیادی ازآنها از کابل ویکتعداد آنها هم ازولایات بمنظور دیدن بزکشی ازولایات به‌کابل آمده بودند در دورا دورچمن جمع شده بودند جاده های اطراف چمن بابیرق های ملی تزئین شده بود هواهم خیلی صاف بود مردم بی صبرانه انتظار ورود رهبر انقلاب رادر آنجا می کشیدند چاپ‌انداز هاباروسای تیم ها وهیات حکم همه بالای اسپ ها سوار وهمه بی صبرانه انتظارداشتند دونفراز روسای تیم ها که سال گذشته کپ وبیرق راگرفته بودند در مقابل دروردی لوژ جمهوری بادسته های گل هم انتظار بودند .

درست ساعت یك وچهل وسه دقیقه ورودرهبر انقلاب راموزیك باسرود ملی اعلام داشت که همه ای حاضرین به پابرخواستند بعداز آن همه اعضای تیم های ولایات در حالیکه درصف اول هیات حکم درصف دوم روسای تیم ها ودرصف سوم بیرق های تیم های مربوط قرار داشتند آهسته آهسته بسوی لوژ جمهوری بخاطر تقدیم احترام بحضور رهبر انقلاب می آمدند اسپ هاچنین به آهستگی و موزون پامی گذاشتند که‌گویا سالها تعلیم گرفته بودند بالاخره مراسم احترام خاتمه یافت و مسابقه میان ده تیم به اشتراك ۳۰ـاسپ و ۳۰ چاپ انداز آغاز یافت .

بازی خیلی جالب وهیجانی مینمود سطارت همه چاپ اندازان درخور توصیف بود زیرا هریك بی باکانه حمله میکردند وبا آخرین قدرت اسپ خودرا بجلو میراند گاهی چنان میشد که یکی دواسپ وقتی بالای بز تعداد زیادی را میدیدند ویاهم شاید از ذوق زیاد ویاازفشار یکه ازجانب سوار کارش براووارد میشد بردوپامی ایستاد وبالای بزبه حمله میپرداخت ولی یکی هم موفق نمیشد تابز را اززمین بردرد زیرا بالای گوساله ای که قرار اعلان رادیو از ۳۰ـالی ۵۰کیلو وزن را داشت چندین سم اسپ قرار داشت وقتی یك پای گوساله راچاپ اندازی بدست می گرفت اسپ های دیگر مانع آن میشد تا آنکه بعداز پانزده دقیقه یکتن ازچاپ اندازان تیم ولایت تخار موفق شد گوساله راازدایرهٔ بر داشت وبسوی بیرق برود ولی موفق نشد زیرادیگران مانع اوگردیده واورا مجبور ساختند تابعد از یك دقیقه بزرا دوباره به زمین اندازد درین هنگام که بزدر قسمت شمالی میدان افتاده بود بازهم حملات وزور آزمایی پهلوانان و اسپ هارا بخوبی میشد مشاهده‌کرد .

درین جاتقریبا پنج دقیقه بز بحالت‌اولی قرار داشت وهیچیك موفق نمیشد تا آنرا اززمین برداردتاآنکه دوچاپ‌انداز یکی‌ازسمنگان ودیگری ازجوزجان بز را برداشته درحالیکه باهم به مجادله میپرداختند بسوی بیرق میبردند ولی اینبار هم هیچیك نتوانست آنرا نگهدارد بزبه زمین افتاد وبازهم همه بردور آن جمع شدند تاآنکه یکتن از چاپ اندازان تیم ولایت بلخ درحالیکه بریك اسپ خیلی قوی هیکل وزیبا سوار بود وبزرا در دست داشت یکباره ازمیان اسپ هابیرون شد بر دیگران مجال نداد وبیرق رادورزدگرچه‌اسپ های دیگر میخواستند مانع اوشوند ولی سود نبخشید واو موفق به گرفتن یك نمره برای تیم خود شد ولی نتوانست کار خودرا دوام بدهد زیرا دیگران اورا دنبال کردند تاآنکه بزبه زمین افتاد، درین فرصت چند دقیقه ای بیش به ختم بازی نمانده بود ولی چاپ انداز هاازتلاش نمی ایستادند هر یك میخواست نمره ای برای تیم خود کمایی نماید هرلحظه صدای بهم خوردن رکاب هاو قمچین ها بگوش میرسید تلاش‌ها جایی را نمی‌گرفت زیرا خیلی مشکل مینمودکه ازمیان ۳۰تن از قوی ترین چاپ انداز ها واسپ ها چیزی بدست آورد تاآنکه ریفری ختم بازی راطوری اعلان کردکه بازی تنهایك نمربه نفع تیم ولایت بلخ بود .

مامیخواستیم راپور تاژ مفصل همه بازی های همانروز را برای خوانندگان ارجمند ژوندون تهیه داریم ولی نسبت ضیقی صفحات ازآن معذرت خواسته تنهادر ینجا ازبازی هاو نتایج آن تذکری داده صحبت راختم می‌کنیم .

بازی اول میان تیم های ولایات جوزجان وفاریاب ٤مقابل ٤ مساویانه خاتمه یافت .

بازی دوم میان ولایات تخار وسمنگان ۱۳ مقابل ۷ به نفع تیم سمنگان خاتمه یافت که درنتیجه سمنگان با گرفتن این رقم قهرمان بزکشی امسال شده بیرق رابدست آورد .

مسابقه سوم میان ولایات بلخ وکندز که ۱۱مقابل ۷ به‌نفع‌تیم‌کندز خاتمه‌یافت وکندز مقام دوم راحایز شد.

مسابقه چهارم میان بغلان وبدخشان بودکه بازی ده مقابل هفت به نفع بدخشان خاتمه یافت ومسابقه پنجم میان ولایات پروان و بامیان بودکه بازی یك‌مقابل صفربه نفع تیم بامیان خاتمه افت .

به این اساس تیم ولایت سمنگان مقام اول وتیم ولایت کندز مقام دوم و تیم‌ولایت بدخشان مقام سوم راحایز گردیدند.





نمایشگاه آلات موسیقی افغانی



آلات مو سیقی افغان توجه زیادی‌ازعلاقمندان راجلب نموده است

نمایشگاه آلات موسیقی افغانی در سالون نمایش های لیسه عالی استقلال افتتاح گردید.

دراین نمایش‌که ازطرف مرکز کلتوری فرانسه دایر گردیده بود ، جمع غفیری از علاقمندان آلات وهنر موسیقی اشتراك نموده بودند .

مابرای ازدیاد معلومات خوانندگان گرا می مجله ژوندون ودوستداران موسیقی افغانی مصاحبه ای با مسیو (لوموون) که تنظیم‌کننده این نمایشگاه بود ویکتن ازمعلمین مرکز کلتوری فرانسه است بعمل آوردیم که ذیلا تقدیم میگردد:

مسیو لوموون مدت‌نه ماه میشود که در افغانستان اقامت دارد وهشت ماه دیگر نیز درافغانستان خواهد بود . اوبه کشور ما و آنارش علاقه فراوان داشته وازینکه فعلا در افغانستان است خیلی خوشحال به نظر میرسد .

نظر به همین علاقه‌اش بودکه بنابه پیشنهاد مرکز کلتوری فرانسه درکابل نمایشگاه آلات موسیقی افغانی وآلاتی را کـه درافغانستان نواخته میشود ترتیب نموده وبمعرض نمایش قرار داد .

ازلوموون می پرسم : هدف از دایر نمودن این نمایشگاه چیست؟ درجواب میگوید: مرکز کلتوری فرانسه همیشه نمایشاتی رادرسالون لیسه استقلال برگزار میسازد، چنانچه چندی قبل نمایشگاه آثار رسامی متعلمیـن لیسه استقلال را دایر نموده بود. به‌سلسله‌همین نمایشات مرکز کلتوری فرانسه دست بـه ترتیب چنین نمایشگاهی زده است .

ـ لطفا بگوییدکه چه مدتی راترتیب این نمایشگاه دربر گرفته ؟

ـ ترتیب این نمایشگاه تقریبا دوماه رادر بر گرفته است، باید اضافه کنم که من‌دربن دوماه متواترکار نکرده ام، فقط دراوقات فراغت درجمع آوری آلات موسیقی مصروف می بودم، زیرا کارهای درسی ام خیلی زیاد است ، اگر چنین نمیبود، میتوانستم درظرف چند روزی آنهم بطور متواتر، چنین نمایشگاهی رابوجود آورم .

ـ آلات که شامل نمایشگاه‌است تمام آن‌از سرزمین افغانستان است یا ..؟

حرفم رابریده میگوید: مقصدتانرا فهمیدم. بلی اکثراین آلات موسیقی از سر زمیـــن باستانی افغانستان است، منتهی چند آلـه محدود آن از هندوستان میباشد، که آنهم بطور ماهرانه در افغانستان نواخته میشود و نواختن آن در افغانستان رایج است .

ـ تعداد این آلات در نمایشگاه به چنـد میرسد ؟

ـ تعداد آنها در حدود سی آله موسیقی میرسد، تاجاییکه توانسته ام آنهارا پیـدا کرده ام، بعضی ازآلات راکه نتوانسـته ام بیابم . عکسهای آنرا در نمایشگاه جاداده ام.

ـ این آلات را ازکجابدست آورده اید ؟

ـ تقریبا نصف آنرا خریداری نموده ام ، بعضی از آنها را دوستان افغانی ام برایـم به امانت داده اند .

کهاز همکاری همه دوستان سپاسگذارم .

ـ پیشتر گفتید که نصف ایـن آلات را خریداری نموده‌اید، باآنها بعداز ختم‌نمایشگاه چه میکنید ؟

ـ آنهارا باخود به فرانسه می برم و در پهلوی دیگر کلکسیون های آلات موسیقی که ازچندمملکت دیگر دارم قرار میدهم .

ـ شما گفتید کلکسیون های آلات موسیقی بعضی ممالك را دارید ؟

ـ بلی .

ـ ازکدام ممالك ؟

ـ من تاحال موفق شده ام کلکسیون آلات موسیقی افریقا وامریکای جنوبی را بدست آرم . این آلات موسیقی افغانی رانیز درپهلوی آنها جا میدهم وکوشش میکنم تابعضی آلات موسیقی افغانی راکه تاحال نخریده ام تاموقع رفتنم به فرانسه خریداری نمایم .

ـ درباره آلات موسیقی افغانی چه نظـر دارید ؟

ـ آلات موسیقی افغانی ازنگاه آواز خوش که دارد فکرمیکنم سرآمد تمام آلات موسیقی جهان باشد .

آلات موسیقی افغانی نظربه بسیاری از آلات موسیقی غربی مکمل تراست مثال، ربـاب و تنبور ازنگاه تارهای فرعی (بچگی) نسبت به گیتار که آله موسیقی غرب بشمار میـرود مکمل تر میباشد .

لوموون می افزاید: موسیقی افغانی بسیار زیبا وجالب است مخصوصا موقعیکه دستجمعی نواخته میشود .

دلچسپتر اینکه دراین سرزمین آواز خوانان آن آزدانه میتوانند درهر کنج و کنـار آلات موسیقی شانرا بصدا درآورند که این خود به زیبایی طبیعت می افزاید در حالیکه درمملکت ما(فرانسه) چنین نیست .

به نظر بنده هروقت ودرهر جاییـکه دل انسان خواست آله موسیقی راکه در دسـت دارد بنوازد وبشنواند .

ـ تاچه اندازه به موسیقی افغانی بلدیت دارید ؟

ـ ازبسکه موسیقی افغانی رازیاد شنیده‌ام، حالا میتوانم که آواز یك آله موسیقی را از دیگرش تشخیص بدهم، درحالیکه برای یـك خارجی باراول که می شنود، تشخیص آن کار آسان نیست .

ـ کدام آله موسیقی افغانی را میتوانیـد بنوازید ؟

ـ تاحال نه اما، میخواهم رباب وتبله رانزد کدام استاد فن آن فراگیرم، زیرا به تنهایی نمیشود به آن دسترس پیدا کرد .

ـ مقایسه بین آلات موسیقی افغانی وغربی راچطور بررسی می کنید ؟

ـ موجودیت آلات ساده درموسیقی افغانی ازقبیل دایره، زیربغلی، دنبوره، غیجك وغیره که زمینه نواختن رابرای هر علاقمند آن مهیا میسازد که به این اساس تعداد نوازنده چنین آلات در افغانستان به وفرت بملاحظه میرسد، موسیقی افغانی رااز موسیقی غربی متمایـز میسازد .

ژوندون



همه با علاقمندی خاصی ازین نمایشگاه دیدن میکردند

ـ آهنگ کدام‌آله موسیقی افغانی را بیشتر می پسندید ؟

ـ به آهنگ رباب وتنبور علاقه زیاددارم .

ـ کدام نوازنده آله موسیقی افـغانـی را می شناسید یاخیر ؟

ـ بلی، آقای روحنواز رامی شناسـم و هنر مندی وی درنواختن رباب‌قابل ستایش است .

ـ شماکه از خلال گفتار تان معلوم شد تا اندازه به موسیقی افغانی ونوازندگـان آ ن آشنایی دارید، آیاآواز کدام هنرمند افغانی را هم دوست دارید ؟

ـ بلی آواز استاد محمد حسین سرآهنگ رادوست دارم وشب های رمضان در کنسرتش اشتراك میکردم .

ـ آیابازهم میخواهید کدام نمایشگاه دیگری نیز برگزار کنید ؟

ـ بلی مرکزکلتوری فرانسه همیشه سعی دارد تانمایشگاههای از آثار مقبول افغانستان ترتیب دهد . خودم امیدوارم درپهلوی ایـن نمایشگاه بتوانم نمایشگاه های از قالین های افغانی ، زیورات افغانی وآرت افغانی ترتیب دهم .

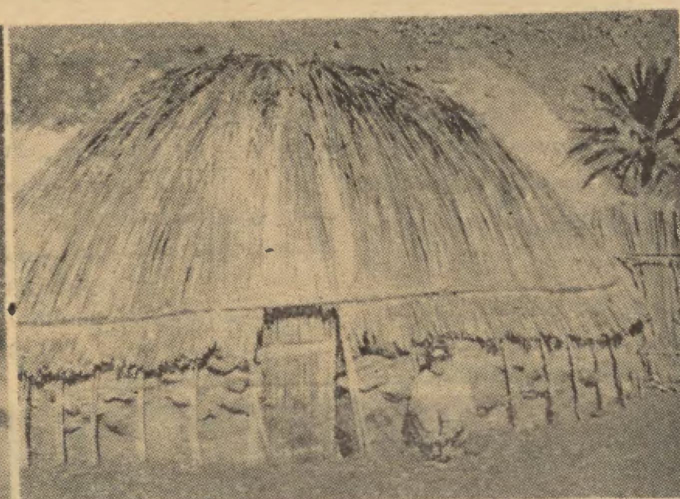
ازمسیولوموون که حاضر شده بود تـا لحظه ای باهم درباره این نمایشگاه به‌گفتگو بنشینیم ازجانب خود واداره مجله تشکرنموده میخواستم خدا حافظی نمایم که گفت: همکای وزحمت کشی آقای سلطان میازوی معلم لیسه عالی استقلال که بامن در ترتیب این‌نمایشگاه بعمل آورده قابل ذکراست ومن بد ینوسیله ازایشان وکسانیکه همرایم در امانت گذاشتن بعضی آلات خود همکاری نموده ا ند تشکـر می نمایم .



درنمایشگاه تقریباً تمام آلات موسیقی افغانی به معرض نمایشـــر گذاشته شده بود



باستانشناس فرانسوی در حال تهیه غذا



بیچاره سلا وستر ی بیش ا ز شانزده ماه تمام رادر چنیـن کلبـه ها یی کـه از نـی سا ختـه شـد ه گذشتانده



(فرانسو یز سلاو ستر ی) برای آخرین بار درکنار شو هروفرزندش

از منابع آلمانی : ترجمه : میر حسا م الد یــن برو مند.

سیاهپوستان افریقائی یکزن باستانشناس

۳۸ساله امریکائی را اسیر گرفتند

(شما داروی خواب ابـدی دار یـد بایست بدانید که من اکنو ن دیگر امیدی بر هایی از چنگا ل این‌آدم های‌کثیف و قسی القلب ندار م ، باور کنید شما مگا ها ن همینکه ـ آفتاب غرو ب میکند فکر میکنم‌پایان روزهای زند گی منست و شایدار فرط اینهمه شکنجه های رو حی ـ فردابر نخیزم ، خوا هش میکنم، التماس میکنم اگر باخود چنین ـ دارویی داشته با شید لطفا ازروی عطوفت ونو عدوستی آنرا د ر ـ اختیارم گذارید میخوا هم بهمه‌چیز امان‌دهم ،بخودم ،به آرزو هایم‌و....) این جملات دردناك را (فرا نسیو ـ یز سلاوستری) یکزن باستا ن شناس فرانسو ی در حالیکه دا نه های اشك چون مر وارید ر و ی صورتش مـی غلـتید و بغـض گلویش را میفشر دو به۳ژورنالیست فـرا نسوی هنـگـا م مـقـا بـل شدن بیان داشت ، این زن ۳۸سال دارد، ازدواج کرده وطوریکه گفتـه آمد شغلش باستان شناسی است و ادعا دارد که از زند گی‌سیر شده زیراپوره این شانزده ماه میشود که دروسط دشتهـای سـو زا ن و سنگلاخی وسخر ه سنگها ی ـ (تیبستی) ویا (تشات) سر زمین غیرقابل اسکا ن افریقا یی که‌آنجا رامحل یغما گران و چپاو ل گر ان افریقا نا میده اند به اسا س ـ ایجاب و ظیفه آنجا رسیده بود به وسیله تیبستی ها گرو هی ا ز ـ سیا هپوستا ن افریقا اسیرگردید، وقتی هر صبح آفتا ب طلو ع‌میکند اورا هشت مرد مسلح از مخفیگاه بیرون می‌کشند وبا لایش اعمـا ل طاقت فرسا و شا قه را انجام می دهند، بحدی که اینحر کت بر ای زن باستا ن شناس سخت تکلیف ده‌است و بیچاره هموار ه فکر می کند که راهی زندان است .

ـروز شما ری های‌سلا وستری پایانی ندارد ، سلا وستر ی که‌تاب شکنجه رابیش از آن آورد ه نمی تواند در (۲۱) اپریل ۱۹۷٤ شدید مریض میگردد، در همین تار یخ‌در (وازی باردای)یکی ازنقاط کوهستانی (تشتات) بهمکاری (مارس‌گومبی) ویك داکتر آلما نی (کر یستـو ف استافن) دوباره صحتش را باز می یابد وبدینتر تیب (مارس گومبی) همکار واستا فن دکتور آ لما نی‌که با اوهمراه بودند نیز اسیر مـ ـی مانند.

ـدکتور ستا فن‌که از برادرزاده های گوستا ف هاینمن ر ئیـســس جمهور سابق آلمان بود پس ازسه ماه آزاد شد وبجهت آنکه روابط دیپلوماسی دو لت فدرا لی آ لمان‌و (تشتات) قطع شده‌بود. «بن»بخا طر رهایی دکتور استا فن دو میلیون مارك پرداخت . مارس گو مبی نیز در ماه می همین سال بسو ی ایبیا فرار کرد وفقط تنها این وفرانسویز سلاوتری) بود که در دست یغما گران افریقا یی محله تشتشا ت اسیر باقیماند ه بود، چندین بار مباحثاتی بین فرانسه و سر ان ـ سکنه (تشتات)صو ر ت گرفت ا ما هر باراین مباحثات به ناکا می ـ منتهی میشد .

ـیکروز سلا و ستر ی‌فرا نسوی از رادیوی ترا نز ستو رش این‌خبر را از رادیوی فرانسه شنید کـــه سلاوتستر ی باستا نشنا س بسوی نا معلـو مـی بـرده شده ا ست زن با ستا نـشنا سـ بـا شنید ن این‌خبر دلخراش‌نه توانست‌ازشدت تاثرش بکا هد زیرافرا نسو ی ها معتقد بودند که‌سلا و ستر ی برده وتلاش برای‌ر هایی اوبی ثمـــر خواهد بود، ژور نا لیستان‌فرانسوی که‌می دانستند سلا و ستری زنده است واین خبر رادیوی فرانسه



(مارس گو مبی) فرا نسو ی که بوسیله مونری بزودی از چنگ سیا هپوستا ن فرار کرد .

برایشا ن هیجان آور مینمود بـــه وسیله طیاره‌به سر زمین سنگلا خی (تشتات) پایین آمده و خواستند اجازه ملاقات اسیر مذکور را از ـ سیا هپوستا ن بگیرند وبه اثـــر اصرار پیهم آنان (الیساین‌هابری) قوماندان آنجا بالا خره موا فقـت کرد.

ـژور نا لیستا ن فرانسو ی ـ مارش کنان بهمرا هی کو ماندۀهی

تمام نقاط صحرا ها وبین سخره های (تیبستی) را که بنام سرزمین (فورت لا می) نیز یاد میشود ، ـ تفتیش کردند ودر هر روز تقریبا ۸۰ کیله متر رامار شی میکردند.

سرانجام بهدف‌رسیدندوسلاوستری راپیدا کردند وهمرای آنز ن ـ ستمدیده حر ف زدند ، زن‌اسیری که‌پیوسته ازیك مخفیگاه بد یگر مخفیگاه واز یك سنگلا خ بـــه سنگلاخ دیگر برده می شد، ـ رباینده‌گان تیبستی هر لحظه برا ی بیچاره خطر مر گ را تو لید کرده بودند که‌دراثر فشار های زیاد تمام قوای جسمانی اش به تحلیل رفته بود اما هنوز هم زنده بودوا میدوار تاروزی آزاد شود به آنهمه شنکجه ها پایان بد هد، در گـر مـای روز دردل دشتها وسخره سنگـها و ـ سنگلاخ های سو زان کار میکردندو شبانگاه بالجـن زار هـا وصد هـا حیوان وحشرات موزی همبستـــر بود باآنهم میگفت من یك باستان شناس هستم و تااینجا هستم‌سعی خواهم کرد روی شغل خو یش کار کنم.



درین عکس سلا وستر ی ر ادرقبیله جاسو سا ن می یابند .

ـسلاو ستری بسیار آ رزوداشت بخانه اش بر گرددجایی‌که‌شوهرش وفرزندانش انتظار ش را دارند ـ آخر اوپس از سا ل ۱۹۷۳ نـــــه توانسته فا میلش را ببیند ، ـ مخصو صا پس از رها یـی دکتور اسنافن وۀمارس گو مبی) تاثر این باستا نشنا س عمیقتر و ر قتبارتر گردید، سلاو ستر ی فکر میکرد

مباحثات مجدد فرانسو ی ها با عث رهایی او خـواهـد شد . سفـیـر فرانسه روزانه دسته های گـــل سر خ برای سلا وستر ی مـــی فرستاد اما اینز ن ازینکار سفیر مملکتش زیاد را ضی نبود زیرا ا و معتقد بود که دسته های گل چـــه کمکی میتوا نست برای او بکنــد بعد هایکی از جاسو سا ن‌تشتات سلاوستری را در محل د یگری می برند ورسید ن ژور نا لیستا ن ـ فرانسو ی بدان محل‌باز هم این ـ امید واری رابرای زن باستانشناس تولید کرد که از اسار ت نجـــات خواهد یا فت.

ـدر پایا ن ماه جو لای ۱۹۷۵ بازهم مباحثه تازه ای در ینمورد صور تگر فت و پافشار ی هــای (استفان هنسل) نماینده فرانسوی جایی راگر فته نتوانست وحکوست تشتات دنباله مباحثه راقطع کرد. ماه اگـوست روبه اتمـا م بـود و فرانسویز سلاوستری هنوز هم در چنگال سیا هپوستا ن اسیر بود، دراثنای عزیمت ژور نالیستا ن به سوی فرانسه سلا وستر ی گریه را راه اندا خت اما متاسفانه هیـچ کس حاضر نشد برای زنی که(۱٦) ماه تمام رنج فراوا ن کشیده بود دوای خواب ابدی بدهد .

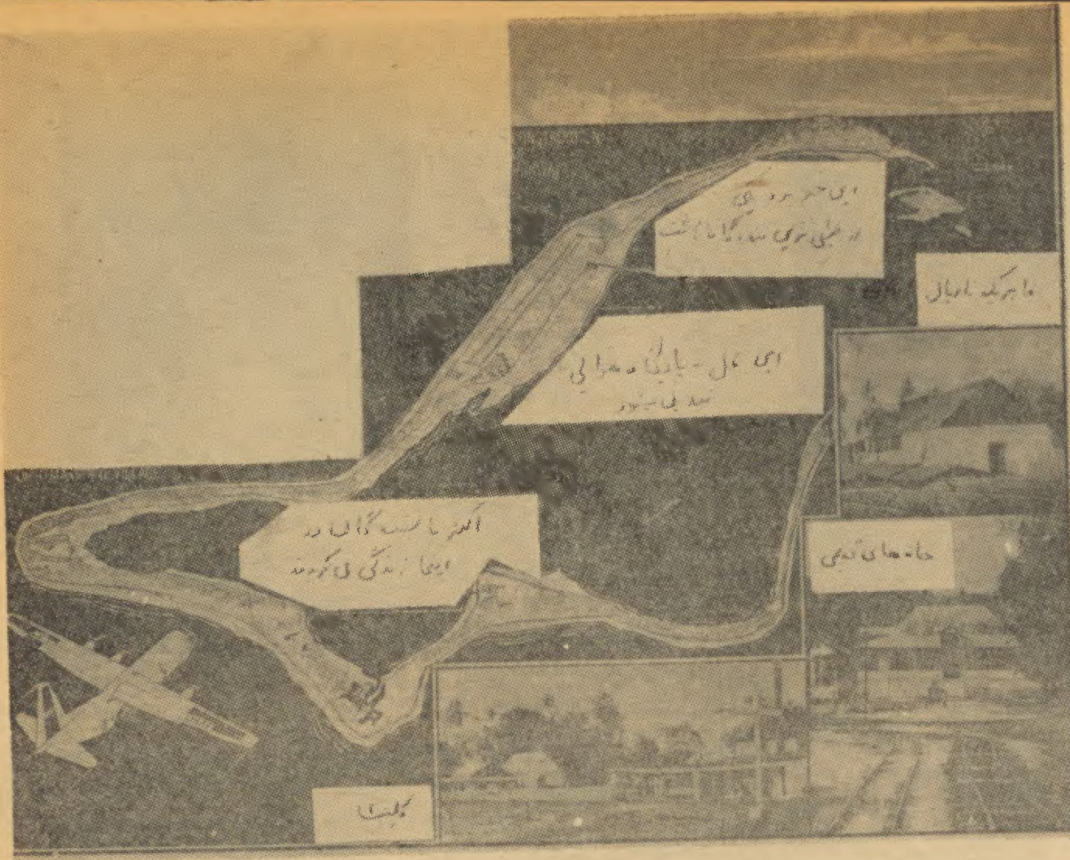


باستان شناسی فرانسوی در سنگلاخهای تیبستی .

از: سندی تایمز

ترجمه : رهپو

جزیره‌ای که آن را بریتانیا فروخت



درانیجا موقعیت عالی جزیره نشان‌داده شده است

• چگونه یك معامله آرام وخموش به یك تعهد بزرگ مبدل شد .

• انگلستان این جزیره راخرید، خود رااز دست مردمش رهانید وآن راباسود کوچکی به قوای بحری امریکا هدیه داد .

قصه دیگو گارسیا که آن را دراین صفحه هامی خوانید آمیزه ای ازتراژیدی یك جزیره دورافتاده، جنگ قدرت های بزرگ واهمیت ندادن به احساس بشری است . در اینجا بیش از هزار همشهری انگلیس بروی سه جزیره کوچك به آرامی کارمی کردند وزندگی می نمودند تااینکه حکومت انگلیس در مذاکره مخفی یی باایالات متحده سعی نمود از این منطقه آرامش بخش، بحیث مجتمع بزرگ دفاعی بحر هند استفاده کند. دریك مرحله پس ازدوران امپراتوری انگلستان این جزیره راخریدوحالاآنرابنام یك سرزمین(غیرمسکون) به‌قوای نظامی ایالات متحده سپرد.

اینکه انگلستان ازاین خریدوفروش سودی بجیب زده . تاحال روشن نیست . ما لیه دهندگان انگلیس برای خریدآن چار میلیون پوند پرداختند وممکن باکمی تفاوت از آن دلار بدست آورده باشند ولی این مطالب هم اکنون روشن است که :

۱- باشندگان جزیره که به مورتیوس و جزیره همانندی در بحرهند. انتقال داده شده زندگی بدی رامی گذرانند . این هاهنوز غرامت خانه وزندگی شان رابدست نیاورده‌اند.

۲- باوجود اطمینان ها ییکه در مورد استفاده مشترکی ازجزیره داده شده است اکنون معلوم گردیده که جزیره کاملا دودسته تقدیم ایالات متحده گردیده است .

۳- حتی هنگامیکه صدای مخالفت علیه ساختمان این پایگاه در واشنگتن بلند شد هردو حزب کارگر ومحافظه کار خاموشانه به ایالات متحده اجازه دادندکه پایه های خودرا برآن جزیره محکم کند .

دیگوکارسیا ازهمان آوان کشفش، توسط پرتگالیان درقرن شانزدهم ، رویا هر بچه مکتبی راپرمی کردکه ازاین محل دور افتاده دیدن نماید . رشته ای ازخاك کره‌مانندی‌که متشکل ازصخره های آبگیر ، ریگستا ن درخشنده ودرختان ناریال می باشد دریاچه‌ای راکه ۱٤میل درازی و٤میل بر دارد به‌آغوش گرفته وبسیاری دریانوردان آن را یکی از بهترین لنگرگاه های طبیعی دنیا می دانند. نمای عمومی این جزیره رامی سازد . جمیس هارس بورگ یکی از دریانوردان انگلیسی‌که کشتی‌اش درسال ۱۷۸٦دراین‌جزیره دستخوش توفان بحری گردید نوشت که :

(این جزیره یکی ازشگفت انگیز ترین‌پدیده های کره ماه می باشد .)

طی سال های ۱۷۸۰ یك کمپنی فرانسوی شروع به بهره کشی ازروغن ناریال ومردمان آن‌که شامل بردگان می شد . وتعداد شان به ۲۷۵ نفرمی رسید، نمود .

باشکست ناپلیون، جزیره دیگورگارسیااز دست فرانسویان به انگلیس ها رسید ومانند بسیاری مستعمرات فرانسوی در بحر هند تاکنون ارتباطات قوی فرانسوی را حفظ کرده است .

دراین سرزمین صنعت کوپرا (ناریا ل خشك) باآزادی بردگان وتبدیل شدن آنان به‌کارگران (قراردادی) شفایی، رونق یا فت وشیوه زندگی مردم آن تااندازه ای تغییرکرد.

باگذشت قرن، دیگورگاریسا دارای سه کارخانه نارپال خشك گردیده ومحلی برای زغال گیری کشتی های شدکه روانه آسترالیا می‌گردیدند، بحساب آمد. دراین جزیره یك کلیسا، یك شفاخانه ، یك زندان، خط آهن کوچك، برخی خانه های فرانسوی ساخت بسمیان آمد ونفوسش به ٥۰۰ نفررسید .

آنانیکه با (قرار داد نوشته شده) به‌کمپنی های کوپراپیوند یافته بودند به اقلیت بوده وبیش ازسه ربع نفوس، خودرا باشندگان دایمی می انگاشتند .

باآغاز سال ۱۸۷۰ باشندگان جزیره کلبه



موقعیت جزیره دربحر هند

های خصوصی خودرا برپا داشته واز محل های مسکونی‌که کمپنی برایتان داده بسود خارج شدند .

هنگام جنگ عمومی دوم دیگوبحیث‌پایگاه کشتی های سریع ورادیوی بحری مبدل شد. دوکشتی تندروکه درتوفان بحری سال ۱۹٤٤ درهم کوبیده شدند هنوز آثار آنها در جنگل این جزیره وجود دارد. روبرت سکات که باگروه چاگوس درسال ۱۹۵۰ به جزیره سفر کرد گذارش دادکه در دماغه شرقی جزیره نیز دهکاه های کوچکی بوجود آمده‌است. اومی نویسد : (دماغه شرقی شباهت زیاد به دهکده‌های‌ساحلی‌فرانسه دارد)او همچنان‌نوشت (رنگ روشنی از سنن کهن که با کلیسا ارتباط دارد دیده می شود ... در دهکده ها گدام‌های سپید، فابریکه هاوکارگاه ها دیده میشود که دراطراف زمین هاسر سبز تمبه شده اند .)

همچنان اواز استقبال گرم اهالی واینکه مانند انگلیس هابه پیشو از مردم با بیرق می روند، چیزهای نوشت .

باشندگان جزیره صاحب کشتی های شخصی، وسایل ماهیگیری ، باغ های سرسبز وگله حیوانات بوده ودرجامعه‌مشترکی زندگی می‌گردند که بگفته سکات (ریشه‌های آن درهم کوبیده شده وجامعه‌ای که مناسب به شرایط جزیره است رشدکرده است .)

درآغاز سال های شصت صنعت کوپرا با کشف گوا(کودی که از فضله مرغ‌دریایی یاازماهی می سازند وهمراه با فوسفات برای کودکیمیاوی بکار می رود .م) رونق بیشتری یافت واین ماده به بیرون صادر گردید .

باجنبشی‌که برای استقلال این جزایر در موریتوس بحیث مرکز آن صورت گرفت ممکن این جزیره روزی یکی ازجالب ترین جای برای سیاحان می بودولی این کار صورت نگرفت .

مجموع الجزایر چاگوس به آرامی به‌منطقه استراتژیك دفاع غرب در اواخر سال ۵۰ بدل شد. ازآن پس متخصصان نظامی امریکا به ضرورت داشتن وسایل مخابراتی در بحرهند آگاهی یافتند . زیرا از اریتر یای حبشه‌تا فلیپین چنین وسایلی دردسترس نبود. وهر دوکشور امریکا وانگلستان ا ز مو قعیست جغرافیایی وطبیعی مناسب دریاچه‌دیگوگارسیا آگاهی داشتند.

وعده به هند :

تقریبا سال های ۱۹۶۳-۱۹٦٤ بین دو حکومت انگلستان‌وایالات‌متحده روی‌سرنوشت آینده جزایر واقع بحرهند مذاکره آغاز شد وآنان باخروج انگلستان از عدن متوجه شدند که پایگاه دیگری برای سوخت گیری به‌طیاره های نظامی که ازجزیره گان بسوی سنگاپور پرواز می‌کنند ضرورت است .

این کارصدای اعتراض هندرا بلند کرد ولی حکومت انگلستان وعده دادکه نه به خودش ونه هیچ کشور دیگر اجازه میدهد که یك (پایگاه بحری دربحرهند) برپادارد .

وویلسن بارها گفت که حاضر نیست پایگاه نظامی یی رابرمردمان اصلی جزایر تحمیل کند .

ولی این اطمینان هادر عمل به سراب مبدل شد. انتونی گرینود وزیر امور مستعمرات بتاریخ اپریل ۱۹٦۵ سفری به موریتوس نمود تاروی مساله استقلال برخی جزایر مذاکره کند. در نتیجه برخی ازجزایر کوچکتربشمول گروه جزایر چا گوس همچنان مستمره‌ماند وبنام ساحه خاك بریتانوی بحر هند نام گذاری شد .

حکومت انگلستان برای جزایر سیشل و موریتوس مبلغ ۳ میلیون پوند درازای خرید برخی جزایر پرداخت .

اکنون انتونی گرینود استدلال می کند که اودر آن زمان فکرکردکه ساکنین جزایر(گروه کوچکی از ماهیگیران وشکارچیان اند .) بهر ترتیب ساکنان جزیره باید کوچانده شوند زیرا انگلستان وبخصوص ایالات متحده برای امنیتش به آن جزایر ضرورت دارند .

باشندگان ناراض وهمسایگان عاصی مورد غضب پایگاه های خارجی ایالات متحده قرار گرفتند .

انگلستان به ایالات متحده گفت: که باید کمپنی هاو (کارگران قراردادی) خریده شوند. به این ترتیب کمپنی چاگوس ، اگالیکاوشرکا مبلغ یك میلیون پوند درازای ترك جزایر بدست آورد .

این منطق توسط اعلامیه ای بتاریخ ٤ می ۱۹٦٦مبنی براینکه حکومت انگلستان میخواهد که جزایر ساحه خاك بریتانوی بحر هند را (بی نفوس) بسازد، ارائه شد. در همان موقع موافقت نامه ای بین لارد چالفانت از وزارت خارجه انگلستان وداوید بروس سفیر ایالات متحده امضا شد که درنتیجه آن جزیره دیگوگارسیا می تواند برای (مقاصد نظامی تامدت پنجاه سال استفاده شود .)

درهمان موقع نه ایالات متحده ونه‌حکومت انگلستان قدرت آنرا داشتند که تشریح کند که چه ضرورت است که جزایر غیر مسکون

لطفاورق‌بزنید



تا این اواخر ، ساکنان جزیره‌زندگی‌آرام‌وبی درد سر داشتند .

ساخته شود در حالیکه ازآن هافقط به مقاصد (مخابراتی) استفاده میشود ویااینکه چراکمپنی های کوپراسازی مسدود شوند .

این مساله هنوز درپرده اسرار مانده که واقعا حکومت انگلستان ومالیه دهندگان آن چه اندازه پول دربرابر پیشکش این جزیره (غیرمسکون) به ایالات متحده‌که آن را بیکی ازبزرگترین پایگاه هایش مبدل کند، بدست آورده اند. برای بدست آوردن این جزیره حکومت انگلستان چار میلیون پوند (بـرای جزایر موریتوس، سیشل وکمپنی های ناریال) پرداخت . درموافقت نامه چنین گفته میشود که هردو کشورمی توانندازاین جزیره استفاده کنند واندازه کار گرفت آن هم بسته بمقدار پرداخت پول می باشد در حالیکه ایالات‌متحده مجبوربه پرداخت (کرایه) نیست .

بانهم درواشنگتن افشاء شدکه ایـالات متحده ۱۱٫۵ میلیون دالر در ازای ساختمان های سابق وکوچاندن اهالی این جزیره بـه انگلستان می پردازد .

این پول ازجانب کانگرس تصویب نشد. زیرا گفته شدکه این پول باید در عوض‌خرید تحقیقات واکت های پولاریس که انگلستـان آن رابدست آورده مجرا شود . به اینترتیب انگلستان بدترین معامله رانموده است .

اکنون اداره گران مستعمرات انگلستان در جزایر سیشل به‌مشکل جای دادن امریکاییان مواجهه اند . اینان برای اخراج کارگـران هنگامیکه آنان به تفریح رفته بودند اجـازه بازگشت ندارد و۷۰۰ نفر تاپایان سال ۱۹۷۰ ازاین جزایر اخراج شدند .

برای اینکه پای حکومت انگلستان کشیده نشود این‌کار راتوسط روسای کمپنی هـا ی فعال در جزایر انجام دادند . واین کار رابا کوچاندن اهالی دیگورگارسیا به موریتوس که ۱۲۰۰ میل فاصله دارد انجام دادند .

موسینی صاحب کمپنی نار یال در جزیره می گوید :

(از لحظه ای‌که چشمم به این جزایر افتاد به آن علاقمند شدم. اینجابه بهشت می ماند وهنگامیکه اهالی راگفتم که جزیره ترک کنند موجی از نارضایتی برچهره های شان دوید . این هاپنج نسل میشودکه براین جزیره‌زندگی می‌کنند به‌آن خوگرفته ومانند آن است کـه درختی راازریشه بکنیم .)

کار درفابریک سال ۱۹۷۱ متوقف شد .

درماه مارچ همان سال امریکاییان آمدنـد . ایشان به مردمان کوك ، شیرینی وبیرمیدادند وتخلیه توسط دوکشتی آغاز شد .

دراول اهالی اجازه داشتند تابرخی اموال راباخود ببرند وبه ۳۵ نفر آخر فقط اجازه‌بردن باروبستره داده وحیوا ناتیکه شدیدا به آنها علاقه داشتند باقی ماند .

وقتیکه با ۵۰نفر اهالی جزیره درموریتوس صحبت‌شد زنان‌گفتند بخاطری‌ما آرامش‌جزیره واترك کردند که چاره دیگر نداشتنـد و از طرفی به آنهاگفته شده بودکه در موریتوس زمین وپول برایتان داده میشود .

یکی ازاهالی قصه می کندکه : (هنگامیکه به‌جزیره سیشل پیاده شدیم پاول‌موسنـی که امور دادن خانه وزمین رابرای ما به‌عهده داشت هرلحظه خودرا تیر می‌کرد تا اینکه ما رابه زندان شهر بردند ودر آنجا شـب را خوابیدیم .)

آخرین دسته بسال ۱۹۷۳ وارد موریتوس می شدند باآگاهی از اینکه نه‌پولی نه زمینی به انتظار شان است ازکشتی پیاده نمیشدند تااینکه حمالان بندر حاضر شدند آنان رابخانه هایشان جای بدهند. تاکنون ازپول و زمیـن خبری نیست . مقامات موریتوس مـلامتی رابه گردن توفان بحری ماه فبروری که ۹۰ هزارنفر رابی خانمان کرد، می‌اندازند .

خانه های سابق جزیره دیگوگارسیا توسط امریکاییان ازیك (محل سکونت همگانی) بیك منطقه خشك نظامی مبدل شده است . طـی نه‌سال اخیر امریکاییان به صورت مخفی‌طرح نموده اند که‌چگونه این جزیره را ازهرلحاظ به اوکینا وای دیگری مبدل کنند .

دراین جریان ، بحری که سیاستمداران امریکایی به شمول دانیال موینهان نماینـده آن کشور در مو سسه ملل متحد، آنرامهمترین جای برای حفظ منافع امریکا خوانده انـد . اکنون به نقطه داغ برخورد بین غرب وشرق مبدل شده است .

در واشنگتن صا حب منصبان پنتاگون‌در استدلال خود ازپشتیبانی حکو مات کارگر و محافظه کار انگلستان حرف زدند .

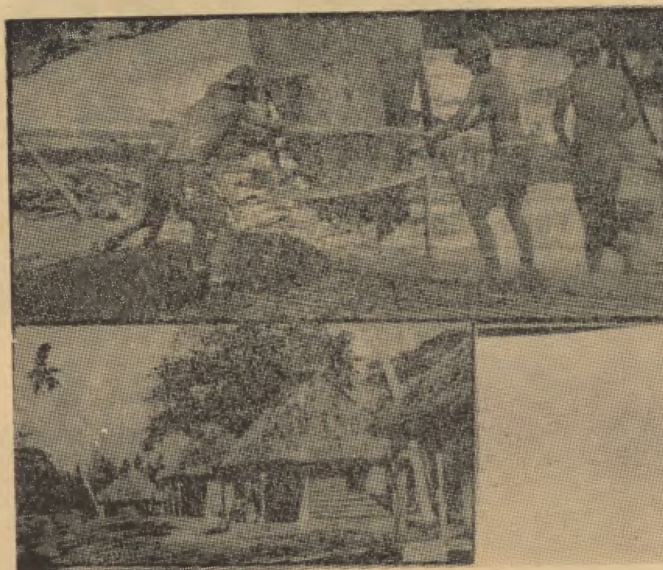
درسال ۱۹٦٦ که قرار داد امضا شد امریکا مصروف جنگ ویتنام بود. ولی درسال ۱۹٦۷ دانشمندان نظامی امریکا وانگلستان جزیره را سروی کردند .

ادمیرال جان مك سین‌این جزیره را (مالتای بحرهند) خواند .

اتحاد شوروی فرستادن قمر مصنوعی‌زونده برمنطقه نظارت راآغازکرد. طی سال هـا ی ۱۹٦۸ـ٦۹ تعداد کشتی های جنگی از ۵۲۹ به ۱۱۳۸ افزایش یافت .

بعداز پیروزی محافظه کاران در انتخابات سال ۱۹۷۰ ادمیرال الموزوسوالت قومانـدان قوای بحری ایالات متحده به سرالك دوكلاس سوم پیام تبریکی فرستاد وخواهان همکـاری بیشتر گردید . به این ترتیب در د سامبـر همانسال موافقت نامه ای برای استفاده‌مشترك ازامکانات (مخابراتی) امضا شد .

به این ترتیب جزیره ازیك مرکز مخابراتی طول موج‌کوتاه به سیستم مخابرات بحـری امیگا که بوسیله آن زیردریایی هـای ذروی





دراین چهره موج اندوه دیده میشود

می توانند با درستی بیشتر هدف راتعیین‌کند. مبدل شد .

جنگ اخیر عرب واسرائیل بیشتر امریکا رامتوجه بحر هندنمود وجیمز شلیسنجروزیر دفاع از کانگرس پول بیشتر خواست تاقدرت زیادتر دربحر هند بدست آورد وبرای اینکار خواست تاپایگاه دیگوگارسیا وسعت بیشتری ازلحاظ تسهیلات برای نشستن طیاره هـای بـ۵۲ بیابد .کانگرس دربرابر ۲۹ میلیـون دالر درخواستی پنتاگون اعتراض کرد. ایـن کار برای یك سال به تعویق افتاد. پنتاگون به چال دیگری متوسل شد وعکس های را به کانگرس تقدیم کردکه نشان داد اتحادشوروی دست به ساختمان پایگاه بزرگی دربندرگـاه بیرا واقـع سو مالیا زده‌است بالاخره‌بتاریخ ۲۸ جولای امسال پنتاگون قدرت مصارف رادر ۵ جزیره یافت .

این‌کار رقابت بین شرق وغرب را در راه مسلح ساختن بحرهند تشدید کرده وبه همین دلیل کشور های مربوط به بحر هند از یـن وضع ناراضی اند .

خطر عمده این است‌که پایگاه دیگوگارسیا نه فقط مصارف زیاد راجلب می‌کند بلکه‌نقطه داغی رابرای برخورد دوقدرت بزرگ آماده می کند .

زنان و دهه انکشاف

به‌مناسبت سال بین‌المللی‌زن

نو شته :راحله راسخ

سا ل بین المللی زن باشعا رسه گانه آن (مساوات،صلح وانکشا ف) تقریبا یکسال قبل آغاز گردید و- اهمیت خاص آن ازآنجا نمایا نمی گردد که‌یك جنبش جها نی در راه تقویت وارتقای مقام زن از لحا ظ اقتصادی، اجتما عی، سیا سی‌و- فرهنگی صورت گر فته وبه مو قف وشأن زن‌بسویه جهانی تو جه مبذول گردیده است.

گذ شت زمان باوقا یع ورویداد- هایش گهی نقش وارزش معنوی زن رابطور بر جسته تبارز می دهد وگهی شخصیت اجتما عی وحقوقی اورا در عقب پرده های ابهام و تاریك مخفی می سازد اغلب زما ن زنان در محکو میت واسا رت بسر برند وکمتر فر صت آنرا یافتند تابرای بدست آوردن حقوق طبیعی خود مبارزه کنندو از حقوق حقه خو یش استفاده نمایند.

اما جبر زمان‌باجنبش‌های دیمو- کراتیك زنان سبب شد تادر همه نقاط جهان آهسته آهسته زنجیر های تعصب وقیودات‌راازعم بگسلند وموقف خودرا منحیث همسر، مادر، مربی، معلم رهنماوپرستاری وداکتر وغیره دراجتماع ثابت سازند ودر راه ترقی وتعالی جهان بشر یت‌گام های استواری بردارند ونقش خودرا در بهسازی ونو سازی جوامع‌بشری مؤفقانه وپیروز مندانه ایفاء نمایند. یقیناء تجلیل از مو قف ومقام‌معنوی زن یکبار دیگر نیمه از پیکر اجتماع رابه‌این امر خطیر ملتفت سا خته‌تا بادریافت راه های مؤثر ومفید برای بدست آوردن حقوق تلف شده خویش‌برزمند تاتساوی حقو ق‌زنان بامردان دربرابر قانون بامفهوم واقعی آن‌عملا در جوامع تامین‌گردد وهمه نسل های بشر بدون تبعیض وامتیاز درپناه حیا ت مرفه‌ومسعود درپرتو تحکیم صلح جهانی زند گی نمایند وبایدمتذکرشدکه زنان‌سراسر جهان بااحسا سات عمیق انسا ن وباروحیه‌شعار های سترگ‌مساوات انکشاف وصلح کشور های جها ن رابا نظام های مختلف ایشان بـه هیجان آورده وتوجه جدی جهان‌را به‌حقیقت نیروی واقعاً انسا نی خویش، دراعمار جوامع‌بشری جلب نموده اند که برسمیت شنا ختن هرچه بیشتر مو قف اجتما عی زنان به‌حیث عضومتساوی‌الحقوق جا معه بشری اعتراف گردیده است.

چنانچه درسال ۱۹۶٦ بنابر جبر تاریخ وخواست زمان درکمیسیو ن موقف‌زن‌درملل‌متحد درباره‌زنان دنیا ومقام اجتما عی آن ها غور وتعمق صورت گر فت وبا پیشبینی یك‌دهه انکشاف برای زنان‌د نیا ،تصویب سازمان ملل متحددادر زمینه حاصل نمودند.

بناءبه تعقیب این فیصله نا مه در سا ل ۱۹۷۲ در اثر پیشنهـاد کمیسیون مو قف زن در ملل متحـد با احساس خطراتی‌که فقروگرسنگی جمعیت کره ارض راتهدید می کند وبا نقش همه جا نبه که زنان در راه تنظیم خانواده‌دارند وباسهمگری درانکشاف مما لك باتا مین حـق مساوی به‌مردان دربرابر قـا نـو ن وهمچنان جانبداری فعال ایشا ن در تحکیم صلح جهانی سال۱۹۷٤ بنام سال جهانی نفوس وسال ۱۹۷۵بنام سال جهانی زن‌تصویب گردید.

البته متصل به‌آن دهه‌انکشا ف به منظور ارتقای سویه اقتصا دی اجتما عی ،فر هنگی وسیا سی زنان ونقش بارز آنهادر پیشر فت‌جوامع بشری، درملل متحد پیشبینـــی گردیده است. وزنان سراسر جهان امید وارند تادر جریان دهه‌انکشاف که ازجنوری ۱۹۷٦ آغاز می گردد نو ید بخش حل پرو بلم های حادو مضمنی برای همه زنان مخصو صاً زنان آسیا، افریقا وامریکا لاتیـن باشد.

به‌ارتباط گفته های که‌به ترتیب آمده است اهمیت وارزش اجتماعی زن چنان برملا گردیده که هیچکس عملا نمی تواند در مقابل حق‌مساوی زن‌بامرد درهمه امور مخالفت ورزند جز عقب گرایان وکهنه پرستان.

با اهمیت شایانیکه روز به روز به‌نفع زن‌در جامعه به چشم بـارز دیده می شود ،سال بین المللی زن ودهه انکشاف از جمله اقدا مـا ت برگشت نا پذیری خوا هد بود که‌در آینده بشریت متر قی‌درپرتو ایجاد جوامع فارغ ازتنا قضا ت اجتما عی به رفاه همگانی خوا هند ر سیـد زیرا ظلم وتعدیکه بر زنان رواداشته اند، مستقیما در جا معه اثر داشته ولنگش اساسی که‌تا کنون در جهان دیده می شود ازعدم توازنی منشاء میگرد که سالها زن رادر حصارو دور از اجتماع نگهدا شته اند.

بهر حال تصمیمات بین المللی و- اقدا مات پیهم درین راه گام به‌گام مبارزه زنان درراه ایجاد آرا مـی همگانی نوید بخش آینده باسعا- دتیست که‌امکان آن محتوم است.

دریمه برخه

دالف، الف ژباړه

ځوچه‌خس تول کړو

یوه خوا پریږدو اوهغه دواقعیتونو دنیا وخیرو چه اسراییل خپل‌ورځنی نقشی پکښی لوبوی. او وگورو چه هغه دبشر دیرمختگ په برخه کښی څنگه ونډه اخلی. پدی هیله چه‌موږ وکولی شو دعینی وضعی یوه عینی کتنه وکړی شو نو په هغو شاهدی گانو باندی تکیه کوو چه هغه نه په عربانو پوری‌اړه لری اونه په اسرا- ییلیانو پوری .اودا کار یوی کوچنی ډلی کړیدی، چه‌هغه بریږ دیوال‌مات کاندی چه اسرا ییلیانو له خپله‌ځانه چاپیر کړیدی. اولدغه دیوال څخه وربوری ننوځی او واقعیتونه دسرپه سترگو وگوری. لدغی ډلی څخه یو هم‌بناغلی مایکل آدامسس دی چه‌د لندن دټایمز خبر یال بلل کیږی.له بلی خوا ددمو کراتو حقوق پو هانو بین‌المللی اتحادیی داتصمیم ونیوچه بوهیأت چه پکښی بناغلو ژول چم دبروکسل دوکیلانو داتحادیی‌حقوقی مشاور او فرا نسیسکو فا بــری‌د ایتالیی دناپل دپو هنتون دبین‌الملل حقوقو دکرسی اسیتانت هم شا مل وود عربی نیول شویو سیمو دننه ولیږی خو چه له هغه ځای څخه یو کره‌او سم رپوټ برابر کاندی اوپه عربی نیول شویو سیمو کی دعربانو دوضعی په‌باب عینی څیړنی وکړی.

نوموړی هیأت چه اسرا ییلــی مقاماتو هغوی ته دعربی نیول شویو سیمو دکتنی اجازه ور نکړه مجبور اوارشو چه خپله څیړنه په اردن اود مصر په‌عربی جمهوریت کی دکډوالو اوآواره گانو له کمپونو څخه پیـل کاندی. دغه کتنی د۱۹۶۸ کـــال دجنوری له دیرشمی نیټی څخـــه‌د همدغه کال دفبروری دمیاشتی تـر لسمه پوری سر ته ورسیدلی. خـو سره لدی هم ددموکراتو حقوق پو- هانو بین‌المللی اتحادیی، خپل هیأت ته‌د اسراییلی‌مقاماتو له‌خوا په‌اجازی نه‌ورکولو باندی د۱۹۶۸کال‌دجنوری په‌دیرشمی نیټی خپاره شوی رسمی پروتست کی اعتراض وکړ. پـــه نوموړی رسمی اعلامیی کښی ویـل کیږی :

«ددموکراتو حقوق پوهانو بین- المللی اتحادیه، ددغی اتحاد یی‌لیږل شوی هیأت ته‌داسراییلی مقاماتو له خواپه اجازی نه ورکولو او لدغه‌کار څخه په‌ډیره کولو باندی اعترا ضـــ کوی. څکه که داسراییلی مقا مــات اشغالی سیمو ته‌ددغی اتحاد یـــی دهیأت له‌ورتگ څخه چه غواړی په دغو سیمو کښی دآواره‌گانو کمپونه وگوری. اوهغه اقدامات چه‌داشغا- لگرو قوتونو له‌خوا ترسره شویدی، وڅیړی اوهغه کارونه مطالعه کاندی چه‌دجگړی ددودونو اوقوانینو سره سم‌یی دغیر فوځی عناصرو دساتنی په‌برخه کښی باید دهغوی له خواتر سره شوی وای .څه وبره نلری او څه‌شی دیټولو لپاره ندی نوبیا هغوی ته‌دویزی له ورکولو څخه ډډه کول څه معنی لری؟ خو پدی صورت‌سره داخبره ددرك کولو وړنده .»

دهغه رپوټ په‌دویم‌مخ کی چه‌ددغه بین المللی سازمان‌له خوا خپور‌شوی دی‌هم دا په داگه شویده چه، «ددوی (ددموکراتو حقوق پوهانو دبین – المللی اتحادیی هیأت) په مقابل کښی چه‌د اسراییلو دحکومت له‌خوا کوم مغرضانه اقدامات ترسره شول‌ویی نشول کولی چه هغوی دحقوق‌بین- الدول دضد اعمالو له‌کتنی څخه لری وساتی. هغه اعمال چه پدغو نیولو شویو سیمو کښی ترسره کیدل».د همدغی پاڼی په‌پای لیك‌کښی لولو: «اته میاشتی وروسته داسرا ییلو حکومت هغه‌لیږل شوی کمیسیون ته اجازه ورنکړه چه اشغالی سیمـــی وگوری چه‌د ملگروملتو دامنیت‌شورا هلته د۱۹۶۸ کال دسپتامبـر د۲۷ نیټی دتصمیم دترسره کولو لپـــاره هلته ورته.»

پدی برخه کښی داهم دیا دو نی وړده چه اسراییل یوځل بیا هم‌هغه مخصوص هیأت ته‌اجازه ور نکړه چه اشغالی سیموته ولاړشی اوهلتـه‌د اشغالی سیمو دغیر فوځی افـرا دو وضعه وگوری. دغه هیأت دسیلـون سومالی، اویوگو سلاوی داستازویه شمول هلته ورلیږل کیده. اسرا- ییلوپه کلکه سره،عربی اشغال‌شویو سیموته ددغه هیأت له ورتگ څخه مخنیوی وکړ.

که‌چیری اسرا ییل داسی تصور اوسوچ کوی چه‌هر کله‌خپلی درواژی دبین‌المللی هیأتونو پرمخ وتړی او هغوی لدغه کار سره ددغو سیمـو دکتنی څخه مخنیوی وکړی او پدی توگه قادرشی چه حقایق په‌یوه‌تیاره کنده اوځاه کی وساتی یوا ځنـی نتیجه چه‌لدی کارڅخه اخستله‌کیږی داده‌چه اسراییل دهغـه زرك کیسه کوی چه‌خپل سرپه واورو کی منډی چه‌څوك یی‌ونه وینی! څکه دغه‌حقایق ترهغه څه‌ډیر ترخه‌دی چه څوك یی پټ‌وساتلی شی. لدی خبری څخه انکار نشی کیدی چه صهیو نستانو وکولی شول چه‌دنیمی پیری لپا ره دغه حقایق پټ‌کاندی .پواځی پـدی دلیل چه سیاسی چاری دیولږلوکس اوتجملی شیانو په‌څیر شمیرل‌کیدل چه‌په سالونونو کښی اینښودل کیده. خواوس په‌وضعی کښی زښت‌زیا ت بدلون راغلی دی. اوسیاسی چا ری یواځی دسیاستمدارانو او سیا سی مشرانو انحصاری حق‌اود تفریـــح وسیلی ندی. نن‌ورځ سیاسی‌مسایل دخلکو دپرگنو په ورځنیومشغو لاوو باندی بدل شویدی .

که چیری خلکو ددی پیړی په‌دری تیرو لسیزو کښی یامخکی تر هغو صهیو نستی‌حساب شوی‌دیپلوماسی اودچل اوتگی څخه ډکو پروپگنډو ته‌اجازه ورکړه چه هغوی تیرباسی، اوس اوس نور پدی پو هید لی چه یوځه هم‌وو چه هغوی ترینه غافـل پاتی شویدی. څکه چه وروسته تـر شل کلو ددغو زاریو او ننواتو لدی کونگو سیو څخه چه‌د «سوله ایزو اوسوله غوښتونکی» دولت، اوداسی دولت چه‌د تیری کونکو گاونډ یانو له‌خوا ورته گواښ کیږی او هغـــه اسراییل ترستونی تیروی او«یهو- دیان سمندر ته ورتویوی »په باره‌کی ترسره شول، دادی نـــړی ددا سی بمونو دچاودنی سره له خوبه راپا- څیده چه‌نه داعرابو له خوا بلکـــه اسراییلی الوتکو څخه راتویی‌کیږی اود عربی هیوادو او گاونډیانو دغیر پوځیانو لپاره مرگ او نیستی ،لـه ځانه سره سوغات راوړی .

لومړی په کال ۱۹۵۶ او بیا پـه کال ۱۹۶۸ کی هغه هم په غیر قابل تصور توگه‌د اسراییلو «سو لـــه غوښتونکی ،پراختیا نه غوښتو نکی اوکوچنی» هیواد ډیرا ختیا له مخه دری واړه زیات شویدی.داکاربنایی چه‌داسرا ییلو دامپراتوری دتحقـق موندلو په‌برخه کښی ترسره شوی وی. هغه‌امپراتوری‌چه‌له ډیری‌اوږدی مودی راهیسی یی داسرا ییلـــو دجنگ وزیر موشه دایان خوب‌لیده، لکه څنگه چه‌هغه د۱۹۵۲ کـــال‌د فبروری په ۱۲نیټه په‌یوه راد یوی عربی تقریر کی وویل: «دا دخلکو وظیفه ده‌چه جگړی ته چمتو شی‌خو دغه وظیفه داسراییلو په اردو پوری اړه‌لری چه‌هغه جگړه ترسره کړی‌چه وروستی هدف یی‌داسرا ییلودامپرا- توری منځ ته‌راوستل دی ښکاره ده چه‌ددغو بیابیا تیریوانگیزه چه‌دلبنان په‌جنوب باندی کیږی همدغه خو ب دی. سره‌لدی‌هم‌ورځ ترورځی لازیات شمیر نړیوال پدی باوری کیږی چه

اسراییل هم‌و پدعی لږی خا ور ی باندی قناعت نکوی‌چه‌تر اوسه‌پوری پی‌نیولی ده. دغه خاوره اسرا ییلو په هغی سیمی کښی نیو لی ده چه دعربی پراخو سیموپه‌منځ کښی‌پرته ده.طبعی ده‌چه دغه خاوره اسراییلو له‌دری ملیونه جمعیت، اوله دا یمـی کسر بودجی او ویجاړ فوځی حا لت سره نشوه نیولی. نوپدی اسا س نشی ویل کیدی چه دا کار بی‌یوائی پخپله کړی‌دی. نوپدی اساس‌ښکاره ده‌چه په‌یوه بل‌قوت باندی تکیه دی اودا خبره دلمر په‌شان روښانه ده چه‌دغه قوت پرته له‌امپریا لیزم چه دامریکی دمتحدو ایالاتوو په مشری لګیادی داکار کوی بل څه نشی‌کیدی چه روښانه هدف‌یی دادی چه پـدی سیمه کښی یوه‌کلکه‌اوپخه اډه‌ولری.

داهغه واقعیت دی‌چه بیابیـا او اسراییلو ته‌د امریکی اولویدیځـو هیوادو دبیلابیلو مرستو سره تایید شویدی .

دمترقی هیوادو اوبی طرفو خلکو ډیرزیات منورین په‌تیره بیا پـــه لو یدیځو هیوادو کښی خپل هغـــه دروند وجدانی اواخلاقی مسؤو لیت احساسوی کوم چه دمنځنی ختیځ‌په مقدسی سیمی کی پی داوسنی‌وضعی په‌منځ ته‌راتلو کی لری. داخبره هغه څرخښ څرګندوی چه‌د فلسطیـن‌د مسالی په برخه کښی اود منځنـــی ختیځ داوسنی وضعی په هکله دنړی په‌عامه افکارو کښی راغلی دی. یعنی هغه څه‌چه کولی شی دنړی سو لی ته‌جدی ګواښ وی.

هغه خلك لږ ندی چه‌هم‌و دجګړی له‌دواړو خواوو سره څه خاص‌تعلق اواړیکه نلری خو دغه خبره ځانته‌یو مسؤولیت ګڼی چه‌د زرهاووفلسطینی عربو تراژیدی یوه روښانه پای تـه ورسوی .

څو چه‌لږ خس تول کړو

ښاغلی مایکل آدامس په خپلـی یوی مقالی کی‌چه‌عنوان یی دی.«زیته بیت‌نوبه، یالو اود اسرا ییلیانو په وسیله دسپیڅلی ځمکی څخه دهغو دنشت کیدو څرنګوالی» اود ۱۹٦۸ کال دجون په‌١٦ نیټه دسنډې ټایمز په‌ورځپاڼی کښی خپره شویده هغه وحشیانه فاشیستی اقدامات چه په عربی نیولو شویو خـاورو کښی د اسراییلی پرغلګرو قوتونو له خواتر سره شویدی څرګندوی‌او وایی،«څو ورځی دمخه‌زه‌یوه ملګری دفلسطینی کلی زیته دکتلو لپاره دځـانه سره بوتلم. لدی کبله چه‌په لاره با ندی بلدنه وونو له‌اورشلیم څخه په‌وتلو کښی دیوی نقشی داخیستلو لپا ره تم‌شولو. یوائنی نقشه چه‌ما وکولی شول پیداکړم هغه نقشه وه چـــه دزیارت کونکو لپاره له «سپیڅـلی وطن» څخه تهیه اوبرابره شوی وه. پدی نقشه کښی‌پوله وسوسه‌کونکی اطلاعات وچه‌د سپیڅلی وطن په باب په‌سپیڅلو کتابونو کی راغلی دی.او

مونږ باید دخپلی لاری په‌سر کښی‌چه «سمریا» ته غزیدلی‌وه ترینه تیـــر شوی‌وای خوهغه‌لږ اطلاعات‌چه یکی وو، اویوائی دومره یی‌کولی شول چه‌داردن دسیند په لویدیځه اشغالی سیمه کښی دمسافرانو لاز ښوو نه وکړی. نه‌پدغی نقشی کښی دزیتـه دکلی نوم واونه لکه چه‌زه متو جـه شوم خلکو څه‌زیات ترینه خبروو. پداسی حال کښی چه‌زه تصور کوم باید خلکو زیات اطلاعات ددغی‌سیمی په‌هکله ولری.

زیته داردن او اسراییل دپخوانی اوربند دکرښی دپاسه داور شلیم لویدیځ ته‌په دیرشو میلو کښی‌پروت دی.د ۱۹۴۹کال داوربند موا فقت

لیك یودوفاکتو پوله منځ‌ته‌راوسنله اوپدی وسیلی سره یی دزیته دعربی کلی کلیوال له‌خپلو کروندو څخه‌چه هلته‌یی کرکیله کوله بیل کړل.هغه څه‌چه دوی یی‌لار وزکی کړل داوچه دهغوی کروندی او ځمکی داسراییل ددولت برخه شوی اود هغوی کلی‌په اردن کښی پاتی شو.

هغوی چاره وکړه.. کلیوال پدی پوه‌شول چه باید ژوند بیرته پیـل کړی. هغوی دکلی په ختیځ سیمه‌کی ډیری اولوتی تولی کړی اود هغـو ځمکو په‌ځای یی چه‌له لاسه ور کړی وی‌په هغو کښی یی په کر کیلـــی لاس پوری کړ. او په راتلو نکو کلو کښی یی نسبتا ښه کار هم وکړ.او بیا۱۹٦۷ کال را ورسید .

دهمدغه کال دجون په نهمه یعنی د۱۹٦۷ کال دجګړی په پنځمه ورځ اسراییلی یونټونه دغه کلی‌ته‌راغلل البته جګړه نه‌وه. خو اسرا ییلیا نو څوهاوانه پدی کلی باندی فیر کړل چه وروسته ترهغه تسلیمیدل یوهرو مرو کاروه!

دوه ورځی ویری او وحشت پـه کلی باندی وزرونه خپاره کړی وو. په‌کلی باندی دمارشلا مقررات‌چلیدل اوهیڅ پیښه دلاندی شوی قوت او باندی شوی فوځ ترمنځ ونشوه.

ددویمی ورځی په‌ماښام، یعنـی‌د جون په‌یوو لسمه نیټه اسرا ییلـی بولندوی (قوماندان) دزیته دکلـی دملك کره ورغی او هغه یی ویوښته چه‌څه شکایت یاغوښتنه لری که‌نه؟ دزیته دکلی ملك چه «مختار»نومیده هغه وویل چه څه خبره نلری خوکه امکان ولری دمارشلاو فوځی‌حکومت دمقرراتو وخت دی‌لږ څه کم‌شی خو چه‌کلیوال اوبزګران وکولی شی د

«نوربیا»

از : کورت وومیگوت

ترجمهٔ : (رز)

در راه طولانی

(کورت وومیگوت) نویسندهٔ امریکایی آثارگوناگونی دارد. این نویسنده به خاطر حمله هایش برپهلو های ضعیف اخلاقی وبرزندگانی معاصر اضلاع متحده، درمیان جوانان خو ب پذیرفته شده است .

از رومانهای معروف این نویسنده (گهوارهٔ گربه) و(خداوند شمارا خیر بدهد) را میتوان نام برد. داستان کوتاهی که درین صفحــه میخوانید، مانند بسیاری از نبشته های دیگر این نویسنده طنز وتمسخری درخود نهفتــه دارد .)

آندو در همسایگی همدگر، درگوشه یــی ازیك شهر، بزرگ شدند . خانه های شــان نزدیك کشتزار ها، جنگلها وباغها واقع بود وازآنجا منظرهٔ دلنشین برجی که زنگی داشت، دیده میشد. این برج به یك مدرسهٔ خــاص نابینایان متعلق بود .

حالا هردوی شان بیست سال داشتند و برای تقریبا یك سال همدگر راندیده بودند. روابط شان همواره گرم، صمیمانه وتوام بــا شوخی بود، اماهرگز باهم سخنی از عشــق نگفته بودند .

پسر نامش (نوت) بود ودختر (کــاترین) نام داشت . یکروز دراول بعدازظهر، (نوت) دروازهٔ خانهٔ (کاترین) رابه صدا درآورد .

(کاترین) درراباز کرد. مجلهٔ بزرگ وجــلا داری رابه دست داشت . مجله سراسر بــه مسایل عروسان تخصیص داده شده بود .

(کاترین) گفت :

- (نوت) !

ازدیدن پسر شگفتی زده بود .

پسر گفت :

- می آیی کمی قدم بزنیم ؟

پسر خجالتی بود. حتی دربرابر (کاترین) برای اینکه خجالتش را پنهان کند ، چــنان صحبت میکرد انگارکه ذهنش به جای دیگری باشد. این شیوهٔ همیشگی گپ زدن او بود. حتی درمواردی که امیدی نداشت .

(کاترین) گفت :

- قدم بزنیم ؟

- (نوت گفت:

- ها، گامی به جلو برمیداریم . بعد هم گامی دیگر.... روی برگها وبالای پلها ...

دختر گفت :

- نمیدانستم تودر شهر هستی .

پسر گفت :

- همین حالا وارد شهر شدم .

دختر پرسید :

- هنوز هم دردوران عسکری هستی ؟

پسر جواب داد :

- تاهفت ماه دیگر خلاص میشوم .

(نوت) خدمت عسکری رادر قوای توپچــی

سپری میکرد. یونیفورمش چملك شده بــود . بوتهایش پرازگردوخاك بود. ریشش نتراشیده بود. دستش رابه سوی مجله دراز کرد :

- بگذار این کتاب زیبارا ببینم .

دختر مجله رابه اوداد وگفت :

- من به زودی عروسی میکنم .

پسر گفت :

- میدانم، بیاکمی قدم بزنیم .

دختر گفت :

- من سخت مصروف هستم . آخر تایــك هفتهٔ دیگر ازدواج میکنم .

پسر گفت :

- اگر بامن به قدم زدن بیایی، زیباتــر میشوی . عروس زیبایی میشوی . صفحات مجله راورق زدو عکسهایی رابه دختر نشان داد :

- مثل این یکی ... مثل این یــکی .... مثل این یکی ....

دختر به یاد عــروسهای زیبا افتــاد . چهره اش گلگون شد .

پسرگفت :

- زیبا ساختن توهدیهٔ مــن به (هنری استیوارت چلیستر) خواهد بود . وقتی ترابه قدم زدن ببرم، به اوعروس خوشگلی خواهم داد .

دختر پرسید :

- تونا م اورا میدانی ؟

پسر جواب داد :

- ها، مادرم بهم نوشت . از (پتسبورك) است . اینطور نیست ؟

دختر گفت :

- درست است . ازاو خوشت خواهدآمد.

پسر گفت :

- شاید .

دختر پرسید :

- به عروسی مامی آیی ؟

پسر جواب داد :

- فکر نمیکنم .

دختر پرسید :

- برای اینکه رخصتیت کافی نیست؟



کورت وومیگوت نویسندهٔ داستان

پسرکه اعلان اشیای نقره یی رادر مجلــه میخواند، گفت :

- رخصتی ؟ من رخصتی ندارم .

دختر گفت :

- چرا ؟

پسر گفت :

- من فرار کرده ام .

دختر گفت :

- نی ، اینطور نیست .

پسردر حالی که هنوز مجله رامینگریست، گفت :

- راست میگویم .

دختر پرسید :

- چرا فرار کرده ای ؟

پسر گفت :

- باید دریابم که نمونهٔ نقره کاری مورد نظرتو کدام است .

بعد، نامهای نمونه هارا از روی مجلــه خواند :

- افسانه، خارزار، گل پرپرشده ؟

سرش رابلند کرد وتبسمی در لبهــا یش دوید :-

- درنظر دارم برای شوهرت یك قاشق نقره هدیه بدهم .

دختر گفت :

- بگو، تو واقعا ....

پسر گفت :

- میخواهم بروم قدم زدن ..

دختر دستهایش رابهم فشرده وبا عــلاقهٔ خواهرانه گفت :

- تودربارهٔ فرار کردنت دروغ میگویی .

پسر ابروهایش رابالا بردو مانند پاسبان هاشیلاق زد .

دختر پرسید :

- توازکجا فرار کرده ای ؟

پسر جواب داد :

- از (فورت براگ) .

دختر گفت :

- منظورت کارولینای شمالیست ؟

پسر گفت :

- درست است . نزدیك (فیت ویــل) . همانجاییکه (اسکارلیت اوهارا) مدرسه میرفت.

دختر پرسید :

- به چه وسیله یی اینجا آمدی ؟

پسر دست وانگشتهایش را حرکت داد و به دختر فهماند که ازموترها خواهش کــرده است وی رابر دارند وگفت :

- دوروز رادر بر گرفت .

دختر پرسید :

- مادرت خبر دارد ؟

پسر جواب داد :

- من برای دیدن مادرم نیامده ام .

دختر پرسید :

- برای دیدن چه کسی آمده ای ؟

پسر جواب داد :

- برای دیدن تو .

دختر گفت :

- چرا برای دیدن من ؟

پسر گفت :

- برای اینکه دوستت دارم ... حالامیتوانم قدم زدن برویم ؟ گامی به جلو بر میداریم . بعد هم گامی دیگر .... روی برگها وبــالای پلها ....

* * *

حالا مشغول قدم زدن بودند . درجنگلی که بابرگهای قهوه یی رنگ پوشیده شده بود . (کاترین) قهر بود ومیخواست گریه را سر بدهد. گفت :

- (نوت) ، این دیگر دیوانگیست .

(نوت) گفت :

- چرا ؟

دختر گفت :

- وقت بدی را برای اظهار عشق انتخاب کرده ای . پیش ازین هرگز چنین سخنی نزده بودی .

(کاترین) ایستاد .

پسر گفت :

- بیاقدم بزنیم .

دختر گفت :

- نی، همین قدربس است . من اصلانباید باتو می آمدم .

پسر گفت :

- ولی آمدی .

دختر گفت :

- برای این آمدم که ترا از خانه دورکرده باشم . اگر درآن لحظه کسی ترا میدید که یك هفته پیش از عروسی من باچنان وضعی بامن صحبت میکنی ....

پسر گفت :

-خوب، چه فکر میکرد ؟

دخترجواب داد :

- فکر میکردکه تودیوانه شده ای .

پسر سوال کرد :

- چرا ؟

(کاترین) نفس عمیقی کشید وجواب داد :
- بگذار بگویم که ازین کار دیوانه وارت بسیار ممنونم . نمیتوانم قبول کنم که تو فرار کرده ای . شاید هم‌کرده باشی . نمیتوانم باور کنم که توواقعا مرا دوست داری . شاید هم داشته باشی . ولی ...
(نوت) گفت :
- دوست دارم .
(کاترین) گفت :
- بسیار ممنونم . من به‌حیث یك دوست خیلی علاقمندت هستم . خیلی زیاد علاقمندت هستم . ولی دیگر خیلی دیر شده است .
گامی از (نوت) دورشد وادامه داد :
- توحتی مرا نبوسیده ای .
بعد، دستهایش رابه عنوان دفاع حرکت داد :
- منظورم این نیست‌که حالااین‌کار رابکنی. فقط منظورم این است که همه چیز برایم غیر منتظره است . کوچکترین تصوری ندارم که چگونه جوابی بدهم .
(نوت) گفت :
- کمی بیشتر قدم بزنیم ولذت ببریم .
دوباره به قدم زدن پرداختند . دخترگفت:
- ازمن انتظار چه عکس العملی راداشتی ؟
پسر جواب داد :
- چطور میتوانستم عکس العملی را پیش بینی کنم ؟ پیش ازین هرگز چنین کاری نکرده بودم .
دختر پرسید :
- فکر میکردی خودم رادر آغوشت بیندازم؟
پسر جواب داد :
- شاید .
دختر گفت :
- متاسفم که نومیدت میسازم .
پسر گفت :
- من نومید نیستم . من انتظا ر زیادی نداشتم . همین خیلی خوب است که آدم قدم بزند .
(کاترین) باردیگر ایستاد :
- میدانی پس ازین چه واقع خواهد شد؟
(نوت) جواب داد :
- نی .
دختر گفت:
- مادست میدهیم ومثل دونارفیق از هم جدامیشویم . مرحلهٔ بعدی همین است .
پسر سرش راتکان داد :
- خیلی خوب ! گاه گاهی مرابه یادبیاور. به یادبیاور که چقدر دوستت داشتم .
(کاترین) بی اختیار به‌گریه درآمد. رویش رااز (نوت) گشتاند وبه ردیف بی انتهای درختهای جنگل خیره شد. (نوت) پرسید :
- منظورت ازین کار چیست ؟
(کاترین) جواب داد :
- خشم !
بعد دستهایش راتکان داد وگفت :
- توحق نداری ...
پسر گفت :
- من میخواستم بفهمم که ....
دختر گفت :
- که دوستت دارم ! من پیش ازین هم میتوانستم این مطلب رابگویم .
- میگفتی ؟
دختر جواب داد :
- ها .
- به سوی پسر نگریست . چهره اش سرخ میزد . گفت :
- تومیتوانستی این مطلب رابفهمی .
پسر گفت :
- چطور ؟
دختر گفت :
- تومیتوانستی بفهمی . زنها این نکته را پنهان کرده نمیتوانند .
(نوت) ازنزدیك چهرهٔ (کاترین) رانگریست. ازآشفتگی چهرهٔ اوفهمیدکه زنها براستی هم عشق شان را پنهان کرده نمیتوانند . حالا در سیمای دختر عشق رامیخواند . بعد، کاری را کردکه باید میکرد- دختر رابوسید .

* * *

وقتی (نوت) (کاترین) را گذاشت برود، دختر گفت :
- توکار های احمقانه یی میکنی .
پسر گفت :
- راست میگویی ؟
دختر گفت :
- تونباید این کار رامیکردی .
پسر سوال کرد :
- توخوشت نیامد ؟
دختر گفت :
- توچه انتظا ر داشتی ؟ یك اشتیاق هوسناك ؟
پسر گفت :
- میخواهم بهت بگویم‌که هرگز نمیدانم بعدچه واقع خواهد شد .
دختر گفت :
- ماباهم خدا حافظی میکنیم .
پسر اندکی چهره اش درهم شد :
- خیلی خوب !
دختر دوباره به سخن پرداخت :
- ازینکه همدگر را بوسیدیم، متاسف نیستم . خوشایند بود. ماخیلی باهم نزدیك بودیم . بایستی همدگر را ببوسیم . من همواره ترابه یاد خواهم داشت .
خو شبخت باشی .
پسر گفت :

بقیه درصفحه ۵۰



زندگی امروز



* تحقیقاتیکه تاکنون روی طول عمر انسان درهر گوشه ای ازدنیا صورت گرفته نشا ن میدهد که عمر متوسط مردان بطورعموم کمتر اززنان است .
* زنان نسبت به مردان در مقابل بسیاری ازامراض وعفونت ها مقاومت بیشتر دارند .
* اشك بهترین عامل محوکنندهٔ سموم بدن.

مردان این دسته نیرومند که قدرت جسمی فوق العاده وغیر قابل مقایسه بازنان دارند درمقابل بسیاری از امراض مقاومت بدنی‌شان کمتر وضعیف ترازززنان است . این بارزنان اندکه درمجادله باامراض نسبت به مـــردان بانیروی بیشتر مقاومت مینمایند وقدرتی به مراتب زیاده تراز آنها دارند !

چرا چنین اسعت ؟ :

آینده‌نگری راازمور باید آموخت

مورچگان موجودات عجیبی اند، کوچـك ، زحمت کش، آینده نگر ومصمم .

آیاهیچ شده موری رادیده باشید کـه از تصمیمش در بردن بار سنگین که حتی بیشتر ازتوانش بوده دست برداشته باشد ؟ نه ، اوبه این زودی وسهولت ازمجادله اش د ست بردار نیست . اوتاآخرین قدرت سعی اش را میکند واگر بازهم موفق نشد مایوس نمیشود دیگری رابه کمك میطلبد وبه اتفاق به‌انجامش میرساند . (اینرا بارهابه چشمان خودم‌دیده‌ام وبه یقین شماهم متوجه شده اید .)

مور آینده نگراست ودور اندیش . اوبـه خوبی میداند که وقتی سوز سرما به همه‌جا حکمفرما شد، دیگر نمی تواند ازلانه‌اش بخزد وخوراك وآذوقه ایکه لازمه حیاتش اســت تهیه بیند. بنابرین اوخودش رامجبور ومکلف ساخته تادر ایامیکه میتواند آزادانه و بـدون دست وپا گیری کارکند وحرکت نماید به‌فکر فردانیز باشد .

ازاینرو امروز راکه هم وقتش را دارد وهم قدرت وانرژی کارزا تنهابه رفاه امروز هـدر نمیدهد وبه فکر آن ایامی نیز است‌که‌نمیتواند کارکند. شاید بپر سید زندگی مور،چه‌ربطی به مادارد ؟ زندگی آنان نه تنها بی ربـط نیست بلکه درسی بزرگی است برای مـا . درسی از زندگی ، آموزنده وخیلی هم‌پرمعنا.

زندگی انسان نیز فصولی دارد وفراز ونشیب هایی . بهار زندگی انسان هم مانند فصـل بهار سال، زود گذر وناپایدار است . زودتر ازآنچه تصور میشودبه زمستان عمرمیانجامد وآنچه باقی میماند ندامت است وحسرت‌خوردن عمر وجوانی ازدست رفته ایکه بر گشتنـی نیست .

سیر زندگی انسان همچو آب جورفته‌ایست که توقف یابرگشت آن محال وبه معنی‌واقعی ازامکان بدور است . نه میشود زمانرا متوقف کرد تابرای همیشه در جوانی بسر برد ونه میشود چرخ گردون رابه عقب گرداند تـا از کهولت به جوانی گذشته راه یافت ، تنهاکاری که میشود کرد استفادهٔ مزید ازوقت و ایام جوانی است برای حال وبرای آینده .

گذشته هابا همهٔ زشتی هاوزیبایی هایش گذشته . آنچه درخور توجه وتفکر است حال است وآینده . به فکر گذشته بودن حسرت ایام ازدست رفته راخوردن جز ضیاع وقت حاصلی ندارد .

برای بهترین وبیشترین استفاده بردن از ایام گردون وبرای‌دربسربردن رفاه وآسایش طولانی حیات بایست درب های دیروز راکاملا به عقب بست ودریچه نوین فرداو آینده دور راگشود وبه فکر اسباب رفاه‌وجلجرائ‌زیبایی آفرینش بود .

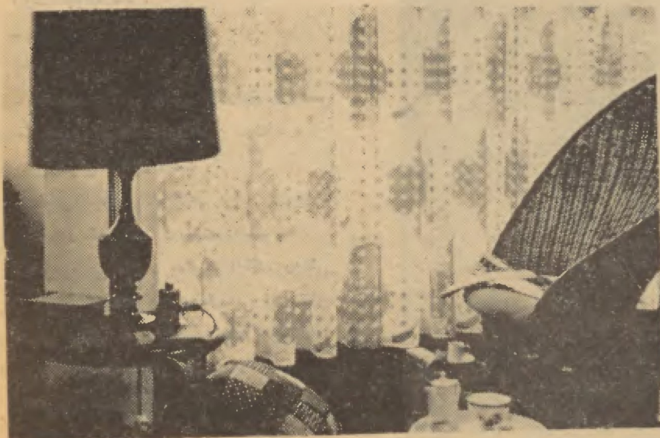
پرده زیبا جلوهٔ خاص به اتاق میبخشد

پرده علاوه براینکه ازوسایل ضروری هـر اتاق است وبرای جلوگیری از سرما، گرما ، نورزیادی وموارد گوناگون دیگر، ازآن استفادهٔ مزید به عمل می آید، وسیله ایست زیبایی آفرین دردکور اتاق ها .

یك پردهٔ زیباجلوهٔ خاصی به اتاق میبخشد. پرده مناسب مکمل زیبایی اتاق است . دریك اتاق هرقدر سامان ولوازم قیمتی چیده شـده باشد ویاآن اتاق باقالین های پربها وگـران قیمت مفروش گردد هرگاه پرده هایش ناجور وناهم آهنگ باشد ویاکلکین ها اصلا بـدون پرده باشد دکور آن اتاق ناقص است .

بنابرآن در انتخاب پرده ، رنگ وهم آهنگی آن بادیگر اشیا ولوازم اتاق باید نهایـــت دقت وسلیقه بکار برد. رنگ پرده هابایست حتمی بارنگ در، دیوار، فرش، مبل ویا اگر اتاق خواب است باروتختی ، میز آرایش‌ویا اگر اتاق دیگر است باچه ... وچه مناسـب وهم آهنگ باشد تازیبایی اتاق رادو چندان وبلکه سه چندان سازد .

درانتخاب پرده جنس تکهٔ آنرا نیز نبایـد فراموش کرد. تکه پرده باید جنسی باشد که رنگ ندهد، زود فرسوده نشود وازهمه مهمتر اینکه به مقابل نورآفتاب مقاومت نمایـد و رنگش رابزودی ازدست ندهد .



چرا مردان کمتر از زنان عمر میکنند ؟

این بخاطریست که مردان در رسیدگی به سرووضع وسلامت شان سهل انگــارند وآن توجهی راکه زنان به شادابی، صحــت وسلامت شان دارند در مردان کمتر می بینیم، حتی گاهی این توجه اصلا وجود نــدارد . اکثر مردان چنین می پندارند کــه توجـه و رسیدگی بخود کار خانمهاست وعقیده دارند که مردبودن یعنی کارکردن، پول در آوردن، خانواده رااداره کردن، ازخطر نهراسیدن و ناراحتی هاکوچك روحی وجسمی را نا دیــده گرفتن ! ورری این ملحوظ وبااین افکــا ر غیرواقعی ودور ازحقیقت فشار وخستگی بیش ازحد رابرخود تحمیل میکنند وگاهی آنقدر کار وفعالیت مینمایند که اصلا خواب واستراحت فراموش شان میشود وسموم خستگی درخون شان راه یافته باعث ناراحتی های عصبی ، قلبی، بلند رفتن قندخون، زخم معده، فشار خون و.... به صدها مرض دیگر ازین قبیل درآنها میگردد. سرانجام این عوارض کــه مسبب اصلی مرگ زودرس درآقایان اســت آنها رابه مرگ دعوت میکند. بنابرآن بخاطر باید داشت مردی‌که بیش ازحد توانایی خود کار میکند روحا وجسما خسته میشود واین خستگی از وی یك مرد تندخوو عصبی بــار می آورد وسلامتش باخطر مواجه میگردد .

دلیل عمده ومهم دیگر اینست که تربیت نادرست ودو گانــه‌ـ دختر وپسر‌ـ به‌مردان ازهمان طفلی تلقین کرده‌که ناله و زاری و شکوه وشکایت اززندگی ومسایل آن کاریست زنانه ودر خور مرد نیست . والدین از همان آغاز وازکودکی درگوش پسران شان که‌وقتی میگیریند زمزمه میکنند: تویك پسری ومرد آینده، ویك مردنباید گریه کند .

ولی همین پدر ومادر به آن فرزند شان که دختر است هرگز چنین کلمات را نمیگویند . چه‌گریه رادون شان اونمیدانند وهیچگاهی‌به کوشش نمی خوانند که یك زن نباید بگیرید زیرابه این عقیده اندکه گریه کار زنانه‌است واوچون دختر است اشکالی ندارد باآن عادت کند! نتیجه چه میشود؟ نتیجه همانی است که دراطراف خویش زیادمی بینیم . زنان چون به اشك وآه عادت کرده اند در برابر حــوادث ناهنجار ومشکلات روزگار باگریه وناله بــه اصطلاح دل خودرا خالی مینمایند و سمــوم ناشی ازناراحتی راذریعه اشك وقیل و قــال ازبدن دفع میکنند یابه عبارت دیگر انــدوه درونی‌خودراباا‌شك‌میشویند وآرام میگیرند،در حالیکه مردان باآن تربیت خطائیکه آموخته‌اند هرگز نباید بگیریند، مهر سکوت به لــب میزنند وگریه وزاری رادر برابر ناملایمــات

بقیه‌درصفحه۵۷

پائیز

فصل هون، سیخ وبافت

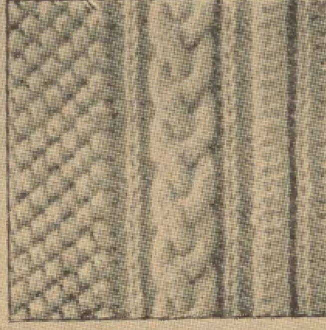
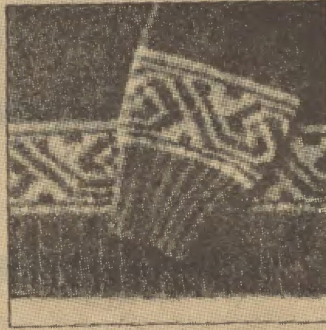
درین روزها که زمستان کم‌کم خودش را نزدیك میسازد وآهسته آهسته در صــد د آنست تابا سرمایش همه جارا در برگرفته جانشین فصول دیگر گردد، مر دم به فکــر مجادله باسوز وسردی آن اند .

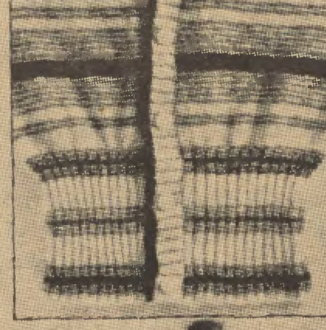
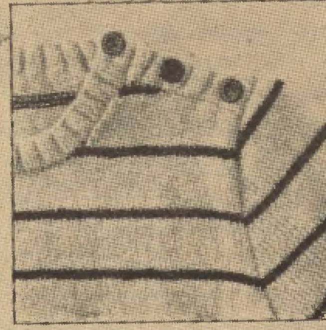
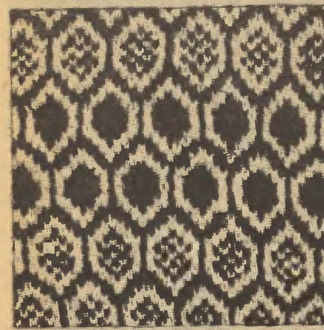
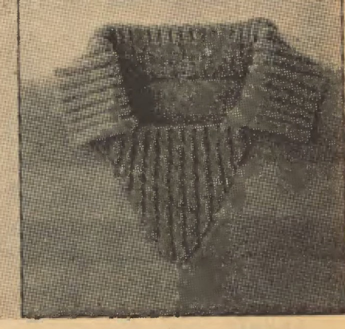
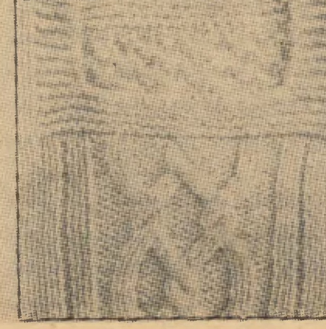
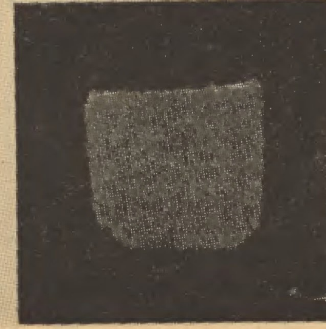
باآمدآمد زمستان که ازهم اکنون مقدماتش چیده شده همه به فکراین اندکه چگونه وباچه وسیله ای میتوانند خویشتن رااز سردی آن حفظ نمایند .

هون وجاکت های بافتگی باآن یکی ازیــن وسایل است‌که اتفاقا هم خیلی مروج بــوده وطرفداران زیاد دارد. چنانچه کمتر دختر و خانمی رامیتوان سراغ کرد که درین روز ها بافتی نداشته باشد، هونی ویاسیخی بــرای بافتن جاکت ویاکدام بافتنی دیگر خریدنکرده باشد ویاهم اینکه به فکر نقش های زیبا و تازه وبافت جدیدی برنیامده باشد .

بنابراین ورری این ضرورت ماهم خواستیم درمورد، خدمتی به‌شما انجام دهیم. ازاین‌رو نمونه های فوق راانتخاب وتقدیم کردیم تااز طرح ورنگهای آنهادر بافتنی های تان الهام گیرید وپوشیدنی های زیبا ببافید.

نمونه هایی راکه درین جامشاهده میکنید مدلهایی است ازبافت های رنگارنگ وگل چین شده ازمیان طرح های بافتن با نقــوش واشکال متنوع که به شما عرضه شده است. اینك انتخاب باشما تاکدام یك رامی پسندید وچه می بافید .




«فرانسواز ساگا ن» میگوید کـه‌حتی عکس ساده یی هم بر داشتـه‌نمیتواند. ولی تصمیم گرفته ا ست‌فلمی را کار گردانی کند .

از مجله نیوز ویك **ترجمه «رن»**

«فرانسواز ساگان»
فلم‌میسازد

فرانسواز سا گان هنگا مـی که تنها هژده سال داشت ، نخستین رومانش رابه نام سلام بر غم منتشر سا خت این داستان سر گذ شت دختر جوانیست که برای بار اول درزندگی بامسایل عشقی روبـه‌رو میشود. درپهلوی تجربه این دختر، روابط پدرش بازن دیگـر مطـر ح میگردد این رومان کـه فـرانسه را تکان داد، فرانسـواز سا گان وزنـد ـ گانی بی بندو بار اورا به سو یـه جها نی پرآوازه ساخت.

امروز فرانسواز ساگان که چهل سال دارد وصاحب یازده رو ما ن وشش نما یشنا مه است راه هـای تازه یی میاز ماید.درمیان‌این راه‌ها میتوان ازنخستین فلمش نام‌بـــرد داستان این فلم را سا گان نو شته وکار گردانی آن رانیز خودش‌انجام خواهد داد. پیش ازآنکه وی برای فلمبراری به‌سوی آلپ برود، جین ـ فرید من بااو این گفت وشنود رابه عمل آورد.

• • •

س‌ـ فلم شمادر باره چیست و چرا به‌کار فلم روی آورده اید؟

ج‌ـاین من نبودم که اندیشـــه فلمسازی به‌ذهنم راه‌یافت .پا نزده سال میشود که‌تولید گر سینمـــا ژورژ دو بورگار در باره کارگردانی یك‌فلم بیخ گوشم داستان میخوا ند من بار هابه او گفته ام‌که ازفلمسازی چیزی نمیدانم وحتی یك عکس ساده برداشته نمیتوا نم حالا سرانجام‌این کاررا پذیرفته ام.

فلمی که‌من‌میسازم داستان‌عاشقانه یی‌رادربردارد. این فلم سر گذشت زن وشو هر یست که‌به شکار می روند. بهترین دوست شوهر نیزبا آندو همراه است. این‌مرد دختری‌را باخودش میاورد که‌به دختران هر ـ جایی میماند درین سفر شوهر درمی یابد که‌بهترین دوستش عا شـق زنش میباشد ازینرو تصمیم میگیرد که هنگام شکار دوستش را بکشـد ولی سر انجام هیچکس را.حتی‌یك آهو راهم نمیکشد وی می فهمـــد که خودش ملا مت‌است وبازنش به خانه‌بر میگردد. داستانی بسیارساده است .

س‌ـآیااین فلم‌مر حله‌تازه یی در کار های شماست؟

ج‌ـکار فلم کاملا ازنوشتن فر ق دارد فلمسازی یك سر گر میست، یك تنوع است نو شتن چیز یست که‌بیشتر ازهر چیز دیگر در جها ن به‌آن‌علاقه دارم. به‌طور مثال ، مـن عاشق آنهم که«درجستجوی زمان از دست رفته»را بنوسیم جدی میگویم من میخوا هم که‌روزی کتا ب خوبی بنویسم پروا ندارد اگر این کتا ب هم مانند سلام بر غم سر وصدا به بار آرد من فقط میخواهم کتا بـی بنو یسم که ازآن خو شم بیا یدوبه خاطر آن احساس غرور کنم سر ـ انجام این کار را خواهم کرد نوشتن این کتاب شاید سه سال رادر بـر گیرد.

س‌ـ به نظر میرسد که شمـــا همواره داستا نهای عاشقا نه مـی نویسید آیا به عقیـده شما جنبه رو مانتیك زند گی بسیار مهم‌است؟ آیا این جنبـه از جنبـه هـــا ی اساسی زند گیست؟

ج‌ـبلی هم برای من وهم برای‌هر کس دیگری اینطور است مردم نا ـ توان هستند آنان به لطف‌ومهر بانی بیشتر ازهر چیز دیگری نیازدارند. مردم به مواظبت نیاز مند هستند. حتی مردان برابر به‌زنان وکود کا ن به‌دلا سایی ومهربانی احتیاج دارند

س‌ـ در کتاب سلام بر غم چنین به‌نظر میرسد که میخوا هید بگویید مردم خودخواه هستند آیا فلسفـــه شما این است که‌آدمیان در تنهایی زیست میکنند؟

ج‌ـوقتی این‌کتاب‌رانو شتم،خیلی جوان بودم خود خوا هی سنگدلی‌و بدبینی برمن تسلط داشت. ما پس ازجوانی مردم وزندگی رابیشتر می شناسیم.

س‌ـ ولی سلام برغم رسوا یـی بزرگی به‌بار آورد علت چه بود؟

ج‌ـعلت این بودکه درین کتا ب دختر جوانی در جستجوی لـــذ ت است وتنها به خاطر لذت بامردی همبستر میشود اواین مردرادوست ندارد خودش هم‌پاك وپوست کنده این مطلب را میگوید بدون آنکـــه احساس پشیمانی،شرم‌و یاتا سـف کند.وقتی این کتا ب انتشار یافت، عشق ورزی برای دختران جـــوان ممنوع بود، ولی در حال حاضراین کارنه تنها ممنوع نیـــست ، بلکـه اجبار یست.

س‌ـ خیلی چیز هادگر گون شده است بیست سال پیش‌این سخـــن شماخیلی عام بودکه «درچهل سالگی کسی ،به خصو ص یك زن نمیتواند شکل‌زند گیش راانتخا ب‌کند زیرا زن دررابطه بامرد خودش رامشخص میسازد. درسن چهل‌سالگی‌زن دیگر نمیتواند شکل زند گیش رابرگزیند باید هرچه هست ،همان رابپذ یرد» حالاکه‌خود تان چهل ساله‌شده ا ید بازهم به‌همین عقیده هستید؟

ج‌ـبلی ،مثل هر کس دیگـری، وقتی بیست ساله هستیم میپنداریم که‌درچهل سالگی‌همه‌چیزبرای مان‌به پایان میرسد در چهل سا لگـــی فکر می کنیم که زندگی در شصت سالگی کمتر خو شایند است ومن فکر میکنم که وقتی شصت سا له شویم همین نکته رادرباره هشتاد سالگی خواهیم گفت.

بقیه‌در صفحه‌٥٦

ژوندون

د عبدا للطیف منت بارڅباړه

ولی قندی مواد چاغوونکی دی

دهر څه نه به دا بنه وی چه په ورځنیو خوړو کښی دقندی مـوادو اندازه ډیر کمه وی اویا بالکل دنظر نه‌لو یدلی وی داځکه چه قندی مواد دهری غذا او خوړونه زیات د چا غی سبب ګرځی سره له‌دی چه انسان ترینه عذاب مومی بیاهم په‌هر ځـای او هره کورنی کښی قندی موادو ته به‌اهمیت قایل کیږی او په‌خپلو ورځینو خوړو کښی ورته ځای‌ورکوی. په‌دی وروستیو کلونو کښی دقندی موادو دخوراك اندازه دپخوا په‌نسبت دری برابره شوی ده‌چه دداکترا نو پاملرنه یی ځانته اړولی ده.

ډیر داسی شواهداو دلایل زمونږ سرء شته چه‌د قندی موادو هرګرام څلور کالری ضرور دځان سره لری اوپه بدن کښی دزیاتو ورزګو دپیدا کولو سبب ګرځی چه هر ګرام یی نهه کالری حرارت پیدا کوی .

دقندی موادو نه دوازګو ترکیب دهر څه‌نه زیات دی همدغه نسبت دی‌چه ویل کیږی دقندی موادودورځنی لګښت څخه ډیره کول په کـار دی.

دقندی موادو زیات استعمال په بدن کښی دزیاتو وازګو دپیدا کولو زمینی برابروی چه دبدن دپاره‌زیات تاوانونه رسوی .

قندی مواد دلوږی په کمولو کښی دومره تاثیر نه‌لری ځکه کله چه‌دغه مواد دخوراك لاندی نیسو نو لږڅه وروسته راته دلوږی احساس پیـدا کیږی، همدغه راز که دقندی موادو اندازه پسی زیا تیږی په همغه توګه دجوړښت او سوزیدلو فعا لیت زیا‌ـ تیږی، چه‌په نتیجه کښی دوینـــی قند لږیږی .

لکه څنګه چه مو مخکښی وویـل قندی مواد دکالری دپیدا کولو یوا‌ـ زینی وسیله ګرځی که چیری پـه همدی ترتیب یوڅه نور خواړه پـه همدغه اندازه کالری تولید کړی او یویی هم‌په قندی موادو کښی ګډون ولری نودغه راز خواړه به‌په زیاتـه اندازه دچاغی وسیله وی.

داکتر «جی دبری» هغه کسان چه ځانونه به‌یی غذایی رژیم‌ته تسلیمول په‌دوو ډلو ویشلی وو او یوزرو دوه سوه کالری رژیم یی دوی ته ورکړ چه‌اولنی ډلی به قندی مواد زیـات اوغوړ مواد ډیر لږ لګول .

داولنی ډلی. دبدن وزن په یـوه ورځ کښی یو اعشاریه پنځه اتیـا ګرامه کم‌شو او دوهمه ډله په‌عمومی توګه ۱۱۹ ګرامه دوزن دکموا لـی سره مخامخ وه خو داچه دوی تـه ثابته وه چه قندی مواد دچاغوا لی یوازینی وسیله ګرځی او دابه کافی وی‌چه دغه رژیم‌ته په یوزرودوه‌سوه کالری کښی پنځوس ګرامه قنـدی مواد زیات شی تر څو په‌یوه ورځ کښی یی پنځه سوه ګرامه په وزن کښی زیاتوالی پیدا شی .

داړتیا نه‌زیات دقندی موادواستعمال خطر ناك دی، دامریکا په متحده ایا‌ـ لاتو کښی سپین ډیری او بوډاګان دنورو خلکو په نسبت په سلوکـی کښی شل زیات وزن لری .

اودغه وزن دکو چنیوا لی دو خت‌نه ددوی سره یو ځای شوی دی.داځکه چه امریکایی‌ماشو مان‌په کوچنیوالی کښی دخوږو او قندی مـوادو سره زیاته علاقه ښیی اوهره ورځ پـه زیاته اندازه قندی مواد خوری .او کله چه‌یی په تدریجی توګه په عمر کښی زیاتوالی ورځی بیا هم‌دعاداتو له‌مخی دقندی موادو سره علاقــه ځرګندوی .

په مترقی اوپر مختللو هیوادونو کښی واړه ماشو مان په زیاته‌اندازه قندی مواد خوری او همدغه نسبت دی‌چه زیات یی د «دیابت» په ناروغی باندی اخته کیږی .

له‌دی امله چه دچاغی مخه نیـول شوی وی او تاسی ته‌یی دو مـره سر ګردانی نه وی پیدا کړی نوښه به‌داوی چه‌په ورځنیو خوړو کښی‌د قندی موادو اندازه کمه کړی او په دی توګه دچاغی دناروغی نه مصؤن پاتی شی .

دشیدو او غوښی په ځای انګور وخوری:

له هغه وخت راپه دیخوا چـه‌د خوراکی موادو دمعنوی‌ارزښت پــه باره کښی څیړنی شروع شوی‌دی نودی نتیجی ته رسیدلی یو چــه انګور دزیاتو خوراکی‌موادو نه‌په‌زړه پوری دی او خوراك یی زیات ګټور دی.

انګور له دی امله چه دویتا مینو زیاته اندازه پکښی ځای شوی ده‌نو پوهان ورته دیوه کوچنی در ملتون په‌نوم قایل شوی دی. او «پی، ار هرپین» دانګورو دغـذایی ارز ښت په‌باره کښی داسی ویلی دی.

دانګورو اوبه یو ډول نبا تـی شیدی دی چه‌د غذایی موادوتر کیب یی دښځو دشیدو سـره یـو شا ن انډول کیدلی شی چه هضم یــی اسان او جذبول یی دبدن دپاره هم ساده او اسانه دی.

رسیدلی اوپاخه انګوردنورومیوو په‌نسبت دزیاتو «آ،ب اوث» ویتا‌ـ مینونو نه برخورداره دی. چه پــه قندی موادو اوسر بیره کانی موادو هم پکښی ځای شوی دی.

په انګورو کښی اوسپنه هم ډیره ده‌چه دغه اندازه په تورو انګـو رو کښی خورا زیاته ده دغه میوه علاوه له‌دی چه‌پرکلسیم، فسفور،منیزیوم، پتاسیم، ید،منګنز، لری غوړلرونکی مواد چه‌د البوین، اوتانن څخه‌عبارت دی‌هم پکښی ځای لری .

هغه طبی کتابونه او طبی بو ټی چه‌د خوراکی موادو کار پیژند ونکو لیکلی اویا یی پیژندلی دی په پـای کښی دی نتیجی ته رسیدلی دی‌چه انګور دمعدی التهاب، توره ټوخلی، سل، دوینو دکمښت دپاره زیـات ګټور دی.

دانګورو رادیو اکتیو یته‌خاصیت:

انګور دشیمیایی تر کیبا تو پـه نسبت دمتیازودزیاتوالی سبب‌ګرځی دغه‌میوه‌دبدن‌داسیدیته اواسیداوریك په برخه کښی په زړه پوری نقشی سرته رسوی .

انګوردکو لمو فرمانتو سیون لږ وی‌اود هاضمی عمل اسانه کـوی،د وینو دفشار مخه نیسی، دپو ستکی دناروغی دپاره چه‌د هاضمی دجهـاز په‌واسـطه منځ ته راځی په زړه پوری نقش سر ته رسوی. انګور دزړه‌د تقویی دپاره‌ګټوره میوه‌ده‌اود انګورو خوږه هغه ماده ده‌چه‌دوینی دسیروم دپاره زیاته ګټه رسوی .

«داکتر کویه» په‌دی عقیده دی‌چه انګور درادیو اکتیو یته په درلودلو سره ښه تاثیرات منځ ته راوړی. انګور دوینی دکمښت او مسو میت مخه نیسی، بدن دستړیا، په مقابل کی هوساکوی، دهاضمی دګېوډی‌د بندونو ددرداودروماتیزمو دلیری‌کولو سره زیاته مرسته کوی.

یوبل یوه او پیاوړی دا کتـرد انګورو دګټورتیا په برخه کی داسی نظریات څرګندوی .

انګور دخاصیت له نظره معتـدل دی، هر څومره چه خواړه وی تود‌ـ والی لری هغه وینه چه دانګـورود استعمال له مخی‌بدن ته ننوزی‌دهغی وینی‌نه چه دخرما داستعمال لـــه لاری بدن ته ننوزی ډیره ښه او په زړه پوری ده.

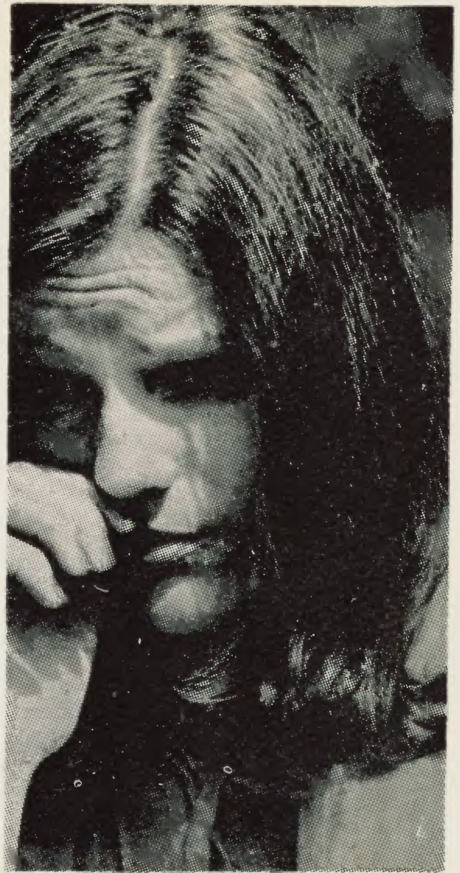
«داکترګیلور هاورز» په خپلـو زیاتو کتا بونو کښی دانګورو رژیم ډیر ګټور بللی او ډیری ناروغی یی په انګورو باندی له منځه وړی دی.

دانګورو معنوی ارزښت دپخوا زمانی نه خلکو پیژندلی او حتی په هغو وختونو کښی چه‌د طب علـم لادومره پرمختیا نه وه میند لی نـو خلك دانګورو په‌زیات اهمیت باندی قایل شوی وو.

زمونږ په موجوده طب او طبابت کښی پوهان دانګورو دپاره په‌زیات اهمیت قایل شوی اوغیر له‌دی چه‌د بدن دغړو سره مرسته کوی. دبدن په‌ښکلا او ښایست کښی هم بـــی تاثیره نه‌شی پاتی کید لی، دا چـه انګور دمزاج دپاره ګټور اعمـــال سرته رسوی روح ته خوښی ور ‌ـ بخښی او دردونو ته تسکین‌ورکوی. انګور دمعدی دبا کوالی سره مرسته کوی دوینو وران راپاروی دمعـد ی ټولو ګډوډیو ته ځواب وایی اودزړه دناروغی دپاره ډیر ګټور دی.



از مجله «اسپین»



در ینجا متن گفت وشنو دی ازنظر تان میگذرد که با داکتربرترام براون رئیس انستیتوت ملی تندر ستی دماغی اضلاع متحده امر یکا صورت گرفته است ودر ضمـــن آن‌آخرین نگرشها در زمینهٔ افسردگی مورد بحث قرار میگیرد .

افسردگی چیست؟

س- داکتر، به طور مشخصـــص افسردگی را چگونه تعریف‌میکنید؟

براون - از دیدگاه یك مرد عامی، گاهی از اوقات مردم میگو ینـــــد که احساس افسردگی میکنند، حالا نکه اندکی گرفته هستند ،اندکی‌دق هستند .این وضع کاملا عام است. اگر ازین دید گاه به موضوع‌بنگریم باید بگوییم که سی درصد مردم در ایالات متحده ،گاه وبیگاه، ازافسردگی رنج میبرند .

ولی هنگامی که از دید گاه طب به‌بررسی افسر دگی میپر دازیـم، مساله شکل جدی تری رابه خـود میگیرد. انسان مبتلا به افسر دگی احساس میکند که نیروی کا فـــی ندارد وبه زندگی دلبستگی نشا ن نمیدهد .این وضع که ممکـن است چند روز یاچند هفته دوام کنـــد، فعالیتهای حیاتی بیمار را متاثـــر میسازد .

س- به چه رنگی فعا لیتهـــای حیاتی رابرهم میزند؟

براون- منظورم این است کـــه حتی انجام دادن کار هـــای عا دی روزانه برای بیمار مبتلا به افسردگی دشوار میگردد .مانند آمـا ده کردن صبحانه ویابه سر رسا نیدن کار های روز مره .

معیار سوم، در پهلوی احسا س فقدان نیرووعدم دلبستگی به‌زندگی، این است که شخص مبتلا به‌افسردگی، به حالت تقریبا فلج گونه، در گوشه یی می‌نشیند وخیره خیره‌فضا رامینگیرد.

به طور نمونه زنی رادر نظـــر میگیریم که‌به افسر دگی دچار شده است .

اگر این زن بخواهد با شمـــا صحبت کند، که غالبا نمیخوا هد،از اوبپرسید که‌در باره چه چیزی فکر میکند. وی جواب خواهد داد کـــه زندگی به درد سر ش نمیارزد ویا اینکه وی انسانی وحشتناك است. این‌زن درباره رویداد هایی که اخیرا ویادر گذشته های دور اتفاق افتاده است. خودش راگناهکار میداند.وی خودش وجهان راتیره وتار می‌بیند. تااندازه یی که این تیرگی ذهـــن‌و روانش را تسخیر میکند .

س- آیا این وضع درین مر حله به‌بیماری دماغی مبدل میشود؟

براون- بلی، من فکر میکنم کـه افســر د گـــــی د ریـــــن مرحله خود یك بیماری دماغیست .یکی از شیوه های شناخت این مرحله آن است که‌به انسان احساس‌ناتوانی، نومیدی وبدبختی بیکرانی دست می دهد.

س- آیا نشانه های جسما نی‌هم باافسر دگی همراه است؟

براون- بلی. وقتی افسردگـــی شدید باشد، نشانه های جسما نی به صورت آشکار نمودار میگرددبه طور نمونه، به ندرت میتوان افسردگی شدیدی رایافت که‌با بـــــی اشتهایی توام نباشد. برخی ازاوقات افسردگی بالاغر شدن همـراه است. ازینرو طبیب همواره جویای دگر گونی وزن بدن میگردد.

نشانهٔ دیگر جسمانی تغییر در وضع خواب است. در عام تر یـن شکلش شخص صبح خیلی وقت از خواب بر میخیزد، بدون آن که‌علت معقولی در میان باشد. در بعضی‌از موارد دیگر شخص به‌سختی بـــه خواب میرود .

سو مین نشانه‌جسمانی افسردگی احساس درد وشکایت‌ازین درداست بیمار در سینه ،سروعضلات احساس درد میکند ومی پندارد که استخوان هایش صدا مید هند .

س- تشخیص این نشانه هـــا آسان است؟

براون- تشخیص این نشا نه ها دریکی از اعضای خانواده ویا دریکی ازدوستان آسانتر است تا تشخیص آن‌در خویشتن .با اینهم هر گـاه احساس دردهای تشریح نا شد نی کردید، بهتر است به فکر افسردگی بیفتید .

س- آیا افسردگی‌گاهی بااشکال دیگر بیمار یهای دماغی،مثلا اختلال حواس، اشتباه میشود ؟

براون- در موارد شدید، افسردگی به صورت موقتی میتواند بـا اختلال حواس اشتباه شود. زیـرا درین موارد افسرد گی بادگر گونی درشیوه اندیشه ،یا اندیشه های‌غیر منطقی و بیمار گونه همراه است. ما این گونه افسردگی را افسرد گـی روانی مینامیم که بد ترین شکـــل افسرد گیست. تشخیص بیمـا ری افسردگی بنابر علل گونا گون‌شاید بادشوار یهایی روبه رو گردد.بررسیهای آخرین نشان میدهد که‌در یکی از شهر اضلاع متحده بیست درصد کسانی که‌به نام اختـــلال‌حواس واردبیمار ستانها شده‌بودند ازبیماری افسردگی رنج میکشیدند.

س- آیا در افسردگی عامل ارثی وجود دارد؟

براون- بلی. این عامل گاهـــی بزرگ وگاهی کوچك است‌وبه‌شکل

افسردگی ارتباط دارد.

س- آیا افسردگی به آهستگی انکشاف میکند؟

براون- افسردگی میتوا ند به سرعت، در ظرف یك روز، یا به آهستگی در ظرف چند ماه انکشاف کند یکی از اشکال افسردگی باضد خودش یعنی هیجان وتحرك پیوند دارد . این شکل را میتوان شکل تحرك - افسردگی نامید.درین شکل شخص یك مرحلهٔ تحرك‌و هیجان فوق العاده از خودش نشان میدهد که یك ،دو یاسه ماه دنباله می یابد. سپس، چند ماه بعدتر،به بیماری افسردگی مبتلا خواهد شد.

س- چند شکل افسردگی وجود دارد؟

براون- میتوان از چند شکل این بیماری سخن گفت: از جمله(۱) افسردگی انعکاسی که‌برخلاف‌افسر- دگی ناشی از انگیزه های درو نی بیشتر بارویداد های جهان بیرونی پیوند دارد .افسردگی نا شی‌از انگیزه های درونی با عوامل بیولو- جیك همبسته است. (۲، افسردگی عصبی .

۳- افسردگی روانی که شکل عمیق این بیماریست .درافسرد گی روانی آدم فکر میکند غذا نه تنها ارزش خوردن راندارد، بلکه این اندیشهٔ جنون آمیز بر ذهن چیره خواهد شد که غذاوی راخوا هد کشت ،زیرا او میخواهد که خودش رابکشد .

تازه ترین شیوه نگرش به افسردگی ،شیوه محور یك قطبی ودوقطبیست .

شکل یك قطبی غالبابه‌نام‌تحرك - افسردگی ،به‌روی مان گشو ده ، بیمار به گونه یی از افسردگی دچار است که نشانه های آن گا هی به صورت هیجان وزمانی به صورت افسردگی نمودار میشود. در شکل یك قطبی ،در کنار افسردگی‌هیجان وجود ندارد ...

س- انگیزه افسردگی چیست؟

براون- درینجا باید ازمیکانیزم های بیولو جیك وآنچه که هنگام انتقال پیامها بین پیوند های عصبی رخ‌می دهد، سخن گفت.

انتقال از عصب «الف» به عصب «ب» یك پدیده پیچیده کیمیا یی - برقی است. درین عملیه انزایمهایی نیز دست اندر کار اند که مواد کیمیایی رادر حرکت وتغییر ما هیت سریع شان کمك میکنند. اکنون ما میدانیم که‌چه مواد کیمایی در محل بین عصب الف وعصب ب جا یی که پیوند برقرار میشود وانتقال صورت میپذیرد، متمرکز میشود .

همین امر مارا به درمان هیجان انگیزمان رهنمایی میکند .میدا نم که‌در کار برد کلمهٔ درمان باید دقیق باشیم .ولی باید در نظر دا شت‌که اگر بیست سال بیش کسی به افسردگی شدید مبتلامیشد، ناگزیر بود ازنه ماه تایك سال رادر بیمار- ستان سپری کند. اکنون اگر این حادثه روی دهد، هشتاد تا نود در صد امکان دارد که بیمار پس ازیك یادوماه سر کارش بر گردد یا به خانه اش‌برود .

س- ممکن است بعضی از ین درمانها را نام بگیرید ؟

براون- یکی ازین در ما نهابسیار مؤثر وتا اندازه یی ترس انگیزاست ومن آرزو دارم که کاش درین باره بیشتر میدا نستیم. این در مان عبارت است ازشاك برقی. مادریافته ایم که در اشکا ل به خصو ص افسردگی شوك برقی بیمار را از حالت افسردگی بیرون میکشد .

شیوه کامیاب دیگر درمانی دارو های «سایکو اکتیف» است .امروز ترکیبهای ضد افسردگی به میان آمده است که تاثیر مستقیمی بر اعصاب دارد.

یکی از دارو هایی که دور نمای خوب درمانی را، به‌وسیلهٔ جلوگیری ازافسردگی ،به‌روی مان گشوده ، «لیتوم کلوراید» است. این دارو نمك ساده ییست که اگر به صورت

لطفاً ورق بزنید



منظم گرفته شود، به خصو ص از شکل تحرك ـ افسردگی جلو گیری میکند .

بههما نگونه که «انسو لین» از تاثیرات بیماری قند جلو گیـــری مینماید .

س– استعمال این دارو عامشده است؟

براون– تخمین میکنیم کهدرحدود سی هزار نفر در اضلاع متحـــده «لتیوم کلوراید» استعمال میکننـــد. دانشمندان مطمین نیستند ،ولیفکر میکنند کهاگراین داروزیر نظرطبیب بهکار برده شود، شاید صدها هزار نفراز فیض آن بهره مند گردند.

س– بیماران قند ناگزیر اند،در سراسر زندگی «انسولین» به کـــار برند. آیادر مورد لتیوم کلورا یدنیز قضیه همین گونه است؟

براون– معمولا قضیه همین گو نه است. زیرا وقتی منظور جلو گیری ووقایهٔ شکل خاص تحرك ـ افسردگی باشد، کار برد این دارو یك مسالهٔ سراسر زندگی خواهد بود .

س– نظر تان در باره دارو های بدون نسخه، مانند گولی های محرك ومانند اینها، چیست ؟

براون– فکر نمیکنم که در مـــان خود سرانه سود مند باشد. چنیـــن درمانی شاید زیانمند تر باشد تـــا درمان نکردن . مادر معالجه ، انـــواع دارو های نیرو بخش،چون «ایتالین» رابه کار میبریم، ولی کار برد این دارو ها باار تباط به یك استـــرا– تیژی وسیع صورت میگیرد.والبتـــه امفی تامین بانظر داشت سر شت معتاد کننده آن خطر ناك است .

س– شما دو شیوه در مان را نام بردید ..

براون– سو مین شیوه در مـــان شیوه روانیست. درین شیوه لازم نیست در گذشتهٔ بیمار کـــا و ش صورت گیرد، بلکه لازم است بـــر احساس ناتوانی بیمار حمله شود.

به طور مثال ،بیمار خوا هد گفت که بسیاری ضعیف است. شمااز ش پرسان کنید: «چقدر وزن را بلنـــد کرده خواهید توا نست ؟»او جواب خواهد داد که سه کیلو گـــرام را. آنگاه شما میتوا نید یك وزن هشت کیلو یی برایش بیاورید وبگذا رید کهآن رابلند کند .

یا شاید بیمار بگوید که تا انجام دهلیز راه دراز یست و او نمیتواند این راه راببیماید. شما با اند کي تشویق میتوانید بیمار رابه انجـــام دهلیز ببرید وبازآورید. دریـنصورت بیمار به تجاربی دست مییابد که در واقع ضربه هایست بر احسا س ناتوانی او.

س– اثرات شوك برقی تاچهمدتی پایدار مینماید ؟

براون– برای بسیاری از کسانی که شوك برقی گرفته اند، همـــان دوره برایهمیشهکفایت کردهاست.

س– آیا مدت درمان با شوكبرقی طولا نیست؟

براون– درین زمینه ما پیشر فت کرده ایم. مدت عادی در مانشا ید ازدو تاسه هفته طول بکشد. در ین مدت بیمار چار تاده بار شوك برقی داده میشود .

در گذشته ها شوك بر قی بـــا حر کتهای عضلا تی وتشنجی همراه بود. امادر حال حاضر برخی ازمواد کیمیایی به کار میبریم واینحرکتها وتشنجات دیده نمیشود .

س– هر شوك برقی چه مد تـــی دوام میکند ؟

براون– کمتر از یك ثانیه. وبعد ازیك یادو ساعت بیمار میتوا ندبه همراهی یکی از نزد یکانش به خانه برگردد. شوك برقی غالبا دربیمار ستان داده میشود .

زیرا کسی که شوك می بیند،آن اندازه بیمار هست کهبا یددربیمار– ستان باشد .

اگر چه شوك برقی دربیمـــار ان ترس واضطرا بتولید میکند، مگـــر سبب میشود تا بیمار در ظرف یك تادو هفته در مان گردد. شوك برقی یك شیوه عاجل در مـــان است و بسیاری از طبیبان، به خصو ص در موارد مبتلا یان بیماری خود کشی، بهآن دست میسازند .

کار برد دارو ها نیز در ظرفدو تاسه هفته، در بسیاری از موا رد، نتیجه های مؤثری به بار میاورد.با اینهمه، شوك برقی در افسردگیهای خفیف ،که زاده عوامل بیرو نیست وخطر خود کشی ندارد، به کـــار نمیرود .

س– آیا شوك برقی تا ثیـــرات جانبی دارد؟

براون– شوك برقی یا هیچ اثری جانبی ندارد یااندکی از دست دادن حافظه رابه بار میاورد که تنهابرای چند روز دنباله مییابد .

س– آیا بیمار مبتلا به افسردگی چیزی کرده میتواند که بهحالش سود مند باشد؟

براون– یگانه چیزیکه این بیمار میتواند بکند ،حتی پیش از دچار شدن به بیماری، این است کـــه خودش را متیقن بسازد که بیچاره وناتوا ن‌نیست البته وقتی بیماری افسردگی آغاز شد ونیرو گر فـــت، بهترین کار بیمار این است که به طبیب مراجعه کند .

س– آیا داکتران بیماری هـــای عمومی از عهده درمان افسرد گـــی برمیایند ؟



براون– بلی. همین نکته در مان افسردگی را امید بخش سا ختـــه است .

بسیاری از دا کتران بیمار یهای عمومی ومتخصصان داخله میتوانند افسرد گیهای ملایم ومتوسط رابـــا موفقیت در مان کنند. در واقـــع ، داکتران ناگزیر اند در موارد جرا– حتها وبیماری های دیگر نیز بـــه تسلی ودلا سایی خانواده بیمـــار بپر دازند در موارد افسرد گـــی

بقیه در صفحه ۵۱

ترجمه انجنیر میر جمال الدین صدری
نویسنده : مونیکا شوبرت

جلوگیری از بروز حوادث در خانواده

بی احتیاطی در خانواده حیات هزاران نفر را سالیانه با خطرات گوناگون مواجه میسازد، گرچه آغوش خانواده جای استراحت وآرامی است ولی د رپهلوی انجام امور روز مره در اثر بی احتیا طی حادثاتی ناگوار رخ میدهد که باعث تلف شدن یك ویا چندین نفر میگردد وخساره مالی به یك خانواده عاید میکند .

سال گذشته تنها در المان غرب دو ملیون حادثه رخ داد که باعث هلاك ۱۱۵۰۰ نفر گر دید و به چندین فا میل ضرر ما لی رسانید . لغزیدن در موقع ایستاده شدن بالای چوکی، میز وزینه های شکسته برای اجرای کار و افتیدن از دیوار ، کلکین وغیره ۸۵ فیصد این واقعات را تشکیل میدهد هر هشتم‌معیوبیت یعنی شکستگی پا، دست و غیره از ناحیه بی احتیاطی در انجام وظایف خانواده است . خانم ها و اطفال هفتاد فیصد ازین ناحیه متاثر شده اند .

در شهر کاسل همسایه یك فامیل خبر میدهد که از اپارتمان‌همجوارش دود غلیظ برمی آید . بعدا معلوم میشود که صاحب اپارتمان در منزل تنها بوده و باسگرت روشن بخواب رفته و بستر را طعمه حریق‌گردانیده است .وی در اثر دود بی هوش شده است . اطفائیه منزل و صاحبش را از حریق نجات میدهد .

خانمی در شهر « دوزل دورف » مشغول پاك کردن کلکین بود که از منزل دوم به صحن حویلی افتید و هلاك گردید . یك خانم جوان در آشپز خانه مشغول پخت وپز بود در موقع کوفته نمودن گو شت دو کلك خود را قطع نمود . اینگونه خبرهای ناگوار همیشه بگوش میرسید که تنها چند نمونه آن از جمله هزاران خبر در بالا ذکر گردید که در اثر بی مبالاتی اعضای فا میل بو قوع پیوسته است در آغاز سال‌نو بموقع «خانه تکانی» سالیانه سه هزار نفر تلف میگردند .

یکی از ما مورین عالیرتبه اداره مصئونیت خانواده ها موضوع را چنین توضیح میکند که چون خانم‌ها به عجله بعد از فراغت مشاغل‌رسمی به‌انجام کار های خانگی می پردازند واکثرا میخواهند دو کار را یعنی‌پاك کاری کلکین ها و پخت وپز را در عین وقت انجام بد هند سر دچار این بلا ها و حوادث دلخراش میگردند.

در فابریکه ها از لوایح وقیودات تضمیناتی کار گرفته میشود اما در فامیل و خانواده ها همچو لوایح وتابلو های اخطاریه د رنظر گرفته نمی شود لهذا اعضای فا میل درانجام کار های روز مره مصئونیت کا فی ندارند .

ما مور یك اداره تجارتی به خانه خود آمده می بیند که خانمش بالای ظرفشوی آشپز خانه بطور غیرطبیعی افتیده و هلاك گردیده است .

ما مورین (پولیس) موضوع راتحلیل نموده میگویند که خانم میخواسته بابرمه برقی دیوار را سوراخ نماید ودر حالیکه پاهایش برهنه بوده بالای ظرفشوی ایستاده واز اثر شارتی برمه برقی، خانم مذکورهلاك گردیده است و بی مبالاتی این خانم اصلا در اثر نا آشنایی با وسایل برقی واز جمله برمه متذکره بوده است، دیگر اینکه خانم مذکور باید با پا های برهنه بالای ظرفشوی ایستاده نمی شد . و سا مان آ لات برقی خود را ذریعه یکنفر فنی حفظ ومراقبت اصلاح نموده شارتی را مرفوع میساخت.

بهمین ترتیب بسیاری ازکسانیکه با امور منزل سر وکار دارند در اثر خرابی اشتوپ و منقل برقی صدمه دیده ویا معمولا هلاك گردیده اند ، دسته پر پیان ، دیگ بخار وغیره باید معمولا بطرف عقب داش قرار داده شود در غیر آن بسر نوشت خانمی گرفتار میشودکه درآشپزخانه مشغول پختن و تهیه غذا بود که در اثر لغزش دستش به‌دسته پرپیا ن خورده و روغن های داغ پرپیان به بدنش ریخته جراحت و سوختگی ها را بار آورد و هلاکش گردانید .

بی احتیاطی در موقع سوختاند ن ذغال سنگ یکی از عوامل عمده‌وقوع حادثات خانواده بشمار میرود

ادویه جات باید همیشه محفوظ نگهداری شود و از دسترس اطفا ل خورد سال دور باشد زیرا یك طفل دونیم ساله در مونشن که تابلیت‌های «شینین» را دیده و به خیال‌چاکلیت بخوردن آنها پر داخت بعد از سپری شدن چند دقیقه هلاك گردید .

بدینگونه‌باید ادویه جات،پودرهای ضد حشرات ،مایعات تنظیفاتی‌لباس وغیره بدسترس اطفال قرار داده نشود .

مقادیر ادویه بزرگان برای اطفال نیز بسی او قات کشنده است .

زینه های شکسته چوبی بار ها باعث خطر گردیده ، اما در تر میم ونگهداری آنها توجه نمی شود و صحت وسلامتی اعضای فا میل را تهدید میکند و باعث صد ها واقعه نا هنجار میگردد .

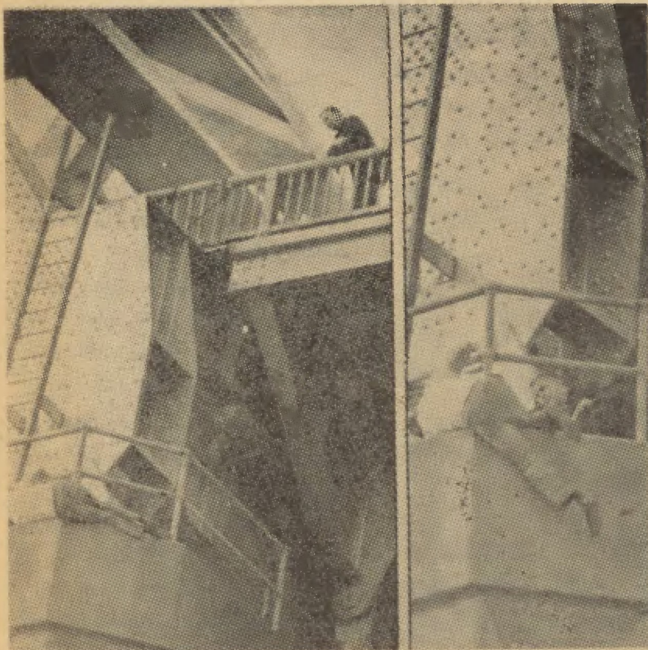
تنویر دهلیز ها ، حویلی،تحویل خانه وغیره خیلی ضروری است .

برای مرفوع ساختن خطر ازین ناحیه باید همیشه کوشش بعمل آید .زیرا تنویر کافی مانع لغزیدن و افتیدن گردیده از وقوع حادثات جلو گیری بعمل می آرد .

بعضا تشناب های منزل د راثر استعمال پودر و صابون لخشنده‌شده باعث افتیدن اعضای فا میل میگردد وسبب بروز حادثات نا گوار میشود که برای پیشگیری ازین گونه واقعات باید در تشناب ها دستگیره های ارزان قیمت نصب گردد .

مثلا یك رسام د رموقع شستن پا ها درتشناب افتید و به جمجمه‌اش صدمه شدید وارد گردید که باعث مرگش شد . بهمین صورت یکنفر هنگام حمام گرفتن به تیلفون جواب گفت و باعث هلاکتش گردید و شخصی توسط آبگرمی جان خود رااز دست داد .

اینگونه اطلاعات باید زنگ خطر باشد وما را متوجه بی احتیاطی های ما گرداند تا در انجام امور خانواده به حد کافی دقت وسعی بخرج داده شود و باعث تلفات جانی و ما لی نگردیده و اهل فا میل از خطرات مصئون بمانند زیرا خانواده جا ی آرامی و استراحت است نه جای‌خطر وحادثات مرگ آور .



قسمت اخیر

سرزمین بهترین گل گلاب جهان



درحال حاضر تجمع نفوس دریك کیلو متر مربع به ۷۸ نفر میرسد .

بلغاریای امروزی بین رودودنیوپ وبالقان (بلغاریایی هاآنرا پلانتین قدیم یاد میکنند) اصلا دراخیر قرن ۷میلادی بوجود آمده است سکنه بلغاریا نیز مانند مردم مجارستان در اصل زرد پوست اند که از آسیا بسال ۶۸۱ میلادی گذشته واولین حکومت بلغاریارا تشکیل دادند ولی بتدریج براثر آمیزش با سلاوها، نژاد دورگه ای درآن کشور پدیدار شده است که بیشتر به سلاوها نزدیك‌است. سلاوها ازقرن ۷میلادی دربلغاریا ساکن شدند سلاوها بعداز سالهای متمادی استقامت کلتور وزبان آنجارا پذیرفته ومردم ملت جدیدی را بوجود آوردند اماسکنه اصلی ایــن کشور بلغارها بودند که قسمتی از زرد پوستان مهاجم محسوب میشوند ونام کشور بلغاریا نیز ازآنان گرفته شده است درســال ۸۶۵ میلادی بلغارها مسیحی شدند از قضا دوقوه بزرگ همسایه امپراتوری بیـزانتین وسپس ترکها بالای این کشور فشار آورده در ۱۰۱۸ عیسوی قسمت شر قی بلغاریا به بیزانتین‌و متباقی متعلق به ترکها گردید این استعمار مدت ۱۷۰ سال ادامه یافت بالاخره در ۱۱۸۷ کشور مذکور آزادی خودرا بدست آورد .

اولین موسس حکومت دوم بلغاریا (آسسان) بود ، پایتخت آن بنام تیرنوویاد میشـــد . بهرصورت حکومتی بود بس قوی‌که تابحیره ادریاتیك میرسید ودر جریان جــهانگیر ی امپراتوران عثمانی روز ۱۰ جــنوری ۱۳۹۳ بلغاریا دوباره بتصرف ترکها درآمد وتاقرن ۱۹ استیلای عثمانی بربلغاریا ادامه داشت .

در۱۲ نوامبر ۱۸۷۸ میلادی بموجب معاهــده برلین بلغاریا استقلال داخلی یافت ولی‌هنوز جزء عثمانی بود ودر ۳۱ دسمبر ۱۹۰۸ میلادی استقلال کامل آن پذیرفته شدوورژیم سلطنتی مشروطه رااعلام کــرد و اولین پادشاه آن فردیناند اول نام داشت درجریان جنگ دوم جهانی بوریس دوم پادشاه بلغاریا مجبور به ورود درجنگ بنفع آلمان هیتلری وایتالیاشد ودارای متصرفاتی دربالقان گردید که بعداز شکست‌همه را ازدست داد زیراباوجود اعلام بیطرفی درسپتامبر ۱۹٤٤ عساکر شوروی به دنیوپ نزدیك شده ودر بلغاریا حرکت‌انقلابی شروع گردید بعداز آزادی صو فیه رژیــم سلطنت در بلغاریا خاتمه یافته و حکومــت دیموکراسی ملی بوجود آمد بروز ۱۵دسامبر دیرفرندم ملی جمهوریت را درایـــن کشور برقرار ساخت اکنون بلغار یا کشوریســـت دیموکراسی مردم وبزرگترین ارگان کشوررا شورای ملی یك حزبی تشکیل میدهد که به آراء عمومی هر٤ سال انتخاب میگردد .

بلغاریا را ازحیث ساختمان طبیعی بســه قسمت میتوان تقسیم کرد، وادی دنیوپ سفلی درشمال مملکت، کوههای بالقان و کــوههای رودوپ ووادی مرتزا . وبه عباره دیگربلغاریا به‌هردو طرف کوههای بالقــــان واقعست . کوههای بلند ۱۲ فیصد ساحه کشـــور را پوشانیده وساحه هموار ۳۱ فیصـــد خا ك بلغاریارادر برگرفته است درجنوب روددنیوپ کوهچه های هموار وپایین ترازآن تپه های بالقان افتاده است بلندترین نقطه کوههــای بلغاریا دارای ۲۳۷٦ متر ارتفاع وبنام بوتوی یادمیشود . بحیره سیاه درشرق ۳۸۷ کیلو متر بااین کشور همسرحد میباشد . بلغاریا کشوریست دارای دریاهای متعددکه بزرگترین آن رودودنیوپ میباشد که بفاصله ٤۷۱ کیلو متربارومانیه سرحدطبیعی راتشکیل داده‌است. بلغاریا دارای ۳۰۰ چهیل خرد وریزه ای‌بوده که بعضی ازآنهابهترین محل تفریحی رابوجود آورده اند .

بلغاریا باآنکه ٦ مراتبه ازکشور عزیز ما خردتر میباشد بااین هم درهر قسمت اقلیم معتدل ، گرم وخشك وقسمت جنوبی کشـور اقلیم تقریبا حاروی بری ودر نواحی‌کوهستان اقلیم کوهستانی نسبتا شدیدی دارد . درجه حرارت وسطی ماه جنوری درحدود دو درجـه سانتی گراد درجنوب واطراف بحیره اسـود ودرکوهستانات دو منفی سه درجه میرسد ولی حرارت وسطی ماه جولایی پایین تراز ۱۸درجه درقسمت های مرکزی وجنوبی کشور میباشد مقدار بارندگی وسطی سالانه در مناطق هموار به ٤۵۰-۷۰۰ میلی متر ودر کوههااز ٦۰۰ - ۱۲۰۰ میلی مترمیرسد . کمترین بارندگـی درپایان بهار ومقدار بیشتر آن در خــزان واوایل زمستان صورت میگیرد .



ازرهگذر تقسیمات اداری جمهوریت‌بلغاریا به ۲۷ نواحی اداری و۳ شهر بزرگ (صوفیه، پلودیف، وارنا) قسمت یافته‌است سوزوپول یکی ازشهرهای مهم بلغاریا بشمار رفته از رهگذر ماهیگیری وآرتستیکی حایز اهمیــت فوق العاده ای میباشد این شهر درقرن ١٤ میلادی اساس گذاری شده واز خصایص بارز آن صنعت‌حکاکی بوده ازچوبهای نفیس‌بهترین صنایع روستایی ساخته میشود درعین زمان شهر مذکور عمارات چوبی خیلی زیاد دارد که بامهارت خاصی ساخته شده وبنام مکتب دیبور یادمیشود .

روشنایی، رنگها وانعکاسات ادوار باستان دراین شهر بخو بی هویداست . کوچه های



باريك عمارات قديمی كنار همديگر، جالهای ماهيگيری فضای دلكش وجالبی رادر جهان توريزم بوجود آورده است باغات انجنير و انگور ازديوار های سنگی سر كشيده شهر اتموسفيرباستانی مهندسی قديمی خودرا حفظ كرده است كه يكی ازقديمترين شهر هـــای بلغاريا محسوب ميشود تار يخ اين شهـــر داستان رومانتيكی داشته كومونياليز هـــای يونانی درقرن ٦ قبل ازميلاد ازمحل ميلتور باين شهر آمده بنای آبادی رانمودند .

اوبيتا يكی ازمراكزمهم توريستيكی جوانان بين المللی بوده‌كه‌درناحيه‌عالی (پريمورسكو) موقعيت دارد اين اتحاديه همه ساله پروگرام های دلچسپی برای جوانان طرح وهرتابستان هزاران جوان از سراسر جهان باين محـل آمده رخصتی وايام فراغت خودرا به كمـال خوش درفضا صميميت وبرادری سپری ميكنند برای اين منظورعمارات عالی، هوتلها، پاركها ووسايل راحت بصورت عصری ومدرن درين ناحيه ساخته شده برعلاوه هرگونه وسايـل سپورتی وسرگرمی درهرگوشه وكنار آنجـــا مهيا ميباشد .

بلغاريا برعلاوه اينكه از جمـله ممالـــك توريستيكی اروپايی بوده درآثارتاريخـــی و معابد خودنيز شهرت جهانی دارد ريلاكه در ١٢٣ كيلومتری جنوب صوفيه موقعيت دارد نمونه ای از اين محلات تاريخی ميباشدكه در شاهراه بين‌المللی صوفيه، آتن قرار دارد. اين موناتوی بعداز آنكه د ر ٨٦٥ ميـــلادی بلغاريا رسما دين عيسوی راپذيرفت بوجود آمده است كه موسس آن ايوان ويلسكـــی

ميباشد وبعدا اركيولوجها اولين صومعه رادر جنگلهای ريلا متوجه شدندكه ورود در آ ن خيلی دشوار بودهم چنين درنيمه قرن دهـم قسمت بيشتر آن مشكوف گرديد . يادگار

های دوره سلطه‌ای عثمانی درقرن ١٤ ميلادی ازطرف شاهان بعدی بلغاريا حفظ ونگهداری گرديد بعدا استيفن دراگوول بنا های تاريخی قابل ملاحظه ای درپهلوی آن ازخوددر اين ريلا باقی گذاشت . درقرن ١٥ حمله تركها بربلغاريا شروع گرديده اين بناهای تاريخی ازنظر افتاده وپامال گرديد تااينكه در اوايل قرن ١٩ بلغاريا استقلال خودرا حاصـــل و وساختمان های تاريخی دوباره ترميم وآباد گرديدند كه باطرزوشكل خوبتری درآمدنـــد

وتاامروز بحال اوليه خود باقی مانده و از عجائبات ساختمانی بشمار ميروند .

اين موناستری جمعا ٣٢ هزار متر مربـع ساحه رااحتوا كرده و١١٤٧ متر ازسطح بحر ارتفاع داردكه دورادور آنرا ديواری مستحكم كه دارای دومتر ضخامت و ٢٤ متر ارتفـــاع ميباشد احاطه كرده است اين بناهادر شـب

وروز زيبايی خاصی دارند كه تماشاچی در حيرت مانده مات ومحو ميگردد . عمارات عالی معابد باشكوه بارواق وتاقهای ملون آرت و صنعت قديمی، فواره ها ومرمر های سيم‌فام آنجااز هرحيث تماشايی وقابل توصيف‌است. برج هريلوكه در ١٣٣٥ ميلادی ساخته شده است دارای ٢٣ متر ارتفاع بـوده يـكی‌از بهترين نمونه های اركتيكت محسوب ميشود. عبادتگاهی بنام حضرت عيسی (ع) كه بطرز خاصی مزين وبنايافته است در طبقه چهارم برج مذكور جاه دارد ورسامی رواق‌آن‌ازقرن ١٤ ميلادی نمايندگی ميكند. كليسای مركزی كه ازبهترين كليساهای بلغاريا محســـو ب ميشود درمركز اين موناستری قرار گرفتـــه است‌كه دقيقترين صنعت حجاری وحكاكی در آن كارشده است ونمونه‌قدرت دست وحوصله بشررانمايندگی ميكند درپهلوی آن سالـــون مهمانخانه ازچوب های نفيس ساخته شده كه قرنها پابرجاست آشپزخانه آن درجوار بنـا يافته ، برای مسا فرينيكـه جهت عبادت از نواحی دورونزديك بدين محل می آمدند غذای كافی ووافری تهيه ميكردند برعلاوه اتاقهای متعددی دراطراف اين صومعه بنا يافته است كه هركدام برای مطلب خاصی بنايافته اند. كتابخانه موناستری شامل بيش از بيست‌هزار جلدكتب قديمی‌خطی‌وچرمی بوده موزيم‌مركزی اتنوگرافيكی كه ازحيث آثار تاريخی خيلـی غنی ميباشد بابسياری از كليساها ومعابـد كوچكی كه درقرون ١٥ و١٨ ساخته شده اند همه دورهم تجمع كرده اند خلاصه اين بنا ها يگانه سرمايه سرشار بلغاريا رااز رهگـذر توريزم فراهم ميسازد . «ختم»



شعر...

کعبه امید

ای خدا این وصل را هـجران مکـن
سر خوشان عشق را نـالان مکـن
باغ جان را تازه وسر سبـز دار
قصد ایـن بستان ایـن مستان مـکن
چون خزان از شاخ وبرگ دل مزن
خلـق را مسکین و سر گـردان مکن
بر درختـی کـا شیان مـر غ توست
شاخ مشکن مـرغ را پـران مکـن
جمع شمع خویش را بـر هـم مزن
قصد ایـن پـروانـه حیـران مـکـن
کعبه اقبال مـا ایـن در گه است
کعبـه امیـد را و یـر ا ن مکن
نـیست در عالم زهـجران تـلخ تـر
هر چه خواهی کن ولیکن آن مکـن

مولینای بلخی

آرزو

کاش بر ساحل رودی خاموش
عطر مرموز گیاهی بودم
چو برآنجا گذرت میافتاد
به سراپای تو لب میسودم

• • •

کاش چون نای شبان میخواندم
به نوای دل دیوانهٔتو
خفته بر هودج مواج نسیم
میگذشتم ز در خانه تو

• • •

کاش چون پرتو خورشید بهار
سحر از پنجره میتابیدم
ازپس پرده لرزان حریر
رنگ چشمان ترامی دیلم.

• • •

کاش دربزم فروزندهٔ تو
خنده جام شرابی بودم
کاش در نیمه شبی درد آلود
سستی ومستی خوابی بودم

• • •

کاش چون آئینه روشن میشد
دلم از نقش تو وخندهٔ تو
صبحگاهان به تنم میلغزید
گرمی دست نوازنده تو

• • •

کاش چون برگ خزان رقص مرا
نیمه شب ماه تماشا میکرد
در دل باغچه خانه تو
شورمن ، ولوله بریا میکرد

کاش چون یاددل انگیز زنی
میخزیدم بەدلت پر تشویش
ناگهان چشم ترا میدیدم
خیره برجلوهٔ زیبایی خویش
کاش در بستر تنهایی تو
پیکرم شمع گنه میافروخت
ریشه زهد تو وحسرت من
زین گنه کاری شیرین میسوخت

• • •

کاش از شاخه سرسبز حیات
گل اندوه مرا میچیدی
کاش در شعر من ای مایه عمر
شعله راز مرا میدیدی

شعر از: فروغ

ادبی ټوټه :

دیاردیدن

زما خوږه یاره !

کله چه دی وینم، نـو ټـو لورځنی کارونه راځخه پاتی شی، او زړه می غواړی چه تا له ورځ تا نه‌وګورم .خو هر څومره چه در تـه ګورم. هغو مره می زړه نه‌رانژدی‌کیږی. او په هر ځل دی له لیدو بیل خوند اخلم .

ګرانه آشنا !

ما ته یوازی ستا لیدل تر هرڅه‌زیات دی ، او زما دی ټش لیـد ل آرزو ده .

خوته ! زما په آشنا یی نور نورګومانونه کوی. او ټش دیدن دی هم په ما سپموی. او هر دیدن دی لـه‌نازونو او نخرو سره ملګری وی. مګر زه دی له مکیزونو هم خونـــداخلم ،

خو ګوره زما دزړه سره آشنا!! چه دیدن لورینه دی‌پرما تل اوسه! که څه هم له نازونو او نخرو سره‌وی. خو که هر څو دی ښکلی مخ‌نه ګورم. به لیدو دی نه مړیږم. اوددی‌لندی په استناد دی له دیدن‌نه‌زړه صبروم :

دیدن دبادو پیمانه ده
نه‌به پری موړشی، نه‌به وتږی‌بارونه «س ،ل»

دعاشق پیغام

که ساقی په کر شمو باده په جام کا
صو فیان به محبت له می مدام کا

که دخال دانه د زلفو په دام کښیږدی
بی حساب دز ړو مرغو نه به په دام کا

په مستی کی که حجاب له مخه واخلی
په خندا به قرار زړو نه بی آرام کا

بل شوم رقیب له حاله آگاه نه شی
په ابرو دعاشقانو ته پیغام کا

سرو پاتو په خپل ځای شی له حیرته
محبوبا چه و گلزار و ته خرام کا

نرگس پورته کتی نه شی له خجلته
هم لاله یی له ادبه احترام کا

قراری به دبلبل په دود نه مومی
چه نظر په دغه هسی گل اندام کا

هغه زړه چه دنا موس په حلقه بندوی
محبت به یی فارغ له ننگ ونام کا

همیشه به یی زړه خلاص وی له اندوهه
هرچه مینه پر شراب لعل فام کا

خام طمع زاهد شه پاتی په انکار کی
به پخته شی که نظر په می خام کا

چه یی ځان د آزادی وملك ته ویو ست
کریمداد به په خدمت ورته قیام کا

« کریمداد روښانی ددو لسمی پیړی شاعر »

جنون عشق

روزی روم زپیش تو وازدیار تو
باياد خاطرات تو ويادگار تو
لیکن ندانم اینکه چسان بگذردبه من
آن روز های تلخ
وان شام های تار
که دور از نگاه تو
بارنج بی ثمر
بادرد ناامیدی وياد جنون عشق
باز هرنامرادی این عشق ناتمام
آری ندانم اینکه چسان بگذرد بمن
دوراز وفا ومهر
در شهر نامرادی ودنیای بیکسی
لیلا سرشار روشنی

اولسی ادب :

سپینکی مخ

دید دی چه ونه کړم ټوله ورځ وی په ماغم
یو ځل که را ښکاره کړی سپینکی مخ دزړه ملهم

* * *

ستادر کښی زه ولاړ یم دديد ندپاره یاره
داسترگی را ښکاره کړه که نه مرم د خدای دپاره
په هجر کی دی سو ځم نا زنین نه یی انگاره
ارمان می را پوره که نوردی پرېږده خپل ستم

* * *

دلبره را پخلا شه زیاتی مه کړه رانه خنک
هجران کی دی کړېږم داجهان شوراته تنگ
ته شمع یی جانانه زه یم ستادمخ پتنگ
چه شمع را ښکاره شی پتنگ ځان کړی یو برهم

* * *

راځه ای کبر جنه یاره پرېږده ظلم
لږ رحم په ما وکړه ستا غمو نو کړم تك تور
بشر چه دی راياد شی نو زړگی می کوی شور
چه تا سره یم وصل څه کوم درد وا لم

* * *

چه ته راسره سم شی نو پوره به مدعا شی
هم ورکه به په ما پوری دغیر غماز خندا شی
دا ستا له لورینی به په ما جهان رڼا شی
غمونو نه به خلاص شم هر يو كار به می وی سم

«شئین»

تودر آواز خروسان بودی!

همه را می دیدم
که توامی طلبیدند به اندازه بانگی که
سحر می طلبد .
تا فروافتند از چلهٔ شب .
وبه اندازه آبی که گیاه
کم کمك می طلبد
تاسپیدار سپیدی باشد.
وبه اندازه خوابی که صدف -
تاکه مرواریدی ...
تو هوا بودی وخورشید، ویامرگ بلند ؟
برگ ودریا وزمین -
همه را می دیدم
که توامی طلبیدند به آواز غمین
ازچراغی که درین ایوان سوخت
تااجاقی که در آن تاریکی .
تودرآواز خروسان بودی.
کاش بر جسم تومی لغزیدم.

پیوسته بگذشته

فریادهای مرگ

من جواب دادم : آری پلیس یکنفر را توقیف کرد... لئورانس ریدینگ را پیر زن بعجله گفت :

– لئورانس ریدینگ را ؟.. عجب، حالانکه من ...

گریزلدا باناراحتی حرف اورا قطع کرده گفت: من هنوز هم با ور نکرده ام البته لئورانس به ارتکاب جنایت اعتراف کرده ولی بازهم این قضیه از نظرمن قابل قبول نیست .

میس مارپل گفت: آیااعتراف هم‌کرده است؟ گفتید اعتراف کرده است ؟ حالا من می فهمم چقدر در اشتباه بوده ام ... آری خیلی خیلی دراشتباه بوده ام .

گریزلدا: ولی من یقین دارم‌که این حادثه اتفاقی است . لن، آیا توانیطور فکر نمیکنی؟ من این نتیجه رااز روی عمل اخیر او گرفتم یعنی رفتن وبه پلیس اعتراف کردن .

میس مارپل باکنجکاوی بسوی او برگشته پرسید: وسام خودش تسلیم شده ؟

– آری .

میس مارپل آه عمیقی کشیده گفت: خیلی خوشحال شدم واقعا ازاینموضوع خاطرم‌راحت شد .

من باتعجب به اونگریسته گفتم : طبعا این موضوع بیانگر احساس ندامت آن جوان است.

میس مارپل درحالیکه علایم حیرت درچهره پدیدار شده بود اظهار داشت :

– احساس ندامت ؟ آه پدر مقدس، امیدوارم شمااین جوان را حقیقتا قاتل تصور نمی‌کنید .

این بار شگفت زدگی نوبت من بود. گفتم: بدلیل اعترافی که کرده است .

– درست است ولی آیا همین ثابت نمیکند که وی باحادثهٔ قتل هیچگونه ارتباطی ندارد؟

– خیر، من شاید کمی عقب مانده فکر میکنم ومغزم زودکار نمیکند مع ذلك این اعتراف هیچ راهی بسوی بیگناهی رسام باز نمیکند . کسی‌که مرتکب جنایتی نشده چه اجباری دارد نزدپلیس بشتابد وخودرا قاتل قلمداد کند ؟

– البته این کار میتواند برای خود دلیلی داشته باشد . همیشه برای هر کاری یك علت وجود دارد. مگر اینطور نیست ؟ مردان جوان خیلی احساساتی هستند ودایما درمورد هرچیز پهلو های بدی راانتخاب میکنند . سپس بطرف گریزلدا نگریسته گفت: آیاشما بامن همفکر نیستید عزیزم ؟

گریزلدا زیرلب جواب داد :

– نمیدانم . درست نمیتوانم در اینباره فکرکنم . ممکن نیست آدم بفهمد علت این حرکت احمقانه لئورانس چیست ؟

من اینطور داخل صحبت شدم :

– اگر دیروز شام چهرهٔ اورا میدیدید ...

میس مارپل گفت: ادامه بدهید .

برای اولحظه باز گشت خودرا شرح دادم وزن پیربه دقت گوش فرا داد . وقتی توضیح من بپایان رسید، اوگفت : میدانم گاهی‌حماقتم گل میکند ونمیتوانم هر چیزی رابه آسانی قبول کنم وحالاهم درست نفهمیدم منظورشما چه بود . اگر یك شخص برای انجام گناهی بزرگ آماده شد. ومرتکب قتل می گردد پس از ارتکاب قتل نباید آنقدر هراسان و آشفته احوال بشود. زیراکاری‌که انجام میدهد مقتضی خونسردی زیاد است تاپلانی که در ذهن خود ترتیب داده بمرحلهٔ عمل درآید . طبعا قاتل کمی وحشت زده شده اشتباها تی ازاو سر میزند اماآن چیز دیگری است وجانی هیچگاه چنانکه شماتعریف میکنیدباسراسیمگی ودستپاچه در برابر کسان ظاهر نمیشود .

اعتراض کردم: مااوارد جزئیات نیستیم . احتمالا آنها گفتگوی شدید کرده باشند و لئورانس پروتیرو رادر یك لحظهٔ عصبانیت شدید به قتل رسانده باشد وبعد در برابر عملی که انجام داده، دستپاچه شده است . راستش من ترجیح میدهم اینطور فکر کنم .

–من میدانم بعضی ازانسانها برخی چیزها راترجیح میدهند، آقای کلمنت . ولی لازم است حقایق پیش نظر قرار داده شود . آیا اینطور نیست ؟

وقایع وحوادث هیچگاه دنباله روپندار شما نمیشوند . خدمتگار تان اظهار داشته که آقای ریدینگ پیش از چند دقیقه در خانه نمانده است وبرای گفتگو ودعوایی که شما تصور آنرا دارید، درهرحال وقت بیشتری لازم بوده است . بعلاوه تاجائیکه من شنیده‌ام آقای پروتیرو درحالیکه مشغول نوشتن پیامی بوده به مغزش فیر شده است . اینموضوع راملازم من بمن اظهار داشت .

گریزلدا گفت : این موضوع درست است. وی مشغول نوشتن پیامی بوده که گویا میخواسته بنویسد بیش ازآن منتظر مانده نمیتواند . دربالای کاغذهم ساعت را قیدکرده ونوشته شش وبیست دقیقه . ساعت روی‌میز هم افتاده وروی وقت شش وبیست ودودقیقه توقف کرده است . وآنچه که من ولن راهم بحیرت افکنده همین موضوع است.

پیرزن زیرلب گفت: خیلی عجیب است . ولی موضوع پیام واقعا مرامتعجب می‌سازد. یعنی ...

سپس خاموش شده نگاهی‌به اطراف خود افگند. لتیس پروتیرو درآستانه درب شیشه‌یی ایستاده بود . دختربه اتاق داخل شده با اشارهٔ سر بماسلام داده صبح بخیر گفت . سپس روی یکی ازگوچها افتاده با لحنی جاندار تر وبا نشاط ترازهمیشه اظهار کرد : نظربه شنیدگی لئورانس ریدینگ را توقیف کرده اند .

گریزلدا باسر تایید کنان گفت : آری واین خیلی باعث تاسف ماشد .

لتیس گفت: راستش هیچ بفکر من نمی‌آمد که روزی کسی پد رمرا بکشد . یقین دارم خیلی هامایل بودند اورااز بین ببرند حتی شاید خودم حاضر بودم باشتیاق این کارورا انجام بدهم .

خونسردی وسخت دلی دخترك واقعا شگفتی آور بود. گریز لدا پرسید :

– چیزی نمی نوشی لتیس ؟ ویانمیخوری؟

– خیر، متشکرم . آمدم بپرسم آیا من کلاه پوست خودرا اینجا فراموش کرده ام یاخیر؟ شکل عجیب ورنگ زرد دارد. تصور میکنم دیروز آنرادر اتاق کار شما فراموش کرده باشم .

گریزلدا جواب داد: اگر اینطور است باید کلاه تاهنوز آنجا باشد زیرا ماری عادت به جمع وجور کردن اشیا ندارد .

لتیس برپا خاست وگفت : بروم نگاه‌کنم. ازینکه شمارا ناراحت کردم معذرت میخواهم. ولی من مطلقا به‌گم‌کردن کلاه های خود عادت کرده ام .

من داخل حرف شده گفتم : می ترسم کلاه خودت را نتوانی امروز بگیری .

زیرا مفتش سلاك درب آن اتاق را قفل کرده است .

– آه، چه ناراحت کننده ! خیلی خوب ولی آیا نمیتوانم ازدرب شیشه یی که به حیا ط باز می شود، داخل شوم ؟

– خیر، زیرا آن ازداخل بسته است . درهرحال این روزها فکر نمیکنم بکلاه زرد زیاد احتیاج داشته باشی .

– یعنی منظور تان پوشیدن لباس عزاست؟ من ازآنها یی نیستم‌که لباس عزا دربرکنم‌از نظرمن این یك عادت کهنه وبیمورد است در هرحال مساله لئورانس واقعا خیلی بد شد. سپس ابروها رابالا کشیده نگاهی به اطراف خود افگند وافزود: بهر صورت علت اصلی واقعه من ومایویم است . واین جدا خیلی مزخرف است .

گریزلدا دهان باز کرد چیزی بگوید ولی معلوم نشد بچه علتی حرفی ازآن بیرون نیامد . لبان لتیس ازتبسم معنی داری پرشد وبه آرامی گفت: بخانه رفته به آن خبرمیدهم که لئورانس توقیف شده است . این راگفته ازراهی که داخل شده بود ، بیرون رفت.

گریزلدانگاهی به میس مارپل افگنده وگفت: چرا پنجهٔ پای مرافشار میدهید ؟ پیر زن تبسم کنان جواب داد :

چون دیدم شما می خواستید چیزی بگوئید، باین دلیل پای تانرا فشردم عزیزم . بعضا دربرابر حوادث صبور بودن وانتظار تنظیم‌خود بخودی آنرا کشیدن، امری صواب است . لتیس راهرگز تصور نمیکنم آنقدر پریشان باشد حتما اودر ذهن خود فکر خاصی دارد و اوبدنبال همان مفکورهٔخود روان است .

دراینموقع ماری تك تك زده داخل شد و مالچت، مامور پلیس منطقهٔ ماست . فورا ازجا بلند شد م وموقعی‌که من ازاتاق بیرون میرفتم، همسرم دگرباره متوجه پیرزن گردید. گفت : جگرن مالچت آمد.

جگرن مالچت رویهمرفته افسر شیك پوش

وظریفی است‌که موهایی قرمزی، نگــا هی هوشیارانه وچشمانی برنگ آبی تیره دارد همینکه داخل شد، گفت :

ـ صبح بخیر، آقای کلمنت . واقعهٔ بـدی اتفاق افتاده، هرچند من ازین پروتیروی پیر وبدبخت کسی که اورا دوست داشته باشد ، وجود ندارد . موقعیت شما هم درین جریان زیاد تعریف ندارد وامیدوارم همسر تــا ن ازین حادثه شوك نگرفته باشد .

وقتی به اوتعریف کردم که گریزلداجریان راخیلی باخونسردی استقبال کرده است،گفت:

ـ این طور خیلی بهتر است . حـدوث یك واقعهٔ جنائی درمنزل شخص واقعا پیش آمد خوبی نیست وراستش من از اینکـــه ریدینگ جوان به‌این شکل مرتکب جنایــت شده، شگفتی زده شدم زیراهیچ بفکر اینکه شما دچار دردسر میشوید، نبوده است .

نزدیك بود خنده ام بگیرد ولی معلوم میشد جگرن مالچت هرگز باین فکر نیست که یك قاتل درحال جریان کار نمیتواند تفکر درست داشته باشد. ازین لحاظ جلوخنده‌ام راگرفتم. مالچت روی یکی ازکوچها نشسته اینطور به سخنان خود ادامه داد: من ازینکه رسام نزد پلیس رفته وبه جنایت اعتراف کرده است، واقعا متعجب شدم .

ـ جریان ازچه قرار بود ؟

ـ ساعت ده شام دیشب رسام وارد دفتر پلیس شده تپانچهٔ خودرا روی میز نهـاده وگفته است : اینك آمدم وجنایت راهم مـن مرتکب شده ام .

ـ خوب علت کار خودش را چگونه توضیح داده است ؟

ـ زیاد حرف نزده فقط گفته است که برای دیدن شما وارد اینجا شده وبا پروتیروروبرو گردیده است . نخست گفتگو کرده اند وبعد ریدینگ عصبانی شده وبطرف اوفیر کـرده است ولی علت گفتگو ومشاجره رادر ابهـام قرار داده . توجه بفرمائید آقای کلمنت، این موضوع میان خودما بماند آیاشما چیـزی ازینموضوع میدانید ؟ من بعضـــی شا یعات شنیده بودم یعنی درمورد اینکه پروتیرو ، ورودرسام رابه منزل خودش منع کرده بود. آیارسام لتیس رااز راه برده بود ؟ راستش مانمی خواهیم این دختربه دردسر بیفتد ولی آیا حقیقت مساله همین است ؟

جواب دادم، خیر. اگر ازمن میشنویدجریان بکلی غیراز ین است ولی درحال حــاضـر نمیتوانم توضیح بیشتری بدهم .

سرخودرا بعلامت تاسف جنبانیده ازجابلند شده گفت: از لطف شما خوشنود شـــدم . اینجا وآنجا یکسلسله روایات روی زبانهـا میگردد. درین دهکده تعداد زنان بیشتر است وبهمین دلیل شایعه هم زیاد میشود . خوب درهرحال من دیگر باید بروم. لازم اسـت دوکتور بایدوك راببینم . چندلحظه قبــل وقتی سراغش راگرفتم گویا ببالین یکی از بیماران خودرفته بودولی درین ساعت حتمـا برگشته است . راستش رابگویم، من دلــم بحال ریدینگ می سوزد زیرامن همیشه اورا جوان شریف وآقامنش تشخیص داده ام .

امیدوارم وکیل مدافعش بتواند از او بخوبـی دفاع کند مثل ازقبیل خرابی اعصاب یاعارضهٔ جنون آنی . خصوصا پس ازآنکه روشن شد سبب مهمی درمیان نبوده‌است . اکنون مرخص می شوم. میل دارید بامن بیائید ؟

ـ طبعا .

ایــن راگفته هردو ازخانه خارج شدیـم .

دوکتور بایدوك درویلایی که نزدیك منزل ما واقع بود، اقامت داشت . ملازمش باذکراینکه دوکتور هم اکنون برگشته است ، مارا بداخل منزل هدایت کرد. دوکتور پشت میز صبحانه نشسته مشغول خوردن تخم وژامبون بـود . باشاره سر بمن سلامی دوستانه داد وافزود: ازاینکه ناچار شدم بیرون بـــر وم معذرت می خواهم . قضیهٔ یك زایمان بود. در هر حال تمام شب رامصروف مطالعهٔ امور مربوط بشما بودم وگلوله رااز مغز مقتول بیـرون آوردم .

قطی کوچکی رادرروی میز بطرف ما پیش [illegible] گفت: (کالیبر ۲۵ است) .

دوکتور بایدوك سرتکانداده تایید کـرد : آری . تفرعات تخنیکی آنرا برای روزبازپرسی محفوظ نگه میدارم ولی آنچه دانستنش برای شما لازم است الساعه در اختیار تان میگذارم. مردك درنخستین لحظه مرده است . راستی‌این جوان دیوانه چرا بقتل پرو تیرو اقدام کرد؟ وهم اینکه کسی صدای فیرراشنیده ، خیلی تعجب آور است .

مالچت تصدیق کرده گفت: آری ومنهم‌ازین امر متعجبم .

بقیه درصفحه ۶۳





روان شناسی

شرط اساسی زندگانی خوب عادات خوب است

اگر اکثر عادات شماخوب ومطلوب باشد به یقین زندگانی سعادتمند ی دارید . این مطلب بسیار صحیح ومنطقی است زیرا که بسیاری ازکار های روزانه ، بر حسب عادت صورت میگیرند .

روانشنا سان به این عقیده هستند که شخص ازیك سلسله عادات ساخته شده است .

برای اینکه زندگی خوب و آرام داشته باشیم هرکس باید کمی در خود تعمق کند وپروگرام زندگی خود را از نظر بگذارند و فهرستی از عادات خود تهیه نماید . وملا حظه نماید که این عادات آیا بسعادت وی در زندگی کمك میکند یا خیر ؟

عاداتیکه تا اندازه در سلا متی انسان مؤثر هستند و ارتبا ط مستقیمی د ربهبود زندگانی انسان دارد عبارتند از : خوردن، خوابیدن، آشا میدن و نظافت است .

پیشنهاد های ذیل برای ایجادیك

بقیه درصفحه ٥٦



اولین روز رفتن به مکتب



بردن کودك و شامل شدن آن به مکتب در روز های اول بعضا موجب مشکلات برای والدین کودك میگردد چه کودك از محیط خانه بیك محیط نا آشنا پا میگذارد ودر آن محیط با کودکان دیگر که هیچگونه آشنایی وتماسی در گذشته ندا شته ا ست ترس وبیزاری ازین محیط برا یش ایجاد میگردد و کودك از آن تاحدی امکان، دوری وگریز می نماید . واین دوری وبیزاری بعضاً سبب مشکلات مادر وپدر میگردد .

چون هیچ پدر و مادری نمی خواهند طفل شان بی سواد و بی دانش بار آید ازین روبه هروسیله که امکان داشته باشد کوشش میکند که کودك شانرا وادار سازد که به مکتب برود و با این محیط نو آشنا شود . و بعضا اتفاق افتاده که کودك از رفتن به مکتب امتناع می ورزد و لی والدین کودك باقهر وغضب حتی بالت وکوب کودك را وادار میسازد که به مکتب برود. در حالیکه میتود تعلیم وتربیه امروزی این شکل را مر دود دانسته و هرگز اجازه نمیدهد که با کودك با این شیوه رفتار شود .

برای آنعده پدر و مادران که طالب سعادت آینده اطفال شان اند وآرزو دارند که کودکشان با سواد بار آیند خاطر نشان میشود که ابتدا قبل از اینکه کودکشان به سن هفت برسد باید کودك راباوسایل مکتب ومدرسه آشنا ساخت تا کودك طور ناگهانی غافلگیر نشود .

در قدم دوم کوشش گردد که برای کودك رفیق جستجو گردد که در خارج از مکتب وصنف باوی در تماس باشد بطور عموم برای والدین لازم است که جداً از هرگونه تشدد باکودکان درین راه خود داری شود. اگر کودك هر قدر با ملایمت و خشرویی رفتار شود وکودك تشویق گردد به همان اندازه بیشتر علاقمند میگردد و به رفتن به مکتب و صنف دلچسپی نشان میدهد .

خبر گیری وکمك نمودن طفل به درس ها یکی از عوامل است که کودك را به مکتب علاقمند میسازد و سبب پابندی آن با این محیط میگردد .

از آداب معاشرت

یکی از شرایط آداب معاشرت این است که هرگاهی دربازار وياد ر جاده ها با رفیق و یا رفقا گردش میکنید سعی کنید با ملا قات شخص یا اشخاص دیگر رفیق یا رفقا خود رابیجا معطل نسازید . اگر با کدام دوست و یا کدام آشنایی در عرض راه تصادف میکنید صرف به احترام مختصر اکتفا ورزید وبگذرید نه اینکه خود را از رفقا جدا و با دیگری در حالیکه همه انتظار شما را می کشند به صحبت طولانی بپردازید.

د رهمه دعوتها و محافل مخصوصاً در محافل رسمی بایست توجه خاصی بکار برد تا جای خود را شناخته وبنشینید ، اگر کارت دعوت شما نمره دارد باید جای تعیین شده رااشغال نماید و اگر کارت شما نمره ندارد باز هم با توجه بحال خودبه یك نظر میتوانید جای نشستن خود را پیدا کنید . اگر شما این نکته را رامراعات نکنیدوجای خودرانشناخته درنظر مردمان سبك وبی تربیت جلوه میکنید .

یک رشته مروارید

– عموما اشخاصیکه زیاد میدانندکم حرف میزنند و کسانیکه کم میدانند پر حرف هستند .
«ژان ژاك روسو»

– هر چه تمدن جلو تر میرود ، قدرت فردی کمتر میشود.
(ارتل هیلس)

– کسانیکه مخالف آزادی‌دیگرانندخود لیاقت آزادی را ندارند .
(لینکن)

– ما به خاطر حفظ و بقای‌آزادی‌مبارزه میکنم ما مخالف هیچ شخص وملت وهیچ سیستم نیستیم.
ولی با آنانیکه مخالف آزادی‌قیام‌میکنند مخالفت می نمایم :
(جان اف کنیدی)

– تا هنگا میکه همگان خوشبخت‌نباشند . هیچ فرد به تنهایی معسود نخواهد بود .
(هر برت سپنر)

– تا که همه گان آزاد نباشند .هچکس از مزا یای آزادی کامل بر خور دار شده نمیتواند، تاوقتیکه‌همگان صاحب اخلاق نیکو نباشند هیچکس بطور کلی شرافتمند با قی‌نخواهد ماند .

(هربرت سپنر)

– چشم گریان دیگران را بانگاه‌های مسرت آمیز تبدیل کردن لذت بخش ترین خوشبختی هاست .
(بودا)

– باید فهمید که قانون درچه‌کیفیتی وضع شده و هرگز نباید قوانین رااز کیفیتیکه در آنها وضع‌شده جدا نمود.

(مو نتیسکو)

(فرستنده : نریمان ،ن)

اندیشه‌های جوانان

شاغلی محمد امان:



داشتن تصمیم قاطع و خلل‌ناپذیر از خصایل عمده یك جوان است .

جوان باید سمبول فداکاری ، صداقت و امانت داری دربین مردم خود باشد .

جوان دارائی یك بینش علمی‌بوده شرایط زمانی و مکنی خود را درك وپدیده های ماحول خود را پیوسته بر اساس واقعیت های عینی تجزیه وتحلیل نماید و پایه های علمی بینش خود را پیوسته استوار تر ومتین ترنماید. روحیه انتقاد وانتقاد پذیری سالم و مثبت را در خودپرورش دهد .

جامعه ومردم خودرا بشنا سد ،از موقف خطیر سازندگی خود در جا معه آگاهی کامل داشته باشد .

وبالاخره نقش خود را در جهت‌بر آورده ساختن آر مانها وخواسته های مردمش ودر جهت عمران وپیشرفت وطنش آنطوریکه تاریخ برایش محول کرده و آنطوریکه مردم‌ازوی توقع دارند به وجه احسن‌ایفا نماید .



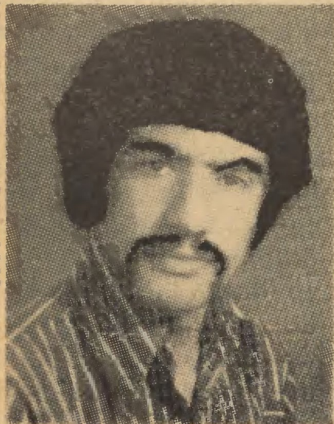
اسداله «شبرنگ» متعلم صنف ۱۲

جوانی مانند نهالی پرثمریست که درهمین موسم باید ازآن حاصل گرفت.

وقتی یك دهقان نهالی رادر زمین غرس می کند وهمیشه ازآن وارسی می کند به‌فکر آن است که روزی ازحاصل اش استفاده کند امااگر همین دهقان بداندکه نهالم در جوانی کدام حاصلی نمی دهد هرگز ازاو وارسی نکرده وهرگز این نهال بی ثمر رادر زمین غرس نمی کند ا–

به عقیده من جوانیکه به زندگی اش علاقه دارد به فامیلش علاقه دارد به کشورش علاقه دارد باید درهمین موسم از هیچگونه سعی وتلاش که درآن منفعت همگانی نهفته باشد دریغ نه ورزد.

نجیب اله«رهنورد»



بعقیده من نخستین اصلی که هر جوان باید ازآن برخوردار باشد عبارت از داشتن حس وطنپرستی ، ایثار و فدا کاری است که هر جوان به مفهوم واقعی آن به این اصل معتقد می باشد .

دومین رسالت ملی نسل جوا ن عبارت از احترام به اصل وظیفه ، اجرای آن به بهترین صورت ممکنه ومبارزه با خرافاتی که بر مبانی سست استوار شده میباشد .

مود جوانان

جدید ترین طرح‌از خیاطان‌پاریس با فرا رسید ن فصل سر ما طرا حها ن پا ریس چند مو د ل زیبا ی پطلون رابرای علا قمندا ن مودعرضه داشته است.

این شش طرح کاملا جدید از‌طرف بسیاری جوانان پا ریس‌مورد استقبال قرار گر فته است.

طرا ح‌که این‌مود لهازا تهیه‌نموده است کوشش‌نمود که‌ذوق و علا قه جوانان رابابن چند طرح جلب‌نماید نکته ایکه قابل یاد آوریست این است که‌این شش طرح برا ی هر نوع‌ذوق‌قابل پذیرش است واستقبال جوانان پاریسی‌ازین طرح ها خود ثابت میسازد که طرا حان‌تا چه اندازه در کار خو یش مو فق بوده است.



بلاك شمه ثبت ونمایش ها ایجاد
وگرام بصری مقابل دید

مترجم دیپلوم انجنیر سروری

ساختن گرامافون هائیکه خواننده در آن دیده میشود

کانسرت بکمك صفحـــا ت ریکاد اولین صفحه ریکاد قا بل دید ۱۹۷۰ سا خته شده است اولین تایپ ریکاردرقابل دید درسال سا خته شده است شعا ع لازیر وظیفه سوزنك رادر یك قسم ن اجرا می‌نماید .

صد سال قبل صـــدای جرنگ او لین دستگـــــاه رت (فونو گراف) که ذریعه یسون خوانده‌شده بود در عالم‌مشهورومخترع بزرگ فر ازقسمت های مختلـف ابخود جلب کرده بود اگر ن سا لهای گذشته‌سلندر مومی اوسیون به ریکا رد دوره ای پ لاستیکی تبدیل جای دستگاه ضبط صو ت گرا مافون سابقه وغیره۔ گراما فون عصری ومودرن ر گونی های جدید صفحه رد سبب هیجانات حتی با جوده تخنیك که با آنهـا ته شده است.

ن ۱۹۷۰ کمپنی تیلفون‌کن ك» اعلان کرده بودند کـه ی مشترك سیستم ثبـــت ی درصفحه ریکارد ساخته توان در تیلویز یون های ه وصل کرد زمان احرای درین صفحه ریکاد به ۵ دقیقه می رسد.

ضربه جوابیه به رقبای خو یش۔ صاحبان امتیاز فلپس وارد سا خت این کمپنی بصورت محرم ومخفـی از برادران الکتروتی خو یش مشغول تهیه تخنیك ثبت قابل دید خانه‌یی گردید درسپتا مبر همان ســا ل ۱۹۷۰ کمپنی هالندی سیستمی را برای ثبت وتولید گرام صو تـــی وقابل دید که‌زمان فعا لیت آن بـه ٤٥دقیقه می رسد ساخت‌ها ما بـا مشکلات تعداد رقابت های کمپنی های مذکور ذکر کرده می توانیم وفقط‌یك‌چیز برای‌ما واضح‌است که‌اگر چه کمپنی هالندی تاالحال مقام‌اوای رادارااست باآنهم باانجام رساند ن این مفکوره به‌یك عده مشکــلا ت تخنیکی دچار ست تااینکه خریداران ثبت صوت قابل دید ازین اختراع جدید ودلچسپ تخنیك بتوا نـــنـد بصورت اعظمی مستفید شو ند.

هم‌چنان دردستگاه ضبط صو ت، عکس‌هایی‌را میتوان‌بکمك ترتیبات۔ مخصو ص‌نقل دهنده مشا هده کرد وتا اکنون برای این مقصداز فیته مقنا طیسی استفاده می گردید وفقط این مو ضوع اسا سات امـروزی ثبت ستودیو های تیلو یز یو نی‌تمام جهان را تشکیل داده است.

به همین پر نسیپ بطور مثـال اولین تایپ ریکاردر قابل دید اتحاد شوروی‌از طرف اتحادیه اوپتیـــك ومیخانیك لیننگرادساخته شده‌است اولین نمونه این تایپ ریکارد قابل دید در سال ۱۹۷۳ از طرف کمپنی لیننگراد سا خته شده است مگر کمپنی‌های مقدم‌جهان بحیث‌نقل‌دهند معلو مات عکس داراز صفحه‌ریکارد استفاده می نمایند برای تهیه خود صفحات ازماده بسیار ر زا ن ـ پولی کلرو پیل استفاده می شود.

میتود های عصری تیراژ صفحات اجازه میدهد که‌به سر عت بدون۔ مصارف فو ق‌العاده دربازار ها ی جهان هزار ها وملیو نها صفحا ت ریکاردرا عرضه کند در صور ت تهیه تعداد بسیار زیاد صفحا ت‌پر ارزش ترین صفحا ت آنها مر بوط به‌انتقال آنها ست زیرا صفحا ت مدور وپاکتی نسبت به فیته هاجای بسیار کم رااشغال‌می‌کنند درحالیکه زمان اجرای آنها مساوی است .

هم چنان میخا نیز می که صفحه ریکاردرا باسر عت ثابت دورمیدهد نسبت به‌تر تیبا ت که‌برای کشش فلم مقنا طیسی خد مت می کنـــد ارزانتر میباشد. سائیده‌شدن‌صفحات ساخت تیلفون کن وتیل دیك درائر استعمال بسیار کم میباشد صفحات سا خت فلپس بدون هر قسم تماس میخانیکی کار کرده وگفته می توانیم که‌این هابسیار وقت زیاد باقی مـی مانند وبالا خره یك موضوع بسیار مهم‌را یاد آور می شویم :بـــرای ستا ندرت نگهدا شتن صفحا ت‌ثبت قابل دید بکدام مذاکره بین المللی ضرورت نیست وگفته می‌توانیم که بر تری ضبطمیخانیکی نسبت‌به‌ضبط مقنا طیسی بااندازه واضح است‌که حاجت به تشریح ندارد.

انتقال دهنده معلو مات بایـــد دارای ظر فیت عالی باشد وایـــن موضوع مر بوط به‌اندازه فزیکـی و خصو صیت ثبت اشارات کودی‌شده میباشد ویابه عباره دیگر اگر مابه فکرسا ختن گرام‌قابل دیدباجنسیت عالی عکس هاوآواز شویم می توان آن‌رابه شکل صفحه ،فلم مقنا طیسی ویافلم سینمایی باداشتن آواز تهیه کرد ومابابد درینجابه آن‌انتقــا ل دهنده که‌ذر حد سطح خود مقـدار اعظمی اشارات راثبت کندمقام اول رابد هیم وباید بگوییم که‌این قدرت آنهامحدود بوده وحتی بااستفا ده‌از عصری ترین میتود های شیفـــری سا ختن اصوات ویا عکس ها نمـی

توان ازاندازه امکان زیادتراستفاده کرد.

صفحات عصری که‌برای مدت زیا دی بخوانند تاپنج هزار واحد معلومات رادر هر ملی متر مربع سطح آن۔ جابجا شده می توانند ودر فیته‌های مقنا طیسی این رقم پنج مرتبه کم تر نسبت به‌صفحات می‌باشد. ثبـت صوت دربالای صفحه ارزانتر مـــی باشد.

اشا رات الکتریکی که‌از پروگرام تیلویز یونی باطول معین نمایند گی می نماید نسبت به‌پرو گرام صوتی صد ها مرتبه زیاد معلو مات را در خود دارا هستند صفحه قابل دیـد عینا بطریقه صفحات گرا ما فـو ن عصری آماده می گردد وقطر آنهـا تابه سه متر وبه سطح کمتر نمـی توان بصورت لازم ازآن استفاده‌کرد دروی صفحه شکا فهای بظر فیت محدود ثبت می گردد.

اگر گنجا یش شکا فها (خطها) بحد انتهایی خود رسد آیا امکان کم کردن مسافه بین خطو ط همسا یه مو جود است ویا خیر؟ تا هنـو ز انجنیران باین عقیده بود نـــد که‌نه. مگر باوجود آنهم متخصصین کمپنی های تیل دیك وتیلفون کن اعلام داشته اند امکان دارد با لا ی گنجشك هافیر نشود طوریکه در۔ سابق همین قسم بود امکا نات ثبت میخانیکی به هیچ وجه به کار برده نمیشود زیرا در روی صفحه با ید درحدود ۱۲۰ الی ۱٤۰ خط دریك قطر یك ملی متر گنجا نیده شود عر ض ۱۰ عدد از این قسم خطو ط معادل به ضخا مت یك موی سراست اگر سطح صفحه اسرا بــورا بورا بکمك میکرو سکوپ الکترونی مشاهده کنیم درآن صورت مجرای صوتی به شکل خطوط یکه درای۔ عر ض وعمق متنا وب مـــی باشد دیـــده می شود . معلــــو م گردیده است که امپلیتود این قسم انحرافات نسبت به‌امپلیتودضروری برای اخذ بااطمینان اشا رات‌ذریعه سوزنك های عصری کلا نتر میباشد انحرافات رامی توان کم ساخـت وکهته تادر جه بانا همواری ها ی طبیعی مواد صفحه یکی نگــــردد انجنیران کمپنی های تیلفون کـن وتیل دیك به همین قسم اقدام‌نموده اند غیر ازین آنها از میتود مودو۔ لیشن فریکا نس‌استفاده کرده‌انـد این میتود اجازه میدهد که اشارات فریکا نس مختلف‌رابه شکل ثبـت شده بانو سانا ت امپلیتود یك‌سانی ارائه کرد.

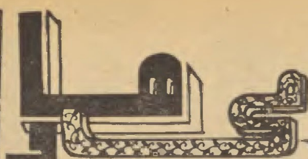
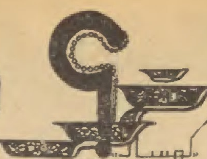
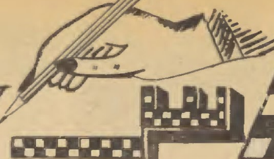
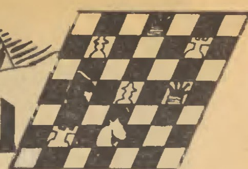
بدین صورت صفحا ت قابل دید عبارت ازیك انتقال دهنده پرظرفیت معلو مات باتراکم عالی ثبت ها می باشد باوجود آنهم خطوط صو تی صفحه‌قابل‌دید تیلفون‌کن وتیل‌دیك‌از خطوط صفحات‌گراما فونهای بسیار سابقه فرق نمی شود البته فعـلا هر یك از خط ها با ریك تر بـوده وفاصله بین خطوط همسایه کمتر می باشد وخطوط بااندازه کم عرض سا خته شده که زیادتر امکان آن موجود نیست شما حالا ســوال خواهید کردکه صفحا ت‌قابل دید۔ فلپس که مکمل ٤٥ دقیقه نما یش میدهد چه قسم‌خواهدبود؟ انجنیران کمپنی هالند ی‌به پر نسیپ ثبـت میخا نیکی کلا سیکی تجاوز کرده و راه های غیرقطع‌شده‌ضخا مت وعمق متناوب رابه عمق های یــك سان طول های مختلف تبدیل کرده اند ونقطه طول همین نقش هاومسا فه بین آنها عنصر اصلی شیفر بوده وبکمك آنهادر بالای‌صفحه روشنی،رنگ صدا وزمان ثبت میشود خطر مربوط به‌نا همواری های مواد صفحه ازبین رفته است‌حلقه های همسایه رابه شکلیکه خواسته باشیم باهم نزدیك سا خته می توانیم وید یو گــــرام (گرام قابل دید) درسیستم ثبـــت دوگانه‌معلو مات بسیار اقتصا دی است.

کمپنی های تیل دیك وتیلفون‌کن انتخا ب و میتود خوا ندن صفحا ت رادر معرض نمایش قرار دادندوباید بگوییم که سیستم های مذ کـــور دارای سو زنك نمی باشد وایـــن موضوع واضح است زیرا مذکور بالای صفحه‌بایدحر ونوسانات خطوط را که نـ یك دیگر بمسافه ۱۷الی ۱ قرار دارد اخذکند درعین حـ ۱۵۰۰ دور را در دقیقه نماید برای اینکه به‌تبدیل الکترونیکی نوسا نات میـ خطو ط داده شود سو زنك بسیار حساس بوده ودر بسیار نوك تیز ،باریك وطو سوزنك هاباید باندازه بار که‌شعاع انحنای آن بیك برسد تقریبا مثلی پل ریش همین حالت سوزنك به صفـ تماس پیدا کند البته بزود می شود.

بدین‌قسم عنصراخذ اشـ دریك سطح بزرگ تر تمـ کند (باید نسبت به ضخا خطزیادتر باشد) اگر عنصر ازمواد جامد سخت مانند سا خته شود درآن صورت بعضی قسمت های سطح آ صفر اعشاریه دو گرام فشـ می کند بادر نظر گرفتن مـ مذکور انجنیران بکمك یك بسیار مغلق قسمت کلاگك فون بصورت روان درامتدا صفحه تقریبا باندازه هشت دریك دوره حر کت می کند

بقیه درصفحه



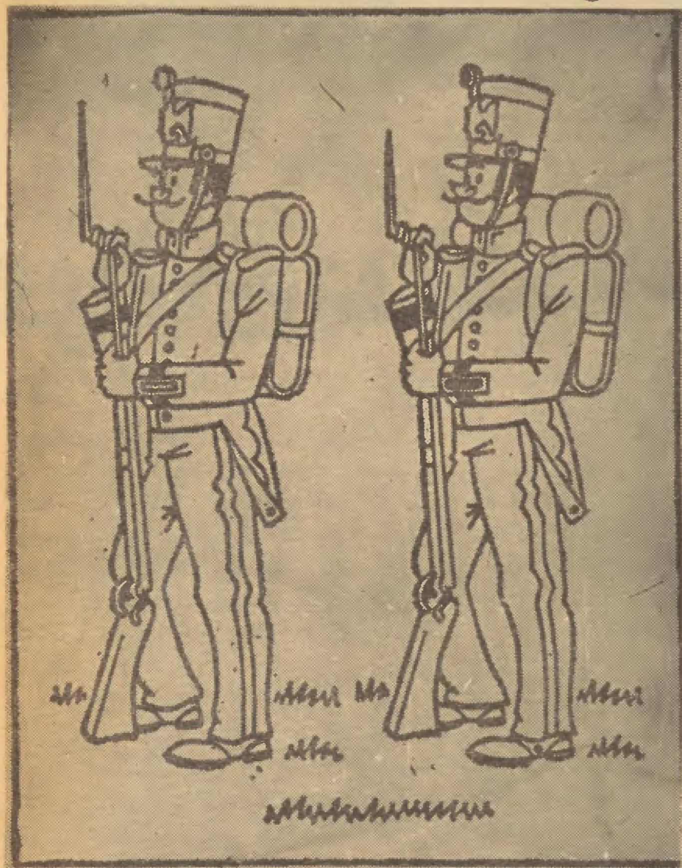
جدول ادبی

ما این بار جدولی را طرح کردیم که آثار مشهور بعضی از نویسنده های جهان را گنجانیده ایم شما بعد ازشرح آنرا خانه پری نمائید .

۱ـ درنده .
۲ـ از نوشته های فرانتس کافکا.
۳ـ اثری از گوته نویسنده مشهور المانی .
٤ـ اثری از نویسنده روسی .
٥ـ کتابی ازولتر نویسنده مشهور فرانسوی .
٦ـ باز هم اثری از نویسنده مشهور چکسلواکی .
۷ـ اثری از لا مارتین .
۸ـ کتابی از اشتفان زوا یک نویسنده اطریشی .
۹ـ اثری از گوگول .
۱۰ـ باز هم اثری ازکافکا .
۱۱ـ کتابی از فرانتس کافکا .
۱۲ـ نوشته ازپروسپه دوموریه
۱۳ـ کتاب مشهور ارسطو .
١٤ـ کتاب از نویسنده انگلیسی دافنه دو موریه .
۱٥ـ اثری از ناتیل هاتورن .
۱٦ـ مشهور ترین اثر افلاطون .
۱۷ـ کتابی ازنویسنده امریکا یی ورکورد .
۱۸ـ اثری از پرل باك نویسند ه امریکایی .
۱۹ـ کتابی از نویسنده مشهو ر شرق را بیندرنات تاگور .

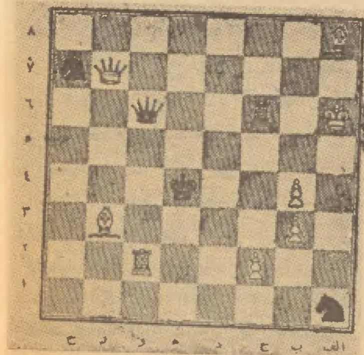


چند اختلاف



بین این دوتصویر که ظاهراً باهم‌شبیه هستند چندین اختلاف وجود دارد آیا میتوانید قسمت هایی راکه دوتصویر ازهم فرق دارد پیداکنید؟

مسئله شطرنج



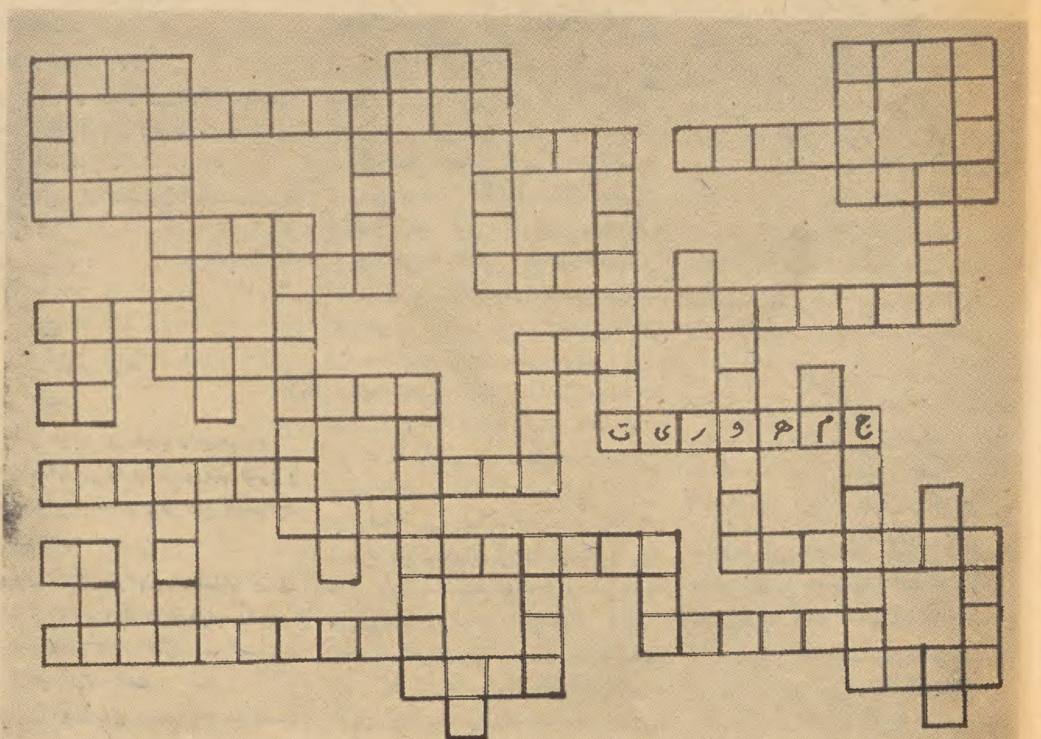
درین مسأله سفید بازی را شروع نموده در دوحرکت سیاه را مات میکند ،حال شما طرز حرکت اول و دوم مهره های سفید را بمابنویسید.

طرح کننده هوسی «غشی»

جدول جدید

خوانندگان عزیز این بار جدول جدیدی را همکار ما پیغله هوسی (غشی) تقدیم میدارد، که کلید حل آن کلمه جمهوریت است شما نظر به همین کلمه تمام کلمات دیگر را پیدا کنید که ما شرح آنرا در زیر تقدیم کرده ایم :

۱ــ گشتننده .
۲ــ ملت ها .
۳ــ از خوردنی‌ها .
٤ــ شب معکوس .
٥ــ ضد خوشی .
٦ــ جمع جواهر
۷ــ راوی معکوس .
۸ــ جام آن مشهوراست .
۹ــ از شفا خانه‌های کشور .
۱۰ــ محل .
۱۱ــ ساح مغشوش .
۱۲ــ آخرش را حذف کنید تا النهایی گردد .
۱۳ــ دشمن «پشتو» .
۱٤ــ از پوشیدنی ها .
۱٥ــ از کوه های مشهور آسیا .
۱٦ــ عدد بیگانه .
۱۷ــ در پیاله ساقی .
۱۸ــ هزار کیلو .
۱۹ــ قضیه این عالم بسیارمشهور است .
۲۰ــ از میو جات خشك ز مانی هم نرمی باشد .
۲۱ــ درنده .
۲۲ــ از خوانندگان مشهور موسیقی شرق .
۲۳ــ سمبل باریکی .
۲٤ــ یکی ازآنها دیوانه است .
۲٥ــ معده بزبان بیگانگان .
۲٦ــ بزرگترین حیوان .
۲۷ــ اکت کردن .
۲۸ــ مردم در پشتو.
۲۹ــ موسم آن می آید .
۳۰ــ مردانگی .
۳۱ــ فلمی به اشتراك و جنتی‌مالا.
۳۲ــ ستاره فقید سینمای شرق.
۳۳ــ قیمت ترین سنگهای‌جهان.
۳٤ــ رفیق .
۳٥ــ حیوان باربر عربی .
۳٦ــ از روز نامه های کشور .
۳۷ــ کشور یاوطن .
۳۸ــ یکجا ورفیق .
۳۹ــ دربدن است .
٤۰ــ ستاره از سینمای شرق .
٤۱ــ مهربانی .
٤۲ــ جای گل ود رخت ها .
٤۳ــ فلمی از سر زمین هند .
٤٤ــ کلید جدول .
٤٥ــ فلمی از سینمای غرب .
٤٦ــ دروازه دهن .
٤۷ــ شکل سه ضلعی .
٤۸ــ از کشور های جهان .
٤۹ــ دعوای پراگنده .
٥۰ــ دیدن ها .
٥۱ــ دو بیست جمع چراغ .
٥۲ــ حرف اشاره .
٥۳ــ از بر اعظم های دنیا .
٥٤ــ از هنر مندان فلمهای هند.
٥٥ــ چند لغت .
٥٦ــ نصف داستان «دن کیشوت» باتغیر حرف آخر .



او کیست

همه کسانی که اهل مطالعه وکتاب ومجله هستند اورا می شناسند ماهم بیو گرافی اورا برای تان می نویسیم که . بشما دریافتن اسم او کمك کند اوکار نویسندگی رااپیش از اینکه به مرز ۱۸ سالگی گام نهد بانوشتن مقاله برای روز نامه کوچك برادرش بنام «هانیبال ژورنال» آغاز کرد وتا پایان عمر از نوشتن و مطالعه کردن دست نکشید. این نویسنده بزرگ در ۳۰ نوامبر ۱۸۳٥ در فلوریدا چشم بزندگی گشود پدرش تاجر تنگدستی بود و «او» در ۱۲سالگی ناگزیر شد که مدرسه را ترك گوید وشاگرد یك نقاش بشود در آن‌هنگام شوق جهانگردی در وجودش بر انگیخته شد و درسال ۱۸٥۳ او نقاشی را بشدت دنبال کرد و در نیو یورك وفیلا دلفیا به کشیدن‌تابلو وکار های نقاشی پر داخت بعداً به برازیل سفر کرد و در این سفربفکر افتاد که پیلوت شود اما به هنگام جنگ های داخلی امریکا او حرفه تازه را پیشه کرد استخراج معادن! در آن روز ها ، هر وقت هوانامساعد بود او به نویسندگی پناه میبرد وبعضی از نوشته ها ی خودرا بنام مستعار خود برای روز نامه «انترا پرایز» ویر جینیامیفرستاد .

ناشر این روز نامه از روی این نوشته ها به استعداد او پی بردواو را با ۲٥ دلار د رهفته به عنوان سر دبیر محلی استخدام کرد درشغل جدید او نویسنده چیره دست استعداد سر شاری ابراز داشت وبعد نام مستعاری را که بگوش همه کسانی که اهل مطالعه هستند آشنا است برای امضای داستان هایی که می نوشت انتخاب کرد بموازات نویسندگی بکار در معدن نیز ادامه داد اما ثروتی نیندوخت ودر عوض به انتشار داستان «قورباقهٔ جهنده» دامنه شهرت خودرا بسراسر امریکا گسترش بخشیدند بدنبال انتشار این داستان اوزمینه مساعدتری برای دریافت پول دربرابر آثار قلمی خود بدست آورده و نوشته های خود را در بازار داغ تری عرضه کرد.

او درسال ۱۸۷۰ با «اولیویالانك دون» دختری از «المیرا» درنیویارك پیوند زناشو ئی بست و در این

بقیه درصفحه ٥۷

در راه طولانی

- دیگر سرت ناوقت میشود .
دختر گفت :
- متشکرم ، (نوت) .
پسر گفت :
- سی روز .
دختر پرسید :
- چی گفتی ؟.
پسر جواب داد :
- سی روزرا دریك خانهٔگك چوبی زندانی میشوم . بهای بوسه یی که ازتوگرفتم .
دختر گفت :
- من ... من متاسفم . و لـــی من ازت نخواستم فرار کنی .
پسر گفت :
- میدانم .
دختر گفت :
- مطمئنا به خاطر این کار احمقانه به تو نشان قهرمانی نخواهند داد .
(نوت) گفت :
- چه خوب است آدم قهرمان باشـد . آیا (هنری استیوارت چاسن) قهرمان است ؟
(کاترین) جواب داد :
- میدانی، توچقدر متعرض هستی؟ (هنری)
- اگر موقعیت بهش دست دهد، شایـد قهرمان شود .
دختر باناراحتی دریافت‌که هنوزقدم‌میزنند. خداحافظی فراموش شده بود .
پسر سوال کرد :
- تو واقعا اورا دوست داری ؟
دختر باحرارت جواب داد :
- مطمئنم که دوستش دارم . اگر دوستش نمیداشتم، بااو ازدواج نمیکردم .
پسر پرسید :
- ازچه چیز او خوشت می آید ؟
دختر جواب داد :
صادقانه بگویم ...
بعد، ایستاد وپرسید:
- میدانی ، توچقدر متعرض هستی ؟«هنری» صفحهای خیلی خوب دارد . شاید هم صفحتهای بدی داشته باشد . ولی‌اینها به تو مربـــوط نیست . من (هنری) رادوست دارم ونمیخواهم درباره صفات نیك اوباتو گپ بزنم .
(نوت) گفت :
- متاسفم !
(کاترین) گفت :
- صادقانه !
پسر دوباره اورا بوسید. دوباره بوسیدنش زیرادختر این کاررا میخواست .

• • •

حالابه باغ بزرگی رسیده بودند. (کاترین) پرسید :
صفحه ۵۰
- چطور اینقدر ازخانه دور شده ایم ؟
پسر جواب داد :
- گامی به جلو. بعدهم گامی دیگر... روی برگها وبالای پلها ...
دختر گفت :
- بدینصورت گامهااضافه شده میروند .
زنگ برج مکتب به صدا درآمد . (نوت) گفت :
- مدرسهٔ نابینایان .
(کاترین) گفت :
- مدرسهٔ نابینایان .
بعدسرش رابا شگفتی خواب آلودی تکان داد :
- من باید برگردم .
پسر گفت :
- وخداحافظی کنی .
دختر گفت :
- هروقت این کلمه هارا میگویم، به نظر می آیدکه بوسیله میشوم .
پسر زیر درخت سپ کهنسالی روی سبزه هانشست وبه دختر گفت :
- بنشین !
دختر گفت :
- نی .
پسر گفت :
- بهت دست نخواهم زد .
دختر گفت :
- به تو اعتماد ندارم .
بعد، چند متر دورتر زیر درخت دیگـــری نشست . وچشمهایش رابست .
پسر گفت :
- خوب (هنری استیوارت چاســـن) را می بینی ؟
دختر پرسید :
- چی ؟
پسر گفت :
- خواب شوهر آینده .
دختر گفت :
- خیلی خوب، این خواب راخواهم دید .
دختر پلکهایش را بیشتر رویهم فشرد و تصویر شوهر آینده‌اش رادر ذهن مجسم‌کرد. پسر فاژه کشید .
زنبوران در لای برگهای درختـــها وز وز میکردند . (کاترین) تقریبابه خواب رفـت . وقتی چشمهایش راباز کـرد، دیدکه نـوت واقعا به خواب رفته است .
(کاترین) گذاشت‌که (نوت) یك سا عـــت بخوابد. درین مدت باتمام قلبش اورا ستایش میکرد .
سایهٔ درختهای سیب به سوی مشرق‌درازتر شد وزنگ برج مدرسه به صدا درآمد .
مرغکی به خواندن پرداخت .
دردور دستها موتری سلف زد وچالان نشد. بازهم سلف زدو چالان نشد. باز هم چالان نشد .
(کاترین) نزدیك (نوت) رفـــت . کنارش زانوزد وگفت :
- (نوت) ؟!
پسر چشمهایش راباز کرد :
- هم ... م ... م..
دختر گفت :
- ناوقت شده .
پسر گفت :
- سلام (کاترین) !
(کاترین) گفت :
- سلام (نوت) !
پسر گفت :
- دوستت دارم .
دختر گفت :
- میدانم .
پسر گفت :
- دیگر دیر شده ها ؟
دختر گفت :
- ها، دیر شده .
پسر برخاست . ناله‌کنان تمدد اعصاب‌کرد وگفت :
- راه پیمایی خوبی بود .
دختر گفت :
- به نظرمن هم همینطور .
پسر سوال کرد :
- همینجا ازهم جدا شویم ؟
دختر پرسید :
- کجا میخواهی بروی ؟
پسر جواب داد :
- میروم شهر. بعدبه آن خانه گك‌چوبی .
دختر گفت :
- خوشبخت باشی .
پسر گفت :
- توهم .
بعد، پرسید :
- (کاترین) ، بامن ازدواج میکنی ؟
دختر جواب داد :
- نی .
- پسر لبخند زد. لختی خیره خیره دختر رانگریست . بعد، باشتاب ازاو دور شد .
(کاترین) اورادیدکه در میان چشم انـداز سایه هاودرختها کـوچکـتر شده میرود . فهمیدکه اگر حالا (نوت) بایستد ورویش‌را بگرداند واورا صدا کند، وی به سوی اوخواهد دوید . چاره یی نداشت جزاینکه به سـوی او بدود .
و (نوت) ایستاد . رویش را گشتانـد و صدازد .
- (کاترین) !
دختر به سوی اودوید . دستهایش را بـه دورپسر حلقه کرد ونتوانست چیزی بگوید .

ساختن گرامافون

یك فرق دیگر صفحات قابل دید تیلفون کن به‌تیل دیك از گرا مافونهای صو تی درآنست که صفحـه بدون سطح اتکایی گرد ش می نماید در سر عت ۱۵۰۰ دور در دقیقه‌بین صفحه وپایه غیر متحرك بودن‌هوایی بوجود می آید این هوای تشکیـل شده ضربا ت عمودی صفحه رااز- بین می برد انحر فات ازسطح افقی ۵۰ میکرون زیادتر نمی گردد.

متخصصین فلپس از تر تیبـا ت میخا نیکی استفاده کرده اند که‌با سر عت ۳۵دور در دقیقه دور مـــی خورد اول سوزنك رادرینجا شعاع لازیراجرا می نماید پاراستر ها ی شعاع منعکسه بصورت مستقیم بـا طول عمق هاسطح صفحه ومسا فـه بین آنها ار تباط دارد فوتو دیود، اشارات نوری را به نو سانـــات الکتر یکی‌که بعد از نقدیه شدن بـه تلویز یون داده می شود تبدیل می نماید کمپنی هالندی خصو صیـت سا ختمانی سیستم خودرا بسیار واضح نمی نماید در مطبو عا تشان فقط پرنسیپ های عمومی سا ختمان آن هاذکر گردیده است نظر بـــه بعضی اعلا نات خواسته اند که‌اهالی رانظر به مغلق نبودن آنها اطمینان بدهند ومعلوم می گردد که‌ایـــن ترتیبا ت باید ارزان باشد.

اولین صفحه قابل دید در جـــون سال ۱۹۷۰ با اجرا ی نما یشـــ خواننده معروف وعصری مانویـــن ثبت گردید. درنزد شما دراخیراین سوال پیدا خواهدشد که آزمایشات این کمپنی چه وقت ازلا براتـــوار بدست مردمان خواهد افتید؟ نظـر به‌اعلا میه کمپنی «تیل دیك» درسال ۱۹۷۳ باید ازین صفحا ت قا بل‌دید استفاده می شد مگر کمپنی هالندی به‌فکر خوب ساختن‌شرایط استحصال آن‌در ظرف چند سال آینده مـــی باشد. بهر حال بصورت عمو مـــی می توانیم که ثبت صفحات‌قابل دید دارای آینده درخشان بوده وبه‌تمام وعده ووعید ها جواب قنا عت بخش خواهد داد.

افسردگی چیست

دیگر ،قایق دیگر، خانه دیگر،مسافرت خارج ومانند اینها میا ندا زد.

چیزی که‌من در گردش خودم در کشور های جهان در یافته ام،این است که‌اگر انسان به سهم خودش قناعت‌میکرد،دیگر اضطراب،کشمکش وندرتا افسردگی که زاده تو قعات ماست، به میان نمیامد .

س- آیا آب وهوا به چگو نگی افسردگی تاثیری داری ؟

براون- شماره خود کشیها در شهر های مختلف جهان فرق میکند درین زمینه که آیا آب وهوا در ین خود کشیها عاملی موثر هست یانی مامطمئین نیستیم .

بررسیها یی که در سو یتزرلند انجام شده نشان میدهد که هنگام وزش فوهن شماره‌خود کشی‌وجنایت دران کشور به صور ت چشمگیر ی افزایش میابد. فوهن باد خشك و گرمیست که در دره های آن‌سرزمین میوزد .

دا نشمندان در زمینهٔ تاثیر آب وهوا بر عملیه های دماغی مــــا تحقیقاتی انجام داده اند. اصل این پرسش سؤالیست‌کهنه. ولی‌بسیاری ازبر رسیها درین مورد هنوز بــی نتیجه مانده است. غالبا از مـــن میپرسند که در هنگام کر سمس بر سر خود کشی وافسردگی چــــه میاید .

س- خوب چه می‌آید ؟

براون- ما با شگفتی در یا فتــه ایم که‌در حوالی کرسمس میـــزان خود کشی کاهش میابد وپس‌ازآن درآغاز بهار، این میزان افزا یشی رانشان میدهد .

س- آیا رفتن به یك مجلس‌رقص یایك هفته رخصتی کنار در یــا در بهبود افسردگی خفیف سود منــد هست ؟

براون- به نظر من خرد آدمی در درازای قرون در یافته است که‌وقفه یی درکار عادی ،ویا چیز لذتبخشی شبیه آن شاید بهترین در مـــا ن افسردگی خفیف باشد. من عمـــلا دوستان خودم را دیده ام‌که کمــی دلتنگ بوده اند .

آنان پس از چند هفته رخصتــی خوش ،با روحیهٔ تازه یی سر کــار بر گشته اند.

مگر این تدبیر در افسرد گیهای شدید کار گر نمیافتد .

برخی هم‌به آدمهای افسرده‌پیشنهاد میکنند که بروند وخود شان‌رامست کنند ولی من فکر نمیکنم که این‌کار درمان خوبی برای افسردگی با شد بعضی از مردم در یافته اند کــــه استعمال الکول طبیعت شان رادیگر میکند واز شدت اضطرب میکا هد. ولی اعتیاد به الکول که‌بعدا فرا می رسد بدتر، از اصل بیماری‌افسردگیست .

س- انسان چگو نه از افسرد گی شدید میتواند رهایی یابد، بـــه خصوص اگر این شخص کاری‌سخت وپرمسؤولیتی رابه عهده دا شتــه باشد ؟

براون-موضوع دلچسپیست.درین زمینه نمو نه یی از بهبود موفقا نه به‌دست داریم .این نمو نه عبارت‌است ازسناتورتوماس ایگلتون. وی‌هنگامی که‌درسال ۱۹۷۲ از طرف خــزب دموکرات نامزدی کرسی معاو نیت رئیس جمهور را داشت، بیمـا ری افسردگیش به اوج رسیده بود .

به نظر من بهبود یافتن سنا تور ایگلتون گام بزرگی به جلو بود .ما امید واریم که مردم ،با نظرداشت مثال‌سناتور ایگلتون ومثالهای دیگر دریابند‌که انسان شایدبه افسردگی دچار شود، به بیماری ستان رود و د ر مـان گـر دد . و لـی بعـد ، دو باره بـه ز نـد گـی عـا د ی- بپردازد واز لذتهای آن بر خــوردار شود .



گوشه‌ای از جنگلات انبوهی که‌هم‌اکنون تحت کنترول ریاست جنگلات قرار دارد

انبوه‌جنگل‌ها

جانبی در صدور آن به خارج نیز ، مانعی وجود نداشت .

چنانچه د رهر سال ده چنـــد ضرورت د رختان قطع می گردید و صرف یك حصهٔ آن مصرف می شد، باقی مانده یا بصورت ضایعات در خود جنگل ها از بین میرفت و یا به خارج از کشور برده میشد اما وزارت زراعت امسال امور جنگل ها را تحت اداره وکنترول شدید قرار داده ، صدور آن به خارج از وطن بکلــی ممنوع اعلام گردیده است . چــوب های قطع شده جنگل ها توسط دولت خریداری میگردد وسعی بر آن‌میشود تا با حد اعظم استفاده از تمام‌قسمت های درخت، صرفه جویی مثبت به عمل آید .

رئیس جنگلات می گوید :

- پرو گرام های دیگری در بارهٔ جنگل های پسته داریم ، تطبیق این پروگرام ها، د رمناطق باد غیس ، سمنگان و بدخشان صورت می گیرد، چه این ساحات کشور ، مناطق‌اصلی جنگل های پسته می‌باشند .

د رنظر است تا در پهلوی حفاظت درست جنگلات پسته ، کشت و بذر جنگل هی تازه یی نیز آغاز گردد. از طرف، دیگر با کشت نهال های زود رس دیگر ، جنگل ها توسعــه یابد . البته در مورد تشویق مردم به نهال شانی و بوجود آوردن مناطــق کوچك جنگلی نیز گام هایی برداشته شده است .

وی می افزاید :

- برای بهتر شدن امور جنگل‌ها، درنظر است ، تا مامورینی به سویه های اوسط و عالی بنام ځنگل سار، ځنگل کار، ځنگل بای ،ځنگلیار ، ځنگلدار وځنگل وال که از بکلوریاتا ماستری تحصیل دارند استخدام وبه کار گماشته شوند .

پرو گرام کوپراتیف جنگل‌داران، موضوع دیگری است که‌برای توسعه وبهبود جنگل های کشور کمــــك خواهد کرد .

د ربرابر پرسش دیگرم ، بناغلی انام رئیس جنگلات وعلفچر هـــای وزارت زرا عــت ، جنــگل هـــا را در افغانستان ، اینطور طبقه بنــدی میکند :

- بصورت عمومی فعلا دو نـــوع جنگلات وجود دارد ،که‌ازنظر علمی به جنگل های مصنوعی وطبیعی‌طبقه بندی شده اند . جنگل های طبیعی، مشتمل از درختان سوزنی برگــك صنعتی وغیر صنعتی و پهن بر گ مثمر و محرو قاتی می باشند .

در جنگلات مصنوعی د رختـــان زود رس و دیر رس شا مل می‌باشند.

وی علاوه میکند :

- ولایات شرقی و شما ل غربی کشور ، از حیث دارا بودن جنگلات، حایز اهمیت است ، که درآن هــــا درختان وجنگل های عمدهٔ ارچــه ، لمنز ، بلوط و پسته و جود دارد .

ژوندون : در شماره آینده‌گزارش دیگر ما را پیرامون ٥٤ ملیون هکتار زمین علفچر ها و بهره بــرداری از حیوانات وحشی مطالعه خواهیدکرد.





درساعت سازی

کتاب

صبح زن وقتی از خواب بیدار شد روبه شوهر کرد وپرسید:

-عزیزم، آن کتابی را که دیشب داشتم می خواندم، ندیدی؟

شوهر جوا بداد:

-کدام کتاب را میگو یی؟

زن گفت:

-همان کتاب (چگونه میتوا نصد سال عمر کرد) را میگویم.

شوهر جواب داد:

-عزیزم دنبالش نگرد، من آنرا سوزاندم!

زن پرسید:

-چرا برای چه؟

-شو هر جواب داد:

-چون مادرت دنبالش می گشت، ترسیدم آنرا پیدا کرده وبخواند!



برای محافظت از تنفس هـوای آلوده و کثیف

هیبت‌الله

مردی از شخصی پرسید نا مت چیست؟ گفت‌هیبت‌الله گفت:راست می‌گویی یا میخوا هی مارا بترسانی؟

حماقت

زن وشو هری خفته بودندکه‌زن ناگهان شروع کردبه لگد زدن و- نالیدن.

شو هر بیدارشدوزن را هم‌بیدار کرد وعلت آن حرکات راپرسید. زن گفت:خواب بدی دیدم،متوحش‌شدم خواب دیدم که‌مرده ام ومی خواهند دفنم کنند! شو هر گفت: پس من چه احمق بودم که تـرا بیدار کردم!



وقتی تایپ وخواندن بلدنیستی چطورمیتوانیم‌ترا استخدام‌کنیم



چون همیشه مزاحمم میشد من هم‌آرامش کردم

دومرتبه‌خوشی

مردی پر خور با یك نفر کـــور هنگام افکار هم‌مجمو عه شدقضارا کورازپر خوارشکم‌خواره‌تربوده‌ومجال به‌او نمی داد هنگام رفتن پر حوار به‌صاحب خانه گفت. آقا خانـــــه احسانت آباد. من امشب دو دفعـه ازتو شاد شدم اول بار بدان جهت که مرا باکوری هم مجمو عه نمودی وچنین انگاشتم که‌کاملا خواهم‌خورد، دوم‌آنکه‌سپس ازفراغ‌از خوردن‌شاد شدم که‌این کور خود مراهم نخورد

ژوندون



بدون شرح

لباس داماد و عروس

پدری، فر زندان خویش را نصیحت وموعظت میکرد، در ضمن صحبت گفت ،

–این که درشب عروسی، عروس لباس سپید می پوشد، برای این است که آن شب خو شترین‌شبهای زندگی او است.

فریده دخترش به میان حر فش دویده گفت !

–پس چرا، داماد در این شب لباس سیاه می پوشد ؟

رضا برادرش جواب داد.

–چون آنشب ،شب وفات آزادی مرد است .



بچه خاموش باش که‌من بخیا لم‌جوره اش را گرفتم

دزد دزد !

دزدی جامهٔ کسی بدز دید وبه بازار برد وبه دست دلا لداد که بفروشد. جامه رااز دلال دز دیدند! ودزد اول نزد یاران آمد گفتند :

–جا مه رابه چند فرو ختی؟

–به آنچه که خریده بودم؟



ترا راهی مرا راهی

حادثهٔموتر

دو نفر که به سختی مجروح‌شده وتمام بدنشان بنداژ شده بود رو بروی‌هم‌در شفاخانه‌بستر شده بودند یکی از آنها به دیگری گفت!

–مثل این که‌خیلی سخت مجروح شده اید؟

–بلی، بسیار نا راحت هستم.

–حادثه یی برا یتان پیش آمده؟

–بلی.

–از بدبختی حادثه موتر؟

–همین طور است .

–موتر تان با موتر دیگری تصادم کرد؟

–نه خیر، درراه خانم مرا مجبور ساخت‌تاجلو موتررا بیگیردولی‌مقصر من‌بودم که گذاشتم زنم پشت جلو بنشیند .

–خیلی بی احتیا طی کر ده اید.

سپس از چند لحظه مجروح‌دومی به‌اولی گفت !

–حالا شما مثل این که از حال‌من بدتر است، برای شما هم حاد ثه یی رخ داده؟

بلی، تقریبا حادثه موتر؟

–بلی گفته می توانیم اسمش‌را حادثه موتر!

–تصادم کردید ؟

–هیچ کدام، چون نمی خواستم زنم پشت جلو مو تر بنشیند، مرا به این روز انداخت .

خر دهقان

دهقانی باخرش که باز گندم داشت وارد شهر شد چون در بین شهر بیروبار ز یاد بود و خر بدرستی راه رفته نمی توا نست دهقان قهر شده و با چوب خر را میزد و این وقت که دلش به‌حال حیوان بیچاره سوخت نزدیك آمده وگفت چرا اینقدر حیوان‌بی‌زبان را میزنی د هقان جواب داد ببخشید من نمی دانستم که خرم در شهر **رفیق ها زیاد دارد.**



خواب میکنی به بلایم امای خورخورکدنت مره‌به‌مطالعه‌نمی‌ماند



«کوډی»

دامین افغا نپور لیکنه

گلانه ببی یو ځو شیبی دنازورو لهادی سره پهدا لانه کی وپسنیدلهاو بیایی پداسی حا لکی چهد خپلــی نږور ښیرازی کوټی ته گوته نیوله په زوره وویل:

ـ«دنازورو ادی ـ آخر بهدکوډگر مځ تور شی چاچه کوډی کــړی دی آخریی بدلیدلیاو پښیمان شویدی.»

پدی لنډی او پاروونکی وینا پسی یی د کلیوالو ښځو یوځو کره کــره مثالونه وشمیر لچه ځنگه پلانی په پلانی او بیستانی باندی کوډی کړی وی ،او ځنگه دپلانی لمسی مـــړه شوه، دپلانی نږور ړنده، او کنـــه شوه،اوځنگهدبیستانی خوسیدناحقه کوډو پهوجه تښنه شو، او داسینور..

اوبیا دواړه کوټی ته ننوتلی.او کوټی تهپه ننوتو کیدنازورو ادی هم دښیرا زی دکو ټی پهخوا کـــاږه کاږه وکتل ،اوبیایی دخپلی شونډی ځخه دلندو اونم جنو نصوارو شنهـ بخنه گولی پهدوه گوتو راوو یستله اود ځپری لاندی دتناره خواته یــی وشړله. شنه بخنه گولی دبوټــو او بنجخو ترمنځ ورکه شوه. خودگلانی ببی تږری چرگی هسی بی گټی او تشه هڅه کوله چههغه شنه بخنـــه گولی پیدا کړی ږ مښوکه کی یـــی ونیسی اود نوږو چرگو چور گوړو پهډله کښی پری وویاړی.

ها خوا په بله کوټه کښیښیرازه دتبی پړانگ یادمار په شان تاویده راتاویده اودغوسیلهزوزه بیساتنده تنده چلیدله. دگلانی ببی په لنـــډی وینا سخته غوسه ورغلی وه...

همداسی یی له ځانه سره سوـ جونه کول چه ځنگه تاجی پدی پیښی باندی خبری کړی.

تاجی دگلانی زوی اود ښیـــرازی میړه ؤچه اصلی نوم یی تاج گل ؤ خود غوسی اوخپگان په وخت کښی بههم مور اوهم ښیرازی تاجی باله. اوتاجی لهدی پیښو ځخه ناخبره په کرونده کی پکار لگیاؤ... ښه شیبه تیره شوه. گلانه ببی اود نازورومور پهکوټه کښی سرهپسنید لیاوخبری یی کولی خو ښیرازی دا سوچ کاوه چهلاتر اوسه پوری په هغـــی پسی خبری کوی.. اوددی سپکو سپو رو اوتوږونو، تومتونو تصور هغی تــه سخته غوسه ور وستله.

ځو شیبی یی همدا سی فکر کاوه چهنا ځاپه دگلا نی ببی خسك چرگ راغی اود هغی دکوټی مخی تهپهیوه پښه ودرید. ځو واره یی کر کــړی وکړی ،اوخپل سر یی ها خوا دیخوا واړاوه. اوچه ښیرازی چرگ تـــه وکتل نویی خپله پڼه را واخیستله، اوپه خسك چرگ یی گوزار کړه.

دچرگ دوزرونو توپ ترپ شو چه پهوار خطا یيسرهیی ټپول اودویړی اوتعجب له زورهیی کر کړی کو لی ښیرازی په غوسی سره وېل:

ـ«ځښتن دی مړشه .... چا خو کوډی درباندی ندی کړی چه دمین پهشان راشی او زما خولی تـــهو دریږی.. دلته خو می دا ځای ستـــا دمرداری دپاره ندی جارو کړی او.. جارو مړیه!»

گلانی ببی چهدا وینا له خپلـــی کوټی نه واوریدله نویی خپله ملا چه سختهځړیکهپکی وشوهسیخه کړه،او پهښنو ودریده، او غوښتل یی چهله کوټی ځخه ووځی .خو چهچرگ ته ییپام شو نویی ولیدل چه په یـــوه پښه لگیدلی، او گوډ شویدی. هـــر ځومره قهر او غوسه چه یی پـــه ستونی کی غوټه شوی وه، پهترخی ژړابدله شوه. او شیبه پس یـــی دپسرلی دباران په شان له ستر گو نه اوښکو داری وهلی. او په ژړاژړا کی یی مړی هم ستایل ادکی مور، آبا، تړور، وروړ، او ځهیی چه مړه شوی وو وستایل، اوکه هر ځـــو دنازوو ادی ډاډینه ور کو له اومړو تهیی دعا کوله هغه نه ډاډه کیدلهاو ژړایـــی لاپسی زور اخیست.. ښه شیبه دنازورو ادی هڅه وکړه تـــر هغو چه غلی شوه او له چغو نــــه کیناسته په سلگو شوه او بیایـــی دلیوگی پهشانمنډه کړه اودښیرازی دکوټی مخی ته ودریده. دواړهلاسونه ییپه ملاپوری ونیول او چغه یـــی کړه:

«تهزما چرگ گوډوی.. دا چرگ

چه‌ما دملاخیرو له ماندینی نه په دری منه جوازو اخیستی دی.. ها..؟»

اوبه یوه شیبه کی یی دعالم‌سپکی سپوری په بنیرازی باندی واوروله. اوبیا یی چیغه کړه:

-«به خپل کور کی مو همدا سی چرگ درلود؟. په کور کی خه چه‌په کلی کی‌مو داسی چرگ ندی لیدلی وزیږز نه پیژنی پاتی کی چرگ!»

او ها خوا بنیرازی خوله پری پرانیستله. نه یی پلار ور پر ینبود، نه‌مور اونه خپل خپلوان.

ټول یی ورته بنه وستایل.. اوپه غلاټکي، لمسون، درواغو او سل‌نورو عیبونو یی تورنه کړه.

دگلانی ببی په ستونی کی یی خبره غوټه وه. نویی په ژبی جا ری شوه:

-«وی وی خوازکی سته دی ور شه کودی دی وکړه. تاسو ټول کوډ گر یاست. آبادی جوگی‌ژادی دی بنگړ- یواله وه، ترور دی بنگړ یواله وه‌قوم اوقبیل دی کوډگر او بنگړیوال دی»

اوپه همدی وخت کی دنازو رو ادی راغله، اود بنیرازی بلا بلا یی واخیسته اوزنی یی ورته ونیو لی‌او په‌دلاسا کولو کی یی ورته وویل:

-«لوری ته خو په‌ما گرانه یی‌زما دسترگو توریی... ته دی ولی خوله لدی گلانی ببی سره سپکوی ؟؟»

اوچه گلانی ببی دا خبری‌واوریدلی، سخته غوسه ورغله او په نازوروادی باندی یی خوله بیرته کړه .او بیایی ترخه ژړا پیل کړه:

-«وی زما خواری برخی، زمادکی زما نازولی موری...»

اوپه ستاینو او زیښتنیو یی چرگ هم یاد کړ:

-«وی زما په چرگو کی- ایکی یواځی نازولیه چرگه.... زما زړه‌وره اوباتوره چرگه!!»

* * *

گلانی ببی بنیرازی ته اوبنیرازی گلانی ببی ته سپکی سپوری ویلی اویو بل‌ته یی پیغورونه ور کول او یوپه بل‌باندی یی تورونه تړل تر هغو چه غرمه شوه اوتاجی یا تاج‌گل پداسی حال کی چه مالوته یی په ترنگړ کی وابنه کړی وو، کور ته ورننوت .یو وزگوړی یی شاته روان ژدوز کوړی په غاړه کی زنگوله‌پرته وه‌او په خپلی نری پوز سره چه هره شیبه یی دتاجی له‌وښو نه‌ډك ترنگړ ته وراوږداوه یویو ډکی‌وابنه راشکول اوپه خپلو کو چنیو غا ښو یی شخوند پری واهه.

تاجی لاوابنه نه‌ؤ په ځای کړی‌چه چیغه شوه او گلانی ببی په بنیراوو ورته پیل وکړ. همداسی په دالا نه کی ناسته وه اوسر یی سرتورکړی ژاوخپل ویښتان یی شکول همداسی چیغی وهلی :

-«ای بی غیرته! ته چه له کوره وځی خه خبریی چه‌دا بنگړ یوا له ښځه دی په‌ما باندی څه کوی،زه‌په اورکی ناسته یم اوزکی ...»

تاجی په وار خطایی سره ترنگړ له‌اوږی وغور ځاوه اودا لانه ته لاړ.. هرڅه‌یی چه پوښتنه کوله چا سم ځواب نه‌ورکاوه ..بنیرازی په‌گلانی‌او گلانی په بنیرازی بدرد ویل، آخر تاجی دنازورو ادی وپو ښتله چه‌څه چل‌دی .نازورو ادی ورو سته تر یوی اوږدی وینا خبره ور لنډه کړه. اودگلانی ببی په گټه یی شا هدی ورکړه. دنازورو دادی لاخبری نه‌وی خلاصی شوی چه تاجی خیز کړ او بنیرازه یی ترویښتانو او کو ځیو ونیوله. اوله دالانه څخه تور گرد پورته شو.

تاجی چه‌د بنیرازی په وهلو ستړی شوی ژهمداسی یی بنیرا زی ته وویل:

-«دکوډگر او جوگی لوری راوبا- سه تاوید.. را وباسه تاوید،،»

بنیرازی همدا سی خوا ستو نه کول قسمونه یی خوړل، چه تاو ید ماوید نشته او گلانه ببی درواغوایی خوتاجی نه‌دریده هغه همداسی‌تاوید غوښته آخر یی گلانی ببی ته‌وویل:

-«ابی تاوید چیری دی.. را شه پخپله‌یی پیدا کړه!!»

گلانی ببی چه زړه یی په‌بنیرازی باندی سړ شوی ؤ‌په بریالی نظر سره یی دسترگو له کنجه بنیرازی ته وکتل اود هغه دکوټی خوا ته ور تیره شوه، او هلته دکټ لاندی د پوزی څنډه یی راوا ړوله .

هلته دموږك یوه سوړه وه، دگوتو په څوکو یی سوړه وپلټله. او بیایی پداسی حال کی چه دبری او ویاړنه زړه پړسیدلی ؤیو کوچنی‌قات شوی سپین جك كاغذ راوویست او تاجی ته‌یی ونیو.

-«ددرواغجن مخ دی تور شی ... دادی واخله داتاوید ندی څه شی دی؟!»

تاجی کاغذ واخیست او له کو ره ووت.

* * *

همدا چه دکلی جومات ته ورسید نودکلی ملانوی دما سپښین لمو نځ خلاص کړی او ورو ورو یی تر شونډو لاندی دعا ویله ..او چه‌تاجی یی ولید نویی دعا لنډه کړه اوتاجی ته‌یی مخ واړاوه .

-«تاجگله بچو څه دی..»

تاج گل‌په خپه څیری مړا وی سترگی ور واړولی او ورته ویی ویل:

-«ملا صاحب کوډی می راو ړی دی، چه‌ویی باسی!!»

ملا په‌ډیر غیر او دقت سره‌كاغذ راوسپړه، دتاجی او ملا په ستر گو اوزړونو کښی هیجان څپی وهلی. دواړودکاغذ دقاتونو خلا صیدل څارل. چه پوړی خلاصه شوه نود تاجی هیجان لاپسی زیات شو ... ملاچه پوړی ته وکتل نویی په تندی باندی گونځی راغلی.. په غو سه شو.

اودملا دتندی په کتو سره دتاجی هیجان خپل وروستی حدته ورسید. چیغه یی کړه:

-«ملا صاحب څه دی؟»

-«خاوری دی په سر دی!!»

او په غوسی سره یی تا جی ته وکتل

-«هلکه تاجگله دا موخه ملنډی‌زا اخیستی دی.. داتا وید دی؟! تاسو دهرشی سپکاوی کوی..»

او پوړی یی بیرته تاجی ته‌گوزار کړه اوچه پوړی گوزار شوه نودهغه له منځه نیول شویو نوکانو ترو هل تویی شول .

تاجی خړخړ کتل. اوسریی ټیټ اچولی ؤپه زحمت‌سره یی‌دملاصاحب نه‌خدای پامانی وکړه. زړه یی دشرم اوغوسی له متضادو احسا سا تو څخه پړسیدلی و. له جومات نه راووت اوکور ته‌روان شو.. په زړه کی‌له بنیرازی نه‌سخت شرمیده.او همداچه دکور خواته ورسید یوه شیبه یی‌فکر وکړچه له‌ولی څخه لبنتی زاپری کړی او بیا کور ته‌لاړ شی.. خوبیا یی له‌ځانه سره سو چ وکړ،، له‌خپل تصمیم نه واوښت ... غوښتل یی چه کورته ننوځی خو په زړه‌کی شرمیده. له کورنه‌دبنیرازی دژړا غږ پورته ؤددی غږ له‌اوریدو سره‌یی خپله لاره کږه کړه او په‌وږی نسی بیرته کروندی ته ستون شو.. دادی غږیی په غوږو کی کړنگیده:

-«ای بی غیرته... ای بی غیرته»

اوبیا یی دملا خبری ځا نته‌ور یادولی:

-«تاسو دهر شی سپکا وی کوی!!»

اود شرم اولوږی له زوره یی‌لاس کارته نه‌ورته... سر بیره پدی‌دمور دگوډ چرگ دتاوان داخیستو خیال ځوراوه.

فرانسواز ساگان

س-آیا هنوز هم به‌این عقیـــده هستید که‌زنان نسبت به‌مـــردان ناقص تر اند.

ج-نی. فکر نمیکنم که من‌چنین چیزی گفته باشم به‌نظر من تنهادر موارد خاصی شاید اینطور با شد من زنانی رامیشنا سم که مردان را رهنما یی میکنند همین گونه زنانی را میشنا سم که تنها کار خا نه را به‌دوش دارند یادر گو شه یی نشسته میگریند به همین تر تیب مردانی را میشنا سم که مثل گو سفندمطیع هستند ومانند سگ برای زنان کار میکنند این مساله فقط یك امرفردی وابسته به‌رابطه قدرت میان آدمیان است.

س- نظرتان دربـــاره آزادی زن چیست؟

ج-من زیاد به‌این موضوع علاقه-مند نبوده ام در هژده سا لگی کتابی نوشتم که خوب به فروش رسید .در نتیجه خودم زندگی خودرا تا میـن میکردم ومستقیماباسوال آزادی‌روبه رو نشدم.چون ازنظرمالی استقلال داشتم، روابطم‌بامردان برپایه‌برابری استوار بود من هر گز ازمردی ده فرانك برای غذا نخواسته ام مردان همواره دوستان من بوده اند.

س-نظر تـا ن در با ره از دواج چیست؟

ج-هیچ .من دوباربامردان دوست داشتنی ازدواج کردم. مادوستا ن حوبی بودیم حالا فکر میکنم کـــه ازدواج زیاد ضرور نیست آنچــــه ضرور است، داشتن کسیست کـــه آدم دوستش‌داشته باشد.

س- درباره این شایعه چه مـی گویید که فرانسواز ساگان شیفته موتر دوانی مشروب ومهما نیســـت آیااین سخن واقعا یك شایعه‌است؟

ج-نی،درست است دودبی آتش که‌وجود ندارد من براستی تیررانی رادوست داشتم کار های احمقا نه یی میکردم ومیخواستم وقتم خو ش بگذرد اصلا نمیخوا ستم بخوا بـم. ولی‌حالا این‌کار امکان ندارد اگـر- چه آزا دم مـا نعـی مـو جـــو د نیست ،اما پسر سیزده سا لـــه- داشتن فرزند چیز مسخره بیست . یی‌دارم که‌به زندگیم شکل داده‌است من دروجود او زند گی میکنم.

س- نظرتان درباره زند گی‌تان تااین لحظه چیست؟ هیچ احسا س تاسف میکنید؟

ج-من یك زندگی عالـــی دارم به‌نظر من چیز های خوب ومطبوع داشتن یك کار، آزاد بودن دو هفت است. داشتن مردم وداشتن چند تا رفیق



روضهٔ شاه ولایتماب از شاهکـــار هـــای معماری عصر تیمـوری در افغانستان

شرط اساسی

[illegible] زندگانی خوب توام باسلا متی انسان‌است .

١- میان دو غذا در صورتیکـــه‌گرسنه نیستید کوشش کنید چیزی نخورید .

٢- هنگا میکه غذا می خوریدتانی‌وآرامش را حفظ کنید .

٣- با عجله غذا نخورید .

٤- سعی کنید از آشامیدن قهوه‌وچای به مقدار زیـاد خـــود داری نمائید .

٥- هیچگاه مشروبات الکلـــــی‌مصرف نکنید .

٦- کوشش کنید که حتی المقدوردر پروگرام خواب شما سکتگـــی وبر هم خوردگی رونما نگردد .

٧- هنگامیکه از خواب بیدارشدیدکوشش کنید که زود ازبستر خارج شوید و خود را عادت ندهید که‌چندلحظه دیگر نیز دربستر با قی‌بمانید.

٨- وبـالاخرة عادت کردن بــــه‌پاکیزگی یکی از مهمترین عوامـــل سعادت و خوشبختی است .

ولی قندی‌مواد

دانگورو خوراك دهغو خلكو دپاره زیات گټور دی چه په‌راز راز تبـو باندی اخته شوی وی.

انگور دوینی تریوالی له منځـــه باسی نرځکه باید ووایو چه‌دانگورو هرکیلو دیو لیتر کانی اوبـو سره ورته والی لری. انگور دبدن حرارت تامینوی اوله همدی سبب نه یو کیلو انگور ددوه کیلو غوښی خواب وایی انگور دبدن مسمو میت لیری کوی اوهمدغه نسبت دی چه‌یو کیلوانگور دیولیتر شیدو ونه زیات مؤثریت لری .

خو داچه دانگورو مؤثریت دبدن دټولو غړو دپاره زیات گټور دی‌نو راشی چه‌په خپلو ورځنیو خوراکونو کښی ورته ځای ورکړو او په دی توگه دبدن ټولو ضرورتونو تـــه‌د انگورو په استعمال سره‌ځواب ووایو .

چرا مردان کمتر از زنان

زندگی ضعف بزرگی شمرده همه غم واندوه شانرا به دل میریزند واغلب هم نتیجه‌ناگوار میگیرند . یعنی زهر چکیده ازاندوه آنها را مسموم ساخته دچار ناراحتی های جسمی و روحی چون سکته قلبی ، مرض قند، عصبانیت هاوامثال اینها میگرداند .

پس چه باید کرد ؟ :

قبل ازهمه برای جلوگیری ازهمچو عوارض بایست مهر سکوت ازلب هابرچیده‌وهردردی **دارید به دوست یادوستان مورد اعتماد بازگو** نمائید ویا آنرا روی کاغذبریزید. این‌روش بیشتر ازآنچه فکر میکنید **درکم‌کردن از بار اندوه موثراست .**

درقدم دوم گریه را فراموش نکنید و **در مواقع شدت غم ویاهرمساله نا راحت کنندهٔ** دیگر ازگریه خود داری نورزید واگردرانظار نمیتوانید بگیرید آنرادر تنهایی **انجام دهید** وآنقد بگیرید تاآرام گیرید .

استراحت ، تفریح وآرامش هم عواملیکه سلامت راازخطر میرهانند :

متاسفانه بسیاری از مردان در تفریح واستراحت هم‌سهل‌انگارند. آرامش واستراحت درخانه ازاصول مهم زندگی است . استراحت تنها خوابیدن نیست .

مطالعه کردن، گوش دادن به **موسیقی ،** دراز کشیدن ویاحتی **ورزش و ادمان همه** استراحت است . واین **بسته به میل خود** شماست که‌کدام نوع آنرا **باخوابیدن توام** میکنید .

نقش تفریح رادر حفظ سلامت ونشاط روحی وجسمی ازیاد نبرید. **تاحدامکان بکوشیده از** رخصتی هااستفاده **مزید برید، با خانواده** یاهمکاران ودوستان **گاهگاهی به گردش روید** وسیاحت **کنید .**

اگر کسالتی دارید ویا ناراحتی کوچکی، به آن بی توجه نباشید ونادیده نگذرید، بلکه به زودترین وقت وکمترین فرصت **به داکتر مراجعه کنید ودستور هایی ازوی بگیریه .**

رول غذانیز درسلامت جسم **وفکر خیلی فعال وپرارزش است بنابرآن در انتخاب غذا** وآنچه میخورید **به سرحد وسواس دقت کنید .** ازخوردن غذاهای **ثقیل وچرب بپرهیزید، غذا** های پروتین ولبنیات **بیشتربخورید ودرخوردن** سبزیجات تازه وخام ومیوه **هاکه حاوی و** سرشار ازمواد مفید وضروری **بدن است** صرفه نکنید .

بزرگترین نمایشگاه

خاطره فراموش ناشدنی ام در تابلوی **است** ویادر (پورتریتی) است که ازمولانا **جلال‌الدین** محمد بلخی کشیدم آنهم طوری بود **که‌شخص** تقریبا ۲۰ سال قبل (پورتریت) های خیالی ازمولانای بلخی بمن داد تااز روی **آن نقاشی** کنم، وقتی من آنرا دیدم **هیچکدامش خوشم** نیامد. تاآنکه همهٔ مثنوی **دیوان شمس تبریز** رابمن ترجمه کردند بعد مولانا را **در خواب** دیدم وبعدازآن به **ترسیم پورتریت مولانا** پرداختم .

پرسیدم‌که سبك نقاشی شماچه **نام دارد ؟**

به جواب تنها گفت: (شکور یزم) وبعدوخندید وادامه دادکه این خودیك مکتب جدید است که تاحال ازطرف کدام رسام دیگری **تعقیب نشده .**

گفتم: روی چه انگیزی **بدایرکردن این** نمایشگاه پرداختید؟ گفت: همیشه مرامی‌گفتند که توکلتورفرانسوی داری ازینرو نمایشگاه هایت رادر لیسه استقلال دایر می نمایی ، اینبار درقرائت خانه لیسه امانی این‌نمایشگاه رابرپا کردم تاثابت سازم که من یك افغان هستم وهروجب خاك این سرزمین رامن خاك خویش میدانم خوشبختانه که این نمایشگاه ازبزرگترین نمایشگاه هایست **که تاحال در** کابل دایر شده است .

گفتم: چه پیامی به جوانان هنرمند **دارید.** درحالیکه میرمن شکوررولی خیلی به این‌سوال آمادگی داشت . گفت: من ازهمه آنا نیکه میخواهند هنرمند شوند وهنر خودرا **انکشاف** دهندودر خدمت اجتماع بگذارند، تنها وتنها یك پیام دارم **وآن این است** که هنر، اولاعلم میخواهد وبعدآن پشت‌کار اگرمیخواهیدهنرمند شوید عالم شوید ودرمورد آنچه **میخوا هید** شوید چیزی بیاموزید وبعد آنقدر **کار کنیه** وسعی وعمل بخرج دهید تامقصود **تان‌برآورده** گردد درغیرآن اگر دانشی نباشد **ولو شما** بسیار استعدادهم داشته باشید **نمیتوا نید** انتظار نمائید وخلق نمائید **درآنصورت مجبور** خواهید بود، دنباله روی **نمائید، که این** خیلی بدهستم .

او کیست

شهر و « هارتفورد» دو کتاب‌معروف خود راکه شهرت‌جهانی داردنوشت: تام سایر، شاهزاده وگدا . ..

بعد از بدست آوردن شهرت وسیع او باز هم هوس‌جهانگردی‌کرد ومدت چهار سال‌در لندن‌ووین‌زیست اما درسال ۱۹۰٤ که همسرش در فلورانس دیده از زندگی‌فروبست او به نیویارك باز گشت جندی بعد ملکی در « ردینك» در کنیتکات خریداری کرد بروی تپه خانه زیبایی ساخت و دوسال آخر عمرخود رادر آنجا بسر برد روز ۲۱ اپریل۱۹۱۰ بود که تند باد مرگ شمع زندگی اورا خا موش کرد حالا این‌نویسنده نامدار قرن ۱۹و۲۰ را به ما نام ببرید .

په کورونو کښې

تخنیك دنارینه سره یو رازاستعداد لري ښوونځي ته لیږي. چه پدي ترتیب په‌کورونوکي پاتی‌استعدادونه دمرگه پوری پټ پاتی اوتر خا ورو لاندی کیږی .

دټولو لوړو خبرو سره بیا هم‌په کوڼ کښې په خاصه توگه **اودهیواد** په‌نورو ولایتونو کښې هم ښځی ته هغه حق نه ور کو ل کیږی چه نارینه ته ورکول کیږی .

دښځو دحق دتا مینولو لپا ره مبارزه ښایی چه‌د کور نی څخه‌پیل شی اوپدی ځای کښې دی چه باید دهلك او نجلی ترمنځ‌توپیر له‌مینځه ویوړل شی اودا خبره هیڅکله ونه شی چه: «په‌لور با ندی دپردی کور ودانیږی اود پلار اومور په درد نه دواکیږی اوزوی دی چه دپلار دمټو قوت گرځی.» او په دی غلط او بی ځایه قضاوت باندی خپله ټوله‌یا ـ ملرنه دزوی تربیی ته واړوی او لور ترنظره وغور ځوی او پریی نږدی‌چه زده‌کړه وکړی اوپه ټولنه کښې و ځلیږی له همدی امله دی چه دښځی لومړ نی‌حقونه تریښو لاندی کیږی .

نو ښا یی چه تر ټو لو لو مړی دهغو کسانو دمغزو څخه چه دنر برتری ته دښځی په پرتله زیات‌قایل دی‌او ښځی دکور دیوی متاع په څیر گڼی داخبره وباسو، او ورته ور وښیو چه ښځی دژوندانه په‌ټولو چار کښې خپله دنده تر سره کولای شی.

ښځی نه یوازی دکر کیلی، د ځنگلونو دلر گیو دراوړلو او نور بدنی اود کور په چارو کښې ښه قوت لری .بلکه په زده کړه کښې هم‌دنارینه سره په پړاو کښې دی‌او په ډیره ښه توگه کو لای شی چه‌د زده کړی چاری ترسره کړی،اداری کارونه وکړی اوپه طبابت کښې‌ښه فعاله برخه واخلی. لکه څرنگه چه اوس په نړی کښې ښځی ددی از- موینی څخه په بری سره وتلی‌اوهڼ دمغزو په جراحی کښې ښځـود نارینه څخه ښه اوپه‌زړه‌پو ری‌نتیجه ورکړی.

مگر له بده مرغه وینو چه زموږ دهیواد دکوڼ په سیمه کښې چه کوم وخت دیوی کورنی مالی توا ن کمزوری وی نو ښځی دنارینه سره یوځای او اوږه پر اوږه کار کوی او دستر اومخ پټولو خبری بیخی په خو له نه اخستل کیږی .خوکله چه یو څه په پښو ودر یږی او نارینه‌په ځان دکور دښځو او ماشو مانو د خوراك او پوښاك دعهدی څخه ووتلی شی نوبیا ښځی نه‌یوه بوقره (چادر) رانیسی او هما غه ښځه چه مودی مودی یی دمیړه سره اوږه پر اوږده دژوند دښه والی دپاره هلی ځلی کړی په بوقره کښې پټه کړی اودکور څخه دراوتلو بندیز پر ی جاری شی او ستره یی کړی. پدی ترتیب دژوند دمالی وضعی څه‌ناڅه ښه توب په کوڼ کښې دښځی‌دکور په‌دننه کښې دبندیدو سره مستقیما متناسب دی. که چیری دیوی کورنی اقتصادی وضعه ښه شی نو هرومرو به‌خپلی ښځی او لوڼو ته بو قری رانیسی اوهغوی به بیا بی بو قری نه شی گرځیدی .

مگر پوهو انسا نانو ته‌داجوته ده‌چه دټول نی دتکا مل قا نون په پریکړونی (قاطع) ډول دبشردآزادی اومساواتو په گټه حکم کوی اود همدی طبیعی قاعدی لاندی دی‌چه دزمانی څرخ دښځو دحقوقو دترسره کولو په لوری مخ په وړاندی‌او چت گامونه اخلی .

دمساوات غو ښتنه یوه قوی‌انگیزه ده. پیښس لیك په پای کښې بری دهغه چا گڼی چه‌د مساواتـو او برابری په لټه کښې وی. لکه چه یوه پوه وایی :«مساوات دانسا ن حتمی سر نوشت دی اوله هغی نه تیښته نشته» .

نو ښه به داوی چه زموږدکوڼ دسیمی وطنوال هم دی ټکی ته لږ څه‌په غور سره فکر وکړی اودزمانی دایجا باتو او انسانی حقونو په خلاف سنگر کښی‌ونه دریږی‌اوښځو ته چه ددوی په ژوند کښې یی دنارینه سره ډیری ستو نزی‌گاللی اوگالی یی دیو انسان په ستر گو وگوری اوتر نارینه‌کمی‌ونه شمیری.

شخصیت زن در آئینه مطبوعات کشور

تهیه وترتیب از: ر،ر

سهم گیری زنان در خدمات اجتماعی

چون عطوفت ، مهربانی وترحم در نها د زنان بیشتر سراغ میگردد لهذا میخواهم‌نقش زنان را در خد مات اجتماعی بیـان کـرده ودرین باره روشنی بیندازیم .

به همه واضح ست‌که بشر مخلوق اجتماعی بوده وحیات اجتماعی از تشکیل فامیل آغاز گردیداست لهذااز بدو پیـــدایش احساس اجتماعی در انسانها با مفکوره تساند وتعاون یکجابه میان آمده واین ذهنیت روز بروزقوی ترشده ووسیله ایجاد موسسات به منظـو ر حمایت از منافع اجتماع گردید .

این حرکت موازی با انکشاف اقتصادی و اجتماعی سیر ارتقایی خودرا پیموده مگر در گذشته هاکه افق نگاه محدود بود فرد صرف به خود وبه اجتماع کوچك خود فکر میکرد مگر امروز ناگزیریم بیك ساحهٔ وسیع ترکه عبارت ازجـوامـع بشریست ببیـند یشیم‌و همهٔ آنهارا تحت عنوان کارهای اجتماعـی ، خدمات اجتماعی ویابهبود وضع جامعه مطالعه نمائیم .

اکنون مشکلات اجتماعی یك جمعیت ویایك ملت در صورتی حل میشودکه تمام مردم آن جمعیت درپرتو اتحاد واتفاق عمل منا فـع همگانی را حفظ نموده ودر سایه این مساعی جمیله، سعادت افراد راحمایه کنند .

حینکه درسال ۱۸۴۸ انقلاب صنعتی دراروپا صورت گرفت این انقلاب در پهلوی سایـر تحولاتیکه درساحه های اقتصادی ، اجتماعی وسیاسی وارد نمود باانکشاف وروابط جهانی فکربشررا ازمفکوره های محلی به اندیشه های آفاقی ونگاه های وسیع تحول بخشید آهسته آهسته موسسات خریه وامور اجتماعی قو ت گرفت .

وبعدا جنگ هاوخون ریزی های پیهم‌باعث تلفات انسانها گردید چنانچه ازجمله میتوان ازواقعه (۲۴ جون ۱۹۵۲) عیسوی یاد آورشد که این واقعه یعنی میدان حرب (سالمرینو) جنان احساسات بشر دوستی هانری دونانت راتکان دادکه خودرا مکـلف دانست تـا در تاسیس موسسه انسانی صلیب احمر صرف مساعی کند.

بهرحال زنان جهان نیزدربهبود وضـــع جوامع بشری بی سهم نمانده وبدین ترتیب خاطراتی جاویدانی در صفحات تاریخ ازخویش بیادگار مانده اند .

چنانچه قبل ازظهور حضرت مسیح دو زن بنام (فابیوله ومرسله) درجوار یکی از کلیسا هاشفاخانه برای پرستاری مریضان وبینوایان وقت تاسیس کردند وبه تعقیب ایشان پیغله (لوگره) به پرستاری مجر وحین ومصیبـت رسیدگان کمربست وبرزخم هامرحم نهـاد . همچنان فلورانس زن دیگری بود که حیـات شیرین خود را وقف خدمات انسانی نـمود این زن مهربان باوصف تمـو ل ودارایی سرشار از طبقه اشراف انگلستان بوده‌روی همه نعمات خط بطلان کشید لباس سفید به تن‌کرد وترجیح داد درین مسلك بانهایـت افتخار پیش‌برود وکارکند وازاثرهمان‌احساس نیکویش امروز نام‌بلبل گلزار نوعدوستی‌را اختیار نموده است.

پس گفته می توانیم که زنان درهمه ادوار تاریخ ودرپرتو عواطف رقیق انسانی کـه در نهادشان به ودیه گذاشته شده است همیشه مصدر خدمات انسانی برای اجتماع‌گردیده‌اند.

زنان افغان درپهلوی سایر زنان جهان طی قرون متمادی علاوه ازامور منزل، تربیه طفل، زراعت ومالداری، قالین بافی، وگلیم ونمـد وغیره دو شادوش مردان درخدمات اجتـماع بوده‌اند واکنون نیزدرتمام رشته ها مصروف خدمات اجتماعی می باشند.

اکنون جامعه زنان افغانی کانون فعالیـت های مثبت در پیشبرد همه امور اجتماعـی بوده واین یك واقعیت روشن وانکار ناپذیر است که زنان : یعنی نصف نفوس جامعـه ماااز قدیم درتولید اشیای ضروری اشتغـال داشته وحتی دربعضی ساحات نسبت به‌مردان بیشتر ابراز فعالیت ولیاقت نموده اند .

سلام بتو ای زن

زن ای خورشید برج مهر والفـت
زن ای سرمـایه هستـی بـدوران
سعادت را تـوئی نو رو فـرشته
زن ای آموزگـار صدق پاکـــی
زن ای زیبا ترین مخلـو ق ایزد
به تاج آفـرینش گـوهری تـو
جهان را از لبت شاداب کـردی
همه گیتی شده روشـن ز رویــت
روا باشد اگر دارم تـرا دوسـت
تو باشی مونس و یـــار (انیست)

زن ای جنس لطیـف و با طراوت
تو هستـی مظهر تـاج شـرافـت
تو پروردی نـوابـغ را ز فطـر ت
ز تو گـلشن بود بـاغ نجابـت
سراپایت بود مـوج لطـا فـت
تو هستی مخزن اسرار خلقـت
تـوئـی سر چشمهٔ راز طبیعـــت
تو هستی اختر شـب های ظلمت
تو هستی مظهـر عشـق و محبـت
تو ئـی شهکـار صنع دست قدرت

نقش زن در اجتماع

از احساس لطیف ومهر با نی زن که با پرورش وآمو زش اساسی وواقعی صیقل می پذیرد، باید در- خدمات پر ورشی بهدا شتـــی و آمو زشی بیشتر استفاده کرد ز ن طفل را خوب می پرورد، فر زنـد فردارا مالك سجایا ودانش بار می آورد.

باآموزش‌نو باو گان بادل سوزی خاص‌و باحو صله وفراخ مـــی پردازد.

به رنجوران وبیماران ، بـاروح کریم‌می نگرندورسید گی می کنـد به مصیبت انسان یارو همراه‌شایسته اند ازسوی دیگر باحقوق مساوی‌در- کار های زندگی واجتما عی وجهانی سهم گرفته ومی گیرند حا لیا از- گذشته ها گذشته با استواری ها در میدا ن زند گی پا گـــذار ده است مااین حرکت نوین رابـرای زنان‌در خدمت‌عمو می باآرزو مندی توام مو فقیت می خواهیم.



زنان امروز دو شا دوش مردان‌در هرجا چه در فابریکات چـــه در مزارع وچه در دفاتر وغیره مصروف‌کار وفعالیت اند

په کونړونو کښی دښځووضعی ته یوه کتنه

دوهمه برخه

دمینی ،میدی او مـــاکسی ژوب سره هیو آشنا نه‌دی، لب سر ین اودوروڅو قلم دوی په‌واده کی هم‌په سترگو نه‌وینی ددوی لب سر یـــن اود وروڅو دندا سه دچار مغزپوټکی اورانجه دی.

دخوب، ویښی اوکار کمیس یی هماغه یو وی. دزیږ نتون نه هم نــا خبره دی اود اولاد دزیږیدو په وخت کښی‌دکلی یوه‌زړه ښځه دزیږ نتون دډاکتری وظیفه په غاړه اخلی .ګڼ شمیر ښځی داولاد دزیږیدو په‌وخت کښی دنیستی کندی ته لویږی او مری.

په‌داسی حال کی چه داوه اتــه میاشتو اولاد یی په نس کی وی‌د میړه تر څنگه ددرانده کار څخه‌لاس نه‌اخلی . خو بیا هم دوی ته‌دحقارت په‌سترگو کتل کیږی او لکه څنګــه چه دوی دنارینه سره یوراز انسانی حقو ق لری له هغــو ټــو لوڅخه بی‌برخی دی.

دوی دمتاع په څیر په میراث کی ویشل کیږی که دیوه وړور ښځــه کونډه شی نود بل وړور یاتره زوی سره اجباری واده ته‌را کښل کیږی.

دوی دښوو نځی دزده کړی نه بی خبره دی اوکه کومه یوه یی ښوو- نځی ته‌ځی نود انگریز دوختودتوری ارتجاغ گوډا گیان چه دامانی نهضت په‌خلاف هم‌ؤ عوامو ته داسی تــــر غوږو کړی چه دنجو نو لیږل ښوو ونځی ته ددوی داخلاقی انحــرا ف سبب کیږی او تاسی مسلمانان‌باید خپلی لوڼی ښوو نځی ته ونه لیږی اووایی چه :«ښځه یاپه‌کوزده یاپه گور».

همدغه غلطه اوبی ځایه پروپاگنډه اوس په بیرته پاتی سیمو لکه کونړ کښی دیو دود ښه غوره کړی، او ډیر کم شمیر خلك پدی اوس کښی هم‌چه دفضا دتسخیر او علم‌اوتکنا- لوژی عصر دی او ښځی په علــم او

پاتی په ۵۷ مخکی



حبیبه عسکر یکی ازژنان فعـال تیاتر کشور

تهیه وترتیب :لطیفه نوری

اهمیت اجتماعی زنان

واضح است که زنان سازنـــده‌جامعه امروز وبنیان گذار جا معـه فردای کشور اند چه وظایف خطیروسنگینی که آنها بدوش دارند وبا قبول زحمات وتکا لیف گونا گـون‌فامیلی زمینه کار وفعا لیت راغر ض پیشر فت ورشد کشور بامبارزات‌پی‌گیر مساعد ساخته اند .

پس چرا به چنین عنصری که‌هرگونه فدا کاری وخدمت برای ملت ساخته دست اوست روی این همـه‌ذکاوت وقدرت فهمشس خط بطـلان بکشیم واز حقوق وی‌چشم بپوشیم.

دلاوری های ملالی در صحنه‌جنگ وسر بازی های لیلا خالد وجمیلـه وبسادختران‌وزنان جهان که‌درصحایف واوراق تاریخ نام های شان به‌خط زرین نگاشته شده، ومفتخرا نه در راه‌وطن‌سرداده‌اند تابه‌جهان‌بشریت ثابت ساخته که زن نیز انــر ژی، قدرت واستعداد هر گونه ،کار و فعالیت رادارد وهم ثابت نمـــو ده که‌میتواندوشادوش مردان‌دراجتماع به‌حیث یك فرد فعال وخدمت گذار عرض‌وجود نمایندااما امروز آنچـه راکه دیروز زنان می خوا ستنـــــد خوشبختانه تحت لوای جمهوریـت ارمان های زنان بر آورده شده‌ویاآماده بر آورده شدن میباشد خودرا محظوظ وآزاد حس می کنند اکنون‌زنان باآمدن نهضت‌وتحول درجامعه سد ها وموانع را می شکننـــــدوبه پیش میروند .

ایـــن جا ســت که با مسا عدگردیدن صحنه کار برای آنها وطـن پیش خواهد رفت‌وهمه آبرو مندا نه‌زندگی خواهند نمودای زن افغان!

امروز جا معه به خد مت تونیازداردپس بیا ودوش‌بدوش برادرانت کا ر کـن زحمـت بکش تا نسـل‌های آینده به اثر کار وفعا لیت تو آرامتر ورا حتر زندگی نمایند.

قضاوت مردان بزرگ در باره شخصیت زن

دردنیا سه چیز است که فهم آنهاازتوانایی من بیرون است ،خـــدا حقیقت جهان واند یشه زن.

«حضرت‌سلیمان»

زن است که مردان بز رگ رامی پرورد، مردهر قدر هم درسایه دانش وبینش ،بزرگ وبانفوذگردد، باسهم‌زن‌درمادری وپرورش‌اینگو نه مردان بزرگ از سهم هر سه عامل‌فوق الذکر، بالا تر است. زیراپایه هستی ورشد وبقا مرد درسایـــه‌پرستاری ومهر بانی زن است.

(سلن:قانون گزار باستانی‌یونان)

باتو او چونست ومن هستم‌چنان زیر پای مادران با شد جنـــان

(مو لوی)

زنان بما ادب، حشمت وکرا مت‌فراوان مید هند.

(ولتر)

من عقیده دارم که زنها بزرگترین‌وبا شکوه ترین پدیده های‌آفر ینش هستند .

(رو سا نا برا تزی)

وظیفه زن تهذیب اخلاق مــرداست.

(ولتر)

من زبانم از بیان محبت هـــاوعوا طف همسرم قاصر است لیکن همینقدر میگویم، تازمان نیکه او بامن‌است، فقر وتنگد ستی خود را بادارایی کر زوس مبادله نمی کنم‌هنگا میکه حوادث روزگار بین مـن وهمسرم جدایی افگند بدون شـك‌طورمار هستی وزند گی هر دوی ماجمع‌وجور خوا هد شد.

زن را طبیعت مانند مـرد آزادآفرید ،بگذارید که این آفریده زیبا وپر ورانده نوابـغ‌روز گـار آزادزیست کند.

(منتسکیو)

بقیه‌صفحه ۵۱

افسردگی چیست؟

های شدید و دوامدار مشوره بایك روانکاو ضروریست .

س- آیا دوستان وافراد خانواده بیمار کمکی به بیمار میتوا نند کرد؟

براون- آنان کم‌از کم میتوا نند سر بیمار فریاد نکشند، «دیگر بس کن!»

در حالی که بیمار نمیتواند بس کند. اگر میتوا نست، دیگر افسرده نمیبود. به همینگونه، دو ستان‌و افراد خانواده بیمار میتوانند ازوارد ساختن اتهام به بیمار خود دا ری کنند تا احساس جنایت رادر او تقویت نکنند .

به طور مثال، اگر همکار شما احساس افسردگی میکند ومیپندارد که کارش ارزشی ندارد، شما می توانید کار های خوب او را به‌رخش بکشید. وقتی او تایید شمارابببیند به‌این فکر میافتد که شاید آنقدرهم که‌فکر میکند بیچاره ونا توان‌نیست.

لازم است بگویم‌که بسیاری از مردم پیش از دست زدن به خود کشی نشانه های اخطار دهنده یی از خود شان بروز میدهند. این نشانه هاباید از طرف دو ستان و نزدیکان شان جدی گر فته شود و بیمار راوادار سازند تابه روا نکاوی مراجعه کنند .

س- آیا در افسردگی زنان ومردان اختلافی وجود دارد؟

براون -بلی. احصاییه‌ها نشان میدهد در میان بیما رانی که زیر درمان قرار میگیرند، شماره زنا ن نسبت به مردان بیشتر است. می توان گفت که دوبرابر است .

این احصاییه درتمام سنین صدق میکند.

آنگونه که میدانید ،برخی ازرو یداد های بیرونی در ایجاد افسردگی مؤثر است به طور مثال، زنی که‌در سراسر زندگی کار نکرده است، هنگامی که آخرین فرزند ش خانه‌را ترك میگوید، وی نمیتواند خود شس رابا تنهایی تطابق بدهد. به همین شان مردی که کارش رابا مو فقیت انجام داده ودر سن شصت سا لگی متقاعد میشود وهنوز نمیداند که‌بعد ازین چه کند .این هردو در برابر خطر افسردگی قرار دارند .

معنای این سخن این است بادگر گون‌شدن شیوه زندگی زنان‌ومردان به‌صورت جدی متوجه نشانه ها یی باشیم که افسردگی‌رابه دنبال دارند

س -افسردگی بیشتر در میان زنان ومردان متاهل دیده میشود یا درمیان مجردان؟ اصلا زندگی مشترك درامر افسردگی اثری دارد؟

براون- همین حالا ما سر گرم مطالعات احصا ییه یی درباره ساختمان خانوادگی وبیمار یهای دماغی هستیم .من به شما احصا ییه هایی میدهم که، کم ازکم برای‌خودم قابل اندیشه است :

شش در صد امریکا یانی که‌بین چل وپنج وشصت وچار سال‌دارند درمؤ سساتی چون بیمارستا نهای دماغی ،خانه های سالخورد گان، مراکز باز نشستگان وبیمار ستانهای سالمندان زندگی میکنند.این عده شامل متاهلین، مجردان، طلاق شد گان وبیو گان است. درین میان شماره مجردانی که زیر در مان‌روانی قرار میگیرند، دوچند شما ره کسانیست که زندگی زنا شو یی دارند .

س- افسردگی در کود کان تاچه حد میتوان جدی باشد ؟

براون- کود کان نیز به افسردگی دچار میشوند .اگر چه شکل تبارز آن‌از بزرگسالان فرق میکند. نشانه های افسردگی در کود کان گا هی به‌شکل بیتا بیست، گاهی به‌صورت بی توجهی به مکتب وگاهی هم به شکل بیخوابی وکا بو سهای‌شبانه.

ما غالبا اطلاعات مان را در باره افسردگی کود کان‌روی هم میگذاریم وبادقت این نکته را بررسی میکنیم که‌بهتر شکل بر خورد باافسرد گی کود کان کدام است. افسرد گی‌در کودکان زمینه یی نامعین‌وبحث‌انگیز است. ولی به نظر من‌هر اندازه این زمینه بیشتر شنا خته شود، در راه حل رفتار های درد سر دهنده‌و اسرار آمیز نو جوانان‌ما پیروزیهای بیشتری به دست خوا هیم آورد.

س- آیا وضعیت به خصو ص پدران ومادران کود کان را مستعد پذیرفتن افسردگی میسازد ؟

براون- درین باره پاسخ ساده‌یی وجود ندارد .به نظر من در مورد افسردگی کود کان از ملامت پدران ومادران باید محتا طانه خود دا ری کنیم. زیرا افسردگی بیشس از آنکه فراورده اشتباه‌پدران وما دران‌باشد شاید عامل بیولو جیك وارثی داشته باشد ...

س- آیا شرایط کار امروزی‌واقعا نسبت به گذشته ها بیشتر فشار دهنده ورقابت آمیز است؟

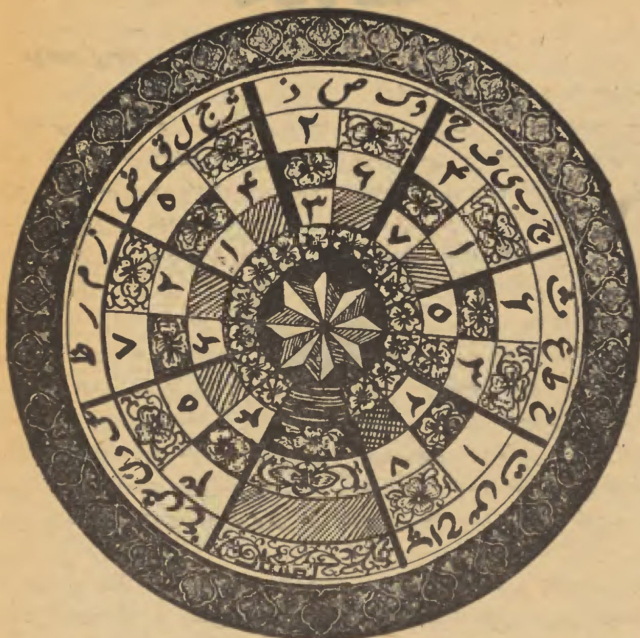
براون -به نظرمن در حال حا ضر شرایط کار از بسیاری جهات نسبت به‌دوره های پیشین بیشتر قنا عت بخشس است. بدینمعنی که سا عات کار کمتر است، مزد بیشتری داده میشود ویکنواختی کمتری بر کار تسلط دارد .

از طرف دیگر ،تو قعاتی که ماز شرایط کار داریم، نسبت به شرایط کار بیشتر تغییر کرده است. هشت ساعت کار خسته کن وتکراری‌برای امرار معاش قابل تحمل است. ولی اگر ارزیابی این هشت ساعت کار ازدید گاه فردی ودرونی‌صورت‌گیرد، به‌نظر غیر قابل تحمل میاید .

س- آیا عصر مابه خاطر وجود تلویزیون وشگفتی های دیگرنسبت به‌اعصار پیشین تو قعات غیرواقع‌بینانه‌رابیشتر در مردم برمیانگیزد؟

براون -فکر میکنم که در مورد پاسخ مثبت به این سؤال هیچگونه تردیدی وجود ندارد. جهان مفاهمه (وسایل مفاهمهٔ گروهی) نه تنهاتوقعاتی رادر انسان به میان میا ورد، بلکه به‌کار بازار یابی نیز میپردازد. بدینمعنی که آدم را به سودای‌موتر

فال حافظ



درهر روزاز هفته که میخواهید فال بگیریدبه‌تصویر بالا توجه نموده یك‌حرف از حروف نام خودرا انتخاب کنید وآنرا از دایرهٔبزرگ‌پیدا نمایید .(فرق نمی کند که حرف اول باشدیادوم‌باشدیامثلا‌پنجم) درزیر همان‌حرف‌مثلثی قرار دارد که دارای خانه های سفیدو سیاه میباشد ودر داخل‌خانه‌های سفید آن‌سه‌عدد ثبت شده است ازآن سه عدد هر کدام راکه دلخواه شماست انتخاب کنید وآنگاه‌به‌همان شماره در زیر نام همان روزاز هفته مراجعه کنید وجواب خودرا اززبان حافظ شیرین سخن دریافت نمایید.

مثلا روز یکشنبه‌حرف چهارم نام‌خودراکه‌میم است انتخاب واز جمله سه عددی که‌در زیرقوس مربوطه به این حرف دیده می‌شودبیت «۷» را اختیار نموده اید. باید به بیت هفتم روز یکشنبه به اشعار صفحهٔ مقابل‌مراجعه کنید وبخوانید لسان اللغیب بشما چه می گوید !

فال حافظ

شنبه

۱ـ همه شب درین امیدم‌که نسیم صبحگاهی
به پیام آشنایان بنوا زد آ شنـا را
۲ـ عنقا شکار کس نشود دام باز چنین
کا نجا همیشـه بـاد بدستست دام را
۳ـ سا قیا بر خیـزو درده جـام را

خـا ك بسـر كـن غـم ايـام را
٤ـ گر چه بد ناميست نزد عـاقـلان
ما نمی خـواهيـم نـا م و ننگ ر ا
٥ـ دود آ ه سينـــة نـا لان مـن

سو خت این ا فسر د گـا ن خـام را
٦ـ ترسم این قوم که‌بردردکشان‌می‌خندند
درسر کار خرابات کـند ا يمـا ن را
۷ـ يار مـردان خداباش‌که درکشتی‌نوح
هست خاکی که به آبی نخرد طوفان را

یکشنبه

۱ـ ساقی بنور باده بر افروز جام را
مطـرب بگو کـه کار جهان شد بکام ما
۲ـ مادر پیاله عکس رخ یار دیده ایم
ای بی خبر ز لذ ت شرب مدام مـا
۳ـ هرگز نمیرد آنکه‌دلش‌زنده شدبعشق

ثبت است درجریدهٔ عـالـم دوام مـا
٤ـ ای باد اگر بگلشن احباب بگـذری
زنهار عرضه کن بر جا نان پیام مـا
٥ـ مستی به چشم شاهددلبندماخوشست

زانرو سپرده اند به مستی زمـام مـا
٦ـ ای فروغ‌ماه حسن ازروی‌رخشان شما
آبروی خوبی از چاه زنخـدان شمـا
۷ـ باصبا همراه بفرست ازرخت‌گلدستهٔ
بوکه بوئی بشنویم از خاك بستان شما

دوشنبه

۱ـ سینه ازآتش دل درغم‌جانانه بسوخت
آتشی بود درین خانه‌که‌کاشانه بسوخت
۲ـ تنم ازواسطه دوری دلدار بگـداخت
جانم از آتش مهر رخ جانانه بسوخت
۳ـ ای قصردل افروز که منزلگـهٔ انسی

یارب مکناد آ فت ایـــام خـــرابت
٤ـ بنفشه طرهٔ مفتول خود گـــر ه میزد
صبابه حکایت زلـف تودرمیان انداخت
٥ـ چون‌پیاله‌دلم‌ازتوبه‌که‌کردیم بشکست

همچولاله جگرم بی‌می وخمخانه بسوخت
٦ـ شمع اگرزان لب خندان بزبان‌لافی‌زد
پیش عشاق تو شبهابه غرامت برخاست
۷ـ حافظ ازبادخزان در چمن دهر مرنج
فکرمعقول بفرما گل بی خار کجـاست

سه‌شنبه

۱ـ ساقی ومطرب ومی جمله‌مهیاست‌ولی
عیش بی یار مهیانشود یار کجـا ست
۲ـ بازپرسید زگیسوی شکن درشکنش
کاین دل غمزده سرگشته گرفتارکجاست
۳ـ هرسروموی مرا باتوهزاران کاراست

ما کجائیم وملامت گر بیکـار کجاست
٤ـ دل دونیم ودلبر به مـلامت برخاست
گفت باما منشین کز توسلامت برخاست
٥ـ در چمن باد بهاری زکنار گل وسرو

به هوا داری آن‌عارض وقامت برخاست
٦ـ خیال روی تودرهرطریق همرهٔ ماست
نسیم موی تو پیوند جان آگه ماست
۷ـ چه‌ساز بودکه درپرده میزدآن مطرب
که رفت عمروهنوزم دماغ پرز هواست

چهارشنبه

۱ـ اگر بزلف دراز تو دست ما نرسد
گناه بخت پریشان ودست کوتهٔ ماست
۲ـ زلف‌آشفته‌وخوی‌کرده وخندان‌لب‌ومست
پیرهن چاك وغزلخوان وصراحی دردست
۳ـ نرگسش‌عربده جوی‌ولبش‌افسوس‌کنان

نیم‌شب دوش ببا لین من آمد بنشست
٤ـ سرفراگوش من آورد با آواز حزین
گفت ایعاشق دیرینهٔ من خوابت هست
٥ـ عاشقی راکه چنین بادهٔ شبگیر دهند

کافر عشق بود گر نشود باده پر ست
٦ـ دردیر مغان آمد یارم قدحی‌دردست
مست ازمی‌ومیخوران‌ازنرگس مستش‌مست
۷ـ درلعل سمند او شکل مه نوپیداست
درقد بلند او بالای صنـوبـر پست

پنجشنبه

۱ـ آنچه او ریخت به پیمانه ما نوشیدیم
اگر از خمر بهشت‌است واگربادهٔ مست
۲ـ خندهٔ جام می وزلف گره گیر نگار
ای بسا توبه که چون توبهٔ‌حافظ بشکست
۳ـ ماراز خیال توچه پروای شراب‌است

خم گوسر خود گیر که‌خمخانه خراب‌است
٤ـ معشوق عیان میگذرد بر تو لیکـن
اغیار همی بیند از آن بسته نقابسـت
٥ـ زلفت هزار دل بیکی تارمو ببست

راه هزار چاره گر از چار سو ببست
٦ـ در کنج دماغم مطلب جـای نصیحت
کاین گوشه پراز زمزمهٔ چنگ وربابست
۷ـ شیدااز آن شدم‌که نگارم چوماه نـو
ابرو نمود وجلوه گری کرد و رو ببست

جمعه

۱ـ رواق منظر چشم من آشیانهٔ تست
کرم نماوفرودآکه خا نه خانهٔ تسـت
۲ـ دلت به وصل‌گل ای‌بلبل‌صباخوش‌باد
که در چمن همه گلبانگ عاشقانه تست
۳ـ خلوت‌گزیده رابه‌تماشاچه حاجت‌است

چون‌کوی‌دوست‌هست‌به‌صحراچه حاجتست
٤ـ ارباب حاجتیم وزبان سوال نیست
درحضرت کریم تمناچه حاجت اسـت
٥ـ تاسرزلف تودردست نسیم افتادست

دل سودا زده از غصه دونیم افتادسـت
٦ـ دل من‌درهوس روی توای مونس جان
خاك راهیست که دردست‌نسیم افتادست
۷ـ هنگام وداع توزبس گریه که کردم
دوراز رخ تو چشم مرانور نمانـدست

مقاومت در مقابل

سپاه اسکندر و چنگیز

مقاومت‌در مقابل‌هجوم بیگا نگا ن یکـــی از ممیـزا ت عنعنـو ی و تاریخی این سر زمین است شواهد تاریخی خود گواهی بر ین است که هر قدریکه هجوم وحمله دشمـــــن شدید بوده‌مقاومت وقدرت رزمندگی مردمان این مرزوبوم نیز به همـان پیمانه شدید تربوده است.

روح مقابله ومقاومت در مقا بل تعرض وتجاوز در میان همه باشند‌گان این کشور بدون امتیاز زما نو مکان یکسان‌بوده واین روحیه از ازمنه های‌افسانوی تاروزگاران‌معاصر همه جا مشهود بوده است.

شرح مختصر مقاومت اها لـــی حوزه هری رود وشهر تاریخی هرات در مقابل اسکندر مقدونی وچنگیـز ووابستگان اودر فا صله ۱۵۰۰سال قبل مثا لی‌است از امثال مختلـف ومتنوع تاریخی که شا خص ممیزه برای همه باشند گان این سر زمین باستانی شده می تواند.

حینیکه سپاه اسکندر مقـدو نی درسال (۳۳۰)به حوزه‌شاداب هری‌رود رسید، مردم هری رود به قیادت رئیس خود «برزان» به قصد دفا ع علیه تجاوز کنند گان پردا ختنــــد شهر (آبادانی) که‌درین وقت مرکز حوزه هری رودبود ودر منابع یونان بنام‌اور تاکانایاد شده‌دارای حصاری محکم که‌آنرا به صفت «آریا متروـ بودسخت استوار پولیس» یامرکز ولایت (آریا) هم‌یاد کرده اند.

«برزان» بااینکه‌حصا ری مستحکم درهرات داشت مردم هری بدور او جمع شده طبق نقشه نظا می دربرـ خورد اول باسپاه یونانی حا ضـر به تسلیم شد.

واسکندر مشاور نظامی خود انا کز ییو س)رابه حر است هرات‌گذاشته وخود بطرف جنوب به حر کت‌افتاد تازه اسکندر به‌فراه نزد یك شـده بودکه «برزان» همراه بااها لی حوزه هری رود قیام نموده ومشاور نظامی اسکندر رابه قتل رسا نیدند وقتی اسکندر ازین فاجعه اطلاع حا صل کرد مجبور به مرا جعت فوری بدان دیار گردید برزان وسا بر جنـگ آوران چه‌در حصار «اورتا کانا» وچه در خارج به مقاومت پردا ختند مگـر سرانجام قلعه بدست طر فدارا ن اسکندر محاصره شدو برزان ازقلعه بر آمد دریکی ازکوه های مجاور که درآن وقت از جنگل انبوه پوشیده شده بود مسکن اختیار کردو بـــه مقاومت پردا خت‌واین وضع اسکندر راسخت‌ناراحت ساخت‌امااین مـرد سلحشور وطرفدارانش‌وقتی تسلیم شدند که یونا نیان جنگل مذ کـور راآتش زدند وسو ختا ندند.

بعداز هجوم اسکندر مقارن‌سال ٦١٨هجری مطا بق (۱۲۲۱ م)امواج طو فان دهشت خیز چنگیزی بـــه حوزه هری رود نزد یك شد درین نبرد تولی یکی‌از پسران خان‌تاتار به‌امر پدر ماموریت داشت که‌بعد از فتح نیشا پورعازم هرات شود،درین فرصت ملك شمس الدین محمـــد جوز جانی از طـــرف خوارزم شاه سلطان جلال الدین منکبر تی بـــر هرات حکو مت میکرد وبه اساس (نوشته های تاریخ نامه هرا ت‌وـ روضة الصفا) درحدود ۹۰و ۱۰۰ هزار مرد جنگی برای دفاع شهرو مقابله باچنگیز .

وبعد ازجنگ ومبارزا ت دامنه دار چنگیز وپسران اودر خود تـــا ب مقاومت ندیده وبعد از داون خسارات وتلفا ت زیاد همینکه باطغیان وسرـ کشی‌اهالی هرات روبرو شد نــد سپاه عظیم که‌مر کب از هشتادهزار نفر مرد جنگی بود به‌سر کردگـــی ایلچکدای نویان پسر دوم چنگیـز که‌قصدگرفتن‌هرات رانموده بود ند بعداز شکست قاطع هـــرا ت را گذاشته ورفتندواماباید متذکرشدکه همانطور یکه مقاومت هراتیا ن در مقابل اسکندر شدید وقاطعانه بود درمقابل ایلچکدا ی نویان به مراتب ازایستاد گی اول آنها شدید ترو پایدار تر بود محا صره شهرهرات ۹ماه طول کشید ودر طول مد تی که هرات در محاصره بود جنگجویان تاتوانستند کشتند وسو ختند وبه یغما بردند این ضر با ت شـد یـد حکم هلاکت قطعی رابرای این سر زمین تاریخی داشت.

اما مؤرخین می نو یسند که بعد از فتو حا ت اسکندر شهر هـــری مجددا آبادو معمور شد وبعدازمرگ چنگیز دردوره سلطنت سو میـــن پسر او «اوگتای قاآن» شهر هرا ت بعداز سال ٦٤٠ هجری دوباره روبه آبادی وبهبودی گذاشت.

و ا مـــا د ر فر صتیکـــــه سکندر به فکر گر فتن خاکهـــای افغانستان‌شد درین وقت‌افغانستا ن جزءامپراتوری هخا منشی‌ها بـودو حکمرانان ایالات‌بزرگ‌بلخ وسیستان وخراسان عندالضرورت بفکر مقابله بااسکندر افتا دند ودر صدد حملـه علیه یونانیان بر آمدند.

شمس الدین مسرور هنر مند محبوب رادیو افغانستان

فریاد های مرگ

من داخل صحبت شده گفتم: پنجره های مطبخ بطرف عقب بازمی شود. از ینجهت آوازی ازهر قبیل که دراتاق کاربلند شود درمطبخ شنیده نمیشود . بعلاوه درآن لحظه درمنزل تنها خدمتگار ماحضور داشت .

مالچت گفت: خوب ولی باوجود آن ایـن موضوع عجیب است زیرا ازاینکه آن زن سالخورده میس مارپل نیزصدا نشنیده ، باید متعجب بود. درحالیکه درهای شیشه یی اتاق کارتان بازبوده است .

بایدوك ، اظهار داشت : شاید هم شنیده باشد .

من گفتم: تصور نمیکنم شنیده باشد . میس مارپل چند دقیقه قبل به منزل ما آمده بود واگر چیزی می شنید، حتما حرف آنرا میزد .

ـ شاید هم آواز سلاح راشنید امااهمیتی بهآن نداده است . وممکنست آنرا صـدای اگزازیك اتوموبیل تلقی کرده باشد .

بنظرمن اینطور آمدکه بایدوك امروز صبح خیلی سرحال است ودر گفتار و حرکـاتش حالتی دیده میشد که گویا سعی دارد ایـن سرحال بودن خودرا پنهان بدارد. دوکتـور گفت: شاید تپانچه مجهز به صدا خفه کـن ، بودی باشد . این خیلی ممکن است ولاجرم کسی نتوانسته صدایی بشنوند .

مالچت باتردید سرتکانداده گفت : ایـن موضوع رااز ریدینگ هم پرسیده است ولی جوان رسام حتی نفهمیده مطلب اوازین سوال چیست، وقتی موضوع رابه او توضیحدادهاند، تاکید کردهکه چنین وسیله ای را بکار نبرده است . درهرصورت باید حرف اورا بـاور کرد .

ـ که اینطور !.. بیچاره ...

مالچت غرید: احمق ! رسام واقعا یكاحمق بیش نیست . واستش درمورد اوایـن راکـه یك قاتل باشد، نمیتوانم باور کنم .

دوکتور بایدوك قهوهٔ خودرا تمام کـرده چوکی اش راعقب کشید وپرسید :

ـ خوب، ودلیل جنایت چه بود ؟

ـ ریدینگ میگویدکه دراثر گفتگوی شدید اعصاب خودرا نتوانسته کنترول کند وباتپانچه بسوی پروتیرو فیرکرده است .

دوکتور بایدوك درحالیکه سرخودرا بعلامت باورنکردن تکان میداد، گفت :

ـ یعنی ریدینگ می خواهد ادعا کند که این کار رابا طرح یك پلان قبلی انجام نـداده است . درحالیکه اثبات این ادعا برای و ی خیلی مشکل است . زیراریدینگ موقعی که پروتیرو مشغول نوشتن بوده ازقفا وارد شده وروی مغزش آتش کرده است . این مسـأله هیچگونه ارتباطی نمیتواند باگفتگو پیداکند .

من سخنان میس مارپل رابخاطر آوردم . واقعا ریدینگ فرصتی برای گفتگو نداشتـه است . درچند دقیقهٔ معدودی که اودر منزل من بوده فقط میتوانسته وارد اتـاق شـده پروتیرو رابکشد، ساعت راتغییر بدهد وبعد خارج شود. واستش وضـع آشفتـه او در لحظهای که درمدخل درب حیاط بامن روبرو گردید، لحن گفتارواطوارش فراموشم نمیشود. خصوصا موقعیکه بمن گفت: پروتیـــرو را میخواهید ببینید ؟ اورا خواهید دید .

و من ازین لحن گفتار باید پی می بردم که ریدینگ پروتیرو راچند دقیقه قبل به قتـل رسانده وازکار خود مطمئن است .

باقیدارد



اطلاعات و کلتور
رئیس تحریر : محمد ابراهیمعباسی
مدیر مسؤل نجیب رحیق
معاون : پیغله راحله راسخ
مهتمم: علی محمد عثمان زاده .
تیلفون دفتر رئیس تحریر ۲۶۹۴۵
تیلفون منزل رئیس تحریر ۲۲۹۵۹
تیلفون دفتر مدیر مسوول ۲۶۸۴۹
تیلفون ارتباطی معاون ۱۰
تیلفون منزل معاو ن۴۰۷۶۰
مدیریت توزیع ۲۳۸۳۴
سوچبورد ۲۶۸۵۱
آدرس : انصاری واټ
وجه اشترا ك :
درداخل کشور ۵۰۰ افغا نی

دولتی مطبعه

